

کارگران جهان متحد شوید!

۳۲ صفحه

۹۶

پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال دوم - دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۵۹ بهار ۳۰۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- ۲۳۷۵۰ تومان حقوق ناقل! يك استاندارد "مکتبی"!! ۱۷ صفحه
- رزمندگان: تصفيه اپورتونيسم به سيوه سائريستی! صفحه ۱۹
- لايحه ارضی رژيم: طنين طبل تو خالی برای فريب دهقانان! صفحه ۲۱
- "تحریم اقتصادی" چه تأثیری بر واردات ایران داشت صفحه ۲۴
- جاسوسان انگلیسی آزاد شدند. انشاء الله گربه است! صفحه ۲۹

۱۷ اسفند روز بین المللی زنان کارگر و رحمتکش گرامی باد!

صفحه ۲۷

اطلاعیه سازمان پیکار در راه
آزادی طبقه کارگر در مورد
**توطئه
دستگیری رفیق
محسن فاضل**

۳ هفته قبل، رژیم جمهوری اسلامی یکی دیگر از مبارزین سابقه را که درسنگر مبارزه علیه امپریا - لیسم - صهیونیسم و رژیم شاه مبارزه کرده است، دستگیر نمود. رژیم جمهوری اسلامی مدت زیادیست که کوشش مینماید، چنین وانمود کند که سازمان مایک "سازمان آمریکائی" و افرادی نظیر رفیق محسن فاضل در رابطه با امپریالیسم آمریکائی فعالیت می نمایند.

بقیه در صفحه ۱۴



شرایط سیاسی کنونی و تاکتیک کموننیستها

خلعت کُنونی شرایط سیاسی جامعه ایران، هم اکنون در این است که دورشته تفا دبه موازات یکدیگر، حلقه های مختلف حصادات سیاسی ایران را بیکدیگر متصل کرده و سیمای کُنونی اوضاع سیاسی جامعه را ترسیم می نماید. یکم تفا دمیان بالاپا شین، میمان توده های تحت ستم، با رژیم سیاسی حاکم، و دوم، تفا دمیان جناح های مختلف حکومت فدا انقلابی موجود. برای کمونیست های انقلابی جای هیچ تردیدی نیست، که در میان این دورشته تفا د آنچه که نقش جایگاه تعیین کننده را دارد و نقطه آغاز و اطلی اتفا ذهر گونه تاکتیک و سیاست صحیح را برای پرولتار با تشکیل میدهد، تضاد اولی وجهت حرکت آن است. هر کارگرا گاهی با پدید آمدن نگاه خویش را قبل از هر چیز و قبل از آنکه به دعوای میان جناح های

بقیه در صفحه ۲

**ضرورت طرح
آلترناتیو کمونیستی
و نگرش انحرافی
فدائیان خلق (اقلیت)**

صفحه ۱۱

**درو د بر کارگران
قهرمان اعتصابی شرکت واحد**

صفحه ۸

**یاد رفیق کبیر، استالین را
گرامی میداریم!**

صفحه ۲۵

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۲ **سرمقاله...**

رژیم، بدوزد، آتجیزی که روبرو نیست هـا، ایورتون نیست ها و رفرمستهای خرده بورژوا یا تمام قوادری آتند، بایده اوضاع عینی جنبش توده ای وسعت وجهت حرکت آن سبب اندازد و کلیه اصلی درک این اوضاع را از همین جـا آغاز کند، چرا که نه تنها، این تضاد، نقش اصلی را در تعیین روند تکامل اوضاع سیاسی جامعه در هر مرحله و دورانی ایفا میکند، بلکه بنوبه خود نقش مهمی در شکل گیری و نقش اصلی را در دادن گرفتن و گسترش تضاد دوم، یعنی تضاد در بالا ایفا میکند. ایورتون نیست ها، روبرو نیست ها و رفرمست ها، از بالا شروع میکنند و پاشن حرکت میکنند، کمونیست های انقلابی و پیگیر از پاشن آغاز میکنند و به بالا میرسند. این یکی از مهمترین تفاوت میان مناسباتی تاکتیکی مارکسست لنینیست ها با خیل مزبور است.

رشد جنبش توده ای، در شرایط کنونی، آنچنان شتابی بخود گرفته است و چنان شور و شوقی را در میان توده ها پدید آورده است که در لحظه کنونی حتی دو آتش ترین ایورتون نیست ها نیز نمی توانند، همچون دیروز، بصراحت از رگود جنبش، و علیه ضد انقلاب سخن بگویند. بورژوازی حاکم، اکنون، در میدانی به وسعت کشورهای ایران، در هر لحظه خوشتن را در برابر نسیم وزاتی که ارسوی جنبش توده ها بر می خیزد، نسیمی که نظمه توفانی آتیده را در دل خود می پرورد، روبرو می بیند. توده های تحت ستم ایران، متاثر از بحران عمیقی که ساختمان جامعه را بلرزه در آورده است، مستقیما و علیرغم حتی توهمی که به این یا آن جناح حکومت ضد انقلابی در ذهن خویش دارد، نظم اقتصادی - اجتماعی و در بسیاری اوقات نظم سیاسی موجود را نشان نگرفته است. وهیج قدرتی توان محدود کردن آن در یک چارچوب قانونی، برای جلوگیری از واژگونی کل نظام موجود را ندارد چرا که توده ها، در هر واکنش انقلابی و مبارزاتی خویش، متاثر از کنش ضد انقلابی رژیم مستقیما بر این نظم ضربه میزنند و چارچوب قانونیت موجود را مورد تعرض خود قرار میدهند. کارگران در کارخانه ها، خلقها در مناطق ملی، دهقانان، هر چند به میزان بسیار کمتر در روستا ها، توده های بی چیز و فقیر شهری در شهرها، روشنفکران، دانشجویان و دانش آموزان انقلابی هر یک بنحوی در حرکت روزانه خود، روحیه تعرض و مبارزه را در فضای بحرانی ایران می پراکنند و هر حرکت رژیم در جهت بازگرداندن نظم ضـد انقلابی موجود، هر تعرض مستقیم او به آزادیهای دمکراتیک، مستقیما جنبش را برمی انگیزد و به واکنش وامی دارد. همین حوادث هفته های اخیر کرمان، شهری که از لحاظ سطح متوسط مبارزه، در

کل ایران، جایگاه آنچنان برجسته ای هم ندارد بروشنی این واقعیت را آشکار می سازد که چگونه یک واقعه سیاسی مثلا تروریک فرد مخالف حزب حاکم، توده ای چند ده هزار نفری را نه خبا با نیامی کشاند و مستقیما بر علیه جناح غالب هیئت حاکمه که نقش اصلی را در سازماندهی باندهای سیاه ترور ایفا میکند، می شورا ند، بطوریکه حتی لیبرالها را نیز به وحشت و ننگا پورای جلو گیری از این سل "مخرب" وامیدارد، اما جنبش حتی آنها را نیز علیرغم تمام توهما تی که در ذهن توده ها نسبت به خود برانگیخته اند، نیایم می گذارد.

کارگران در شرایط جنگی و علیرغم توصیه ها و رهنمودهای امام و تهدیدهای رژیم، دست به اعتصاب میزنند و بر علیه فقر و فلاکت موجود به حرکت در می آیند. بطوریکه همه جناحهای هیئت حاکمه در موضع گیری علیه آنها پافشاری و اصرار دارند (به همین اعتصاب اخیر شرکت واحد نگاه کنید) و این در حالی است که روبرو نیست ها و ایورتون نیست ها، سپاه کارگران را به تحمل نظم ضد انقلابی موجود فرامی خوانند و آنان را دعوت به "افزایش تولید" می نمایند. ویژگی اساسی شرایط عینی مبارزه توده ها در وضعیت کنونی، اعتلای انقلابی آن است. بدون ارزیابی ذهن گرایانه از دامنه این اعتلا و نیز شرایط ذهنی توده ها، باید اذعان داشت، که جنبش توده ها، در سطح و در عمق رشد و گسترش پیدا کرده و تمام حوادث و جریانهای سیاسی در جامعه امروز ایران بر این امر دلالت دارد. این اعتلا بدون شک در مسیر یک شورش همگانی بر علیه نظم موجود، به پیش خواهد رفت و به یک خیزش عمومی تبدیل خواهد شد. اینکه جنبش در این سیرا اعتلائی خویش، از چه راه ها و گذرگاههای عبور نماید، با چه دامنه و شدتی به حرکت آتی خود ادامه دهد، به چه نتایج آتی دست یابد و چه فرازونشیب هائی را از سر بگذراند، امری است که از قبل قابل پیش بینی نیست. اینکه سرانجام این سیرا اعتلا، چگونه و در چه تکی به انفجار همگانی تبدیل شود، اینکه آیا سرانجام این سیرا اعتلا و شورش همگانی به یک انقلاب پیروز منتهی گم خواهد یافت یا نه، با شرایط ذهنی توده ها و بسیاری عوامل و عناصر دیگر که از قبل ناشناخته است رابطه تعیین کننده دارد. اما تمام این آتینده های نامعلوم و نامشخص نمی تواند در ایران واقعیت خدشه پذیر برده اندازد که این اعتلا یک مسیر انقلابی را طی میکند و جهت و سیرتکامل را می پیماید.

دومین ویژگی اساسی شرایط و اوضاع سیاسی کنونی، که زمینه تکوین و تکامل خود را در روی گئی اساسی فوق الذکر می یابد، تضادهای اوگیر و رشدیابنده میان دو جناح اصلی هیئت

حاکمه است که هر یک از آنها، سپاه طبقاتی و سیاسی معینی را در پشت خویش بسیج کرده است. واقعیت این است، که این تضادها، به موازات رشد و گسترش جنبش خلق و تعمیق شکاف میان بالا و پاشین، و متاثر از آن، بسوزه از جریان اشغال سفارت به اینطرف پیوسته و علیرغم افت و خیزهای فراوان روبرو گسترش و عمق بوده و یک لحظه توقف نداشته است. با به عینی این تضاد، از همان ابتدا و علیرغم تمام روکش های رسمی و عوامفریبانه آن، چیزی جز دو سیاست و روش معین از جانب جناح های مختلف بورژوازی ایران (و بخاشا خرده بورژوازی مرفه) در مقابل به بحران عمیق موجود در همه عرصه ها، نمی باشد. دوروش و سیاستی که تلاش بورژوازی را در کلیت خویش برای ارائه یک آلترنا تیو بورژوازی و خنثی کردن آلترنا تیو انقلابی و پرولتاریائی در وضع بحران کنونی، بروشنی نمایان میسازد این دو سیاست و دوروش (علیرغم تمام هیئت یکسان هر دو)، هر روز، که میگذرد و بحران فزونی میابد ایضا دوزوایای روشن تری بخود میگیرد و سیمای روشن تری به صف آرائی نیروهای سیاسی طبقه حاکم می بخشد. پیدایش تدریجی گرایش معینی در درون حزب جمهوری اسلامی، در جهت نزدیکی به بلوک شرق و ضدیت با بلوک غرب و متقابلا گرایش پیدا و نهان جنبه لیبرالها به بلوک غرب جلوه ای از تضادهای این دو جناح را در قدرت سیاسی به نمایش می گذارد. سیرتکامل این تضادها که اکنون بصورت دو جنبه مشخص جلوه گری میکند، اکنون به جایی رسیده است که بدون انحراف می توان گفت به بن بست نهائی خود در چارچوب تناسب و آرایش فعلی نیروها در هیئت حاکمه، نزدیک میشود. اکنون به یقین می توان گفت هر یک از جناح ها، با تمام قدرت و علیرغم تمام توصیه های "اخلاقی" و "پدرانه" "رهبرانقلاب"، در جهت حذف رقیب از مجموعه قدرت تلاش میکنند. آنچه که تاکنون و با هم اکنون مانع اساسی چنین کاری بوده است اولاً و مهمترین راز همه وحشت هردو جناح از اوگیری جنبش توده ای و در خطر قرار گرفتن کل حاکمیت از طرف این جنبش بر اثر هرگونه اقدام تعبیین کننده در جهت حذف جناح دیگر میباشد و ثانیاً، توازن و تضادی است که در مناسبات سیاسی نیروهای موجود در هیئت حاکمه و بسوزه، میان دو جناح و نقشی که خمینی در این رابطه ایفا می کند بوجود آمده است. اکنون نه جناح حزب جمهوری، که موضع غالب را در قدرت سیاسی دارد می تواند به حذف کامل لیبرالها، بدلیل پایه استواری که در توهما ت توده ها یافته اند، دست زند (صرفنظر از اینکه در خود جناح حزب نیز گرایشات متفاوت طبقاتی و سیاسی، امکان یک حرکت یکپارچه و هماهنگ را در این رابطه به

بقیه در صفحه ۳۰

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها!

جنبش کارگری



اینست ماهیت رژیم جمهوری اسلامی:

لغوسود و پژه کارگران
و بخشودگی حق بیمه
سرمایه داران!

آز شروع جنگ تا کنون در کارخانجات چه میگذرد؟ (۳)

الف - رشته اتومبیل سازی

۳- کارخانه بنز خاور

کارخانه بنز خاور: این کارخانه بیش از ۳۰۰۰ کارگر و کارمند دارد و کارگاه میونهای بنز تولید میکند. مدیر عامل، فدکارگزار عوامل حزب جمهوری اسلامی است که برای تحت فشار قرار دادن هر چه بیشتر کارگران به وضع مقررات خشک "انضباطی" و در واقع ایجاد اختناق در کارخانه مبارزات نموده است. بطوریکه تمامی حرکات کارگران و بخصوص کارگران مبارز زیر نظر انتظامات کارخانه و سرپرستها و فورمنها قرار دارد. اما با این وجود فشارهای کارگران

مبارز و کمونیست همچنان ادامه میابد. شورای کارخانه یک تشکل زرد (ضدکارگر) و طرفدار لیبرالهاست. شورا علناً بدفاع از جناح لیبرال رژیم پرداخته و از این موضوع بر علیه حزب به تبلیغات میپردازد. از این رو "شورا" توانسته است با عوا مغربیهایی بسیار غلبه کارگران ناآگاه را مدافع خود سازد و از این طریق انجمن اسلامی کارخانه را که بسیار رمنزوی است، بکنار رزند. قبل از جنگ کارگران برای رسیدن به خواستههای منفی خود و بخصوص اجرای طرح طبقه بندی مشاغل بنفع کارگران، "شورا" را تحت بقیه در صفحه ۴

تعرض انقلابی کارگران کفش ملی برای آزاد ساختن همکارشان

روز ۵۹/۱۱/۲۰ با ساداران سرمایه در مقابل کارگران مبارز کفش ملی اقدام به تیراندازی هوایی نمودند. قضیه از آنجا آغاز گردید که از چند هفته قبل کارگران خواهان دریافت حقوق تولید از هیئت مدیره جدید کارخانه شده بودند اما هیئت مدیره با دادن وعده و وعید مدتی کارگران را سردواند. یکی از کارگران که بعد از گذشتن موعده تعیین شده، نسبت به این مسئله نزد "شورا" اعتراض کرده بود توسط مزدوران رژیم سرمایه داری دستگیر گردید. کارگران شرکت "گابور" زمانیکه از این جریان مطلع شدند، تصمیم گرفتند را با به جلوی کمیته رفته و همکار زندانی خود را آزاد سازند.

با ساداران سرمایه وقتی صف متحد و مصمم کارگران را در مقابل خود دیدند بوحشت افتاده و شروع به تیراندازی هوایی نمودند. اما کارگران که در گذشته به همراهمان بر تنه ها رژیم جلادانه را با آن همه قدرت سرکوب از زمین برده و با دست خالی پا دگانها را تسخیر کرده بودند، آنها که خود اسلحه را بدست ساداران داده بودند، نه تنها تیراندازی در عزمشان خللی

وارد ساخت بلکه با بنمایش گذاشتن شش دست و شجاعت طبقه خود پیش رفته و کارگر زندانی را از جنگ مزدوران آزاد ساختند. این حرکت انقلابی کارگران علاوه بر آنکه بیش از پیش آنها را به نیروی خود واقف گردانید چند مسئله دیگر را نیز برای کارگران روشن نمود: نخست آنکه ما هیئت ضدکارگری شورای کارخانه که کوچکترین اقدامی برای آزادی کارگران زندانی انجام نمیداد تا شکار شد. دوم آن که ما هیئت سرکوبگران ساداران برای کارگران کاملاً آشکار گردید و آنها بی بردند که علت وجود این حافظین سرمایه داری چیزی نیست جز مبارزات کارگران بخصوص اینکه ساداران در قبایل این خدمات خود به سرمایه داران، علاوه بر ۸ ساعت حقوق، ۱۶ ساعت نیز "آغافه کاری" دریافت میکنند!؟ و اما برجسته ترین جنبه این حرکت انقلابی کارگران همانا خلعت تعرضی آن بوده که نوبد بخش آجگیری و تعمیق مبارزات طبقه کارگران است. با ساداران سرمایه از کارخانه ها اخراج باید گردند! کارگران متحد همه چیز، کارگران متفرق هیچ چیز!

بخشودگی مطالبات حق بیمه

شش ماهه دوم سال ۵۷

برای کارفرمایان

کم درآمد

تهران - خبرگزاری پارس: بناسبت دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی از سوی دکتر منافی وزیر بهداشت ابلاغ شد که کلیه مطالبات حق بیمه شش ماهه دوم سال ۱۳۵۷ براساس موضوع لایحه بخشودگی کارفرمایان کم درآمد مصوب شورای انقلاب، قسمتی از حق بیمه کارگاههای کوچک صنعت، بخشیده شود.

کارگران، زحمتکشان و هممیهنان مبارزان بیش از دو سال است که ما را هدیه نتهای و عوا مغربیهایی هر روز رنگارنگ رژیم جمهوری اسلامی هستیم. دوسالی که رژیم خدخت به سرمایه داران و سرکوب مبارزات کارگران، زحمتکشان و خلقهای ایران، کار دیگری نکرد است. دوسالی که جز وعده و وعید جز فریب و دروغ و جز نیرنگ و دورویی، از رژیم چیز دیگری ندیده ایم:

- وعده آب و برق و توبوس مجانی میدهد، ولی جز کمک به سرمایه داران برای گرانتر کردن ما بحتاج مردم کاری نمیکند.

- حساب ۱۰۰ برای "خانه سازی" باز کرده و وعده ممکن به زحمتکشان میدهد، ولی آلونکهای زحمتکشان "خاک سفید" را یکشنبه خاک یکسان میکند.

- وعده آزادی های دمکراتیک را میدهد، ولی انقلابیون و کمونیستها را در زندانهای آریامهری به حبس و شکنجه کشیده و آنها را اعدام میکند.

- دم از دفاع از منافع "متصفین" میزند، ولی حتی جلوی پرداخت قسمتی از حقوق کارگران (بودویژه) را که در اثر مبارزات بسیارشان در زمان رژیم شاه بدست آورده بودند، میگيرد.

....

آنگاه در شرایطی که:

- براش جنگ ارتجاعی کنونی شدت فشار بر

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



کارکنان جنگزده صنعت نقش طی اجتماعات خود خواهان آزادی نمایندگان نشان شدند

اصفهان :

کارکنان جنگزده صنعت نقش در پی نشتیهای هفتگی خود روز ۱۳/۱۱/۵۹ میتینگی برگ-زار کردند. ابتدایکی از نمایندگان درباره اخراج ۴۵۲ نفر از کارگران زیرپوش (رجوع کنیده به پیکار ۹۴) صحبت کرد و پیشنهاد جمع آوری کمک برای آنها نمود. سپس یکی دیگر از نمایندگان در این باره گفت که چگونه طبق سندی که بدست آمده، کارگران مبارزان به شایعه پراکنی درباره اخراج کارگران زیرپوشی متهم کرده اند، در حالیکه امروز میبینیم که مسئله شایعه نبوده و دولت اقدام بدینکار کرده است! بعد از سخنان این نماینده نوبت میرسد به ما دریکسی از نمایندگان زندانی که برای دیدن فرزندش به تهران رفته بود. این مادر مبارز در سخنانش اظهار داشت: "پسر من راهمه میشنا سدا و میتوانست در خانه بنشیند و سرهمه حقوق خود را بگیرد اما از آنجا که به کارگران اعتقاد داشت راه مبارزه را انتخاب کرد." سپس ضمن اشاره به سر - دواندنیهای مقامات وزارت نفت در تهران گفت: "من به آنها گفتم که شما فکر میکنید کسی هستید؟! این پسر من و همکارانش بودند که شما به اینجاسا ندندان چطور شده که شما "انقلابی" شدید و بیجه های ما "فدا انقلاب"؟! این مادر مبارز در جواب مقامات رژیم گفته بودند: "نماینده ها ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر کارگران آگاه را تحریک کرده بودند." پاسخ دندان شکنی داده و گفته بود: کارگران که گوسفند نیستند که کسی آنها را تحریک کند! گرسنگی آنها را به حرکت درآورده، از نظر شما هر که گرسنه است و حقش را طلب میکند آگاه است، پس شما که نا آگاه "نیستید حتما شروتتمدید!" بعد از ما در نماینده زندانی، یکی از نمایندگان سازشکار و فرمت طلب با عنوان کردن اینکه "این زن میخواهد ما را تحریک کند!! سعی کرد تا از قوت گرفتن روحیه انقلابی در میان کارگران جلوگیری نماید. و برای آزاد ساختن نمایندگان زندانی راههای سازشکارانه و بی نتیجه ای چون "مذاکره" و مراجعه به دفتر امام و رئیس جمهور "را پیشنهاد کرد. این فرد که سعی داشت کارگران را وادار کند از سرمداران رژیم که بیعت تفا دشتی - ناپذیرش با کارگران و زحمتکشان، نمایندگان

بقیه در صفحه ۷

يك نکته مهم

کارگری به رفیقش میگوید: در شرایط فعلی ما ناچاریم بین بد (بنی تلدرولیرالها) و بد-تر (حزبها)، بد را انتخاب کنیم. رفیقش در جواب میگوید: ما "بد" داریم، "بدتر" هم داریم، "خوب" داریم و "خوبتر" هم داریم. چرا بین اینها "خوبترین" را انتخاب نکنیم؟!

"شورا" و مدیریت در آغاز جنگ تصمیم می - گیرند که به ازاء هر شش ماه یکروز از حقوق کارگران را برای جبهه به حساب بنی صدر بیزند. این عمل با مخالفت و اعتراض عده ای از کارگران مواجه میشود اما "شورا" با استغاده از ج-سو شونیستی آن زمان، در یک مجمع عمومی با "فدا انقلاب" خواندن مخالفین، پرداخت یکروز حقوق را اجباری میکند. در ضمن به پیروی از سیاست کلی دولت مبنی بر سواستفاده هر چه بیشتر از روحیه "میهن پرستانه" کارگران و افزایش شدت کار و استثمار، مدیران دولتی کارخانه نیز تولید را دوبرابر کرده و از ۱۵ عدد کامیون در روز به ۳۰ عدد میرسانند که روشن است چه فشار شدیدی به کارگران وارد نمود. به عبارت دیگر اگر کارنی روز افزون مواد مسورد نیاز کارگران را در نظر بگیریم، جنگ موجب شد که خیلی ساده و با یک چرخش قلم حقوق کارگر عملا نصف شود. بیهوده نیست که سرمداران رژیم از "خیرات" و "برکات" جنگ دم میزنند! آیا خیر و برکتی "نیش از این برای شما به داران میتوان تصور کرد؟!

یکی دو ماه بعد از جنگ که توهمات کارگران نسبت به جنگ فرو میریزد، مسائل مورد بحث کارگران نیز از مسئله جنگ به مشکلات اقتصادی-اجتماعی (گرانی سرام و اوروکسود ما یحتاج اولیه زندگی از طرفی و ولخرجی های رژیم نظیر پرداخت ۲۰۰ میلیون تومان برای خرید اسلحه و پرداخت میلیونها تومان به روحا نشون و...) تغییر میابد. ما آنجکه در چگونگی پیشبرد مبارزات کارگران اهمیت بسیار دارد، میزبان آگاهی طبقاتی آنها و شناختی است که نسبت به جناحهای مختلف رژیم دارند. از اینرو وظیفه کارگران انقلابی و بخصوص کمونیست است که با افشای همه جا نیمه و گسترده رژیم و بخصوص جناح لیبرالها (بنی صدر) که توهمات بسیاری برای کارگران بوجود آورده اند، در ارتقا آگاهی کارگران بگویند. همچنین نمایندگان این جناحها در کارخانه یعنی "شورا" ی غذا کارگری انجمن اسلامی را افشا کرده و خواهان انحلال آنها شوند. کارگران انقلابی و کمونیست میبایست خواست تشکیل شورای واقعی کارگران را بدرون آنها برده و تبلیغ نمایند.

کارگران و زحمتکشان دانشا افزایش میابد، - مالیاتها و قیمت ما یحتاج زندگی توده ها روز بروز بالاتر میرود، - به بهانه جنگ و "حک" به جنگزدگان از حقوق کارگران کم کرده و حتی ناچار آنها را لغو میکنند - بیماران "بیمه شده" را در بدترین شرایط برای درمان قرار میدهند - نزدیک ۲ میلیون آواره از سی مکنی گرسنگی و... در عایدند، - بیکاری زندگی میلیونها نفر را تهدید میکند -

آری در این شرایط است که طبق سند فوق دولت طی یک بخشنامه حق بیمه ۶ ماهه "کارفرما" - یا "بازگردد" (!؟) را از "کمیته خلیفه" می - بخشد! اینست، ما هیت سرما به داران رژیم - حمهوری اسلامی! کارگران، زحمتکشان و هم میهنان مبارز! رژیم جمهوری اسلامی نه میخواهد و نه می - تواند حافظ منافع شما باشد. این رژیم، حافظ منافع سرما به داران، تاجران، زمینداران و سایر اقشار مرفه جا معاست، و به همین دلیل هم تری با زبازی و تحکیم سیستم سرما به داری وابسته به امیرالیم میابد.

امار رژیم کز خوانده است! طبقه کارگر بزمراه سایر توده های انقلابی دیگر چنین آگاهی به اینخواهند داد آنها سیم و متحدان برقراری جمهوری دمکراتیک خلق بمبارزات خود! ما مدخوا همداد!

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد دیکار رتوده ها! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق! سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۳ از شروع...

فتا رفر: رده بودند، که با گسترش جنگ، کارگران! بین کارخانه ها هنگ با سایر کارگران تحت تاثیر تبلیغات شونیستی رژیم قرار گرفته و از بیکاری خواسته های خود خود اری نمودند. اما همانگونه که گذشت زمان کارگران و زحمتکشان ایران در بر خورد با واقعیت ارتجاعی بودن جنگ و شرارت سوء آن برای توده ها از طرفی، و افشگری کمونیستهای بیکرا از طرف دیگر به ما هیت سرما به داران جنگ، بی زدند، کارگران بنزخا ورنیزد و به خواه ستیای خود را مطرح کردند و "شورا" را زیر فشار قرار دادند. از آنجا شبکه تمامی کارگران بشکل یکپارچه و متحد خواهان اجرای طرح طبقه بندی مشاغل هستند، "شورا" و مدیریت کارخانه مجبور به پذیرش این خواست شده اند.

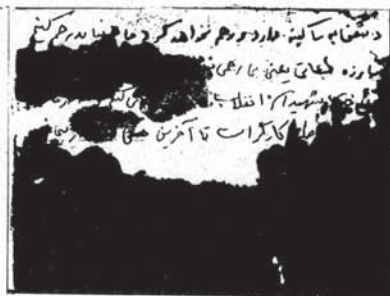
۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

خلق ها و مسئله ملی



خون سرخ پیشمرگه، نشانه میثاق او با زحمتکشان

کمونیستها شیفته زندگی هستندولی نه با هر قیمتی. کمونیستها زندگی را دوست میدارند که بهمانندودر آلمان سرخ طبقه کارگر بیکار کنندولی در این مبارزه طبقاتی از مرگ نمی هراسند. آنان تا آخرین قطره خون در راه رهاشی کارگران و زحمتکشان با پرچم سرخ انقلاب و سوسیالیسم در دست به پیش می روند و وفاداری خود را نسبت به عهد و میثاقی که با کارگران و زحمتکشان بسته اند با خون امضا میکنند در ماه گذشته در یک درگیری با مزدوران رژیم جمهوری اسلامی یکی از رفقای پیشمرگه پیکارگر زخمی شد و در حالیکه گلوله های بهران و گلوله دیگری به سرش اصابت کرده بود، در هوای سرد در میان برفهای کوهستانهای سرافراز کردستان به مقاومت دلیرانه خود ادامه داد زمانیکه فقط یک گلوله برای رفیق مانده بود، رفیق قهرمان ما شروع به نشستن و صیقل زدن خود نمود. در همین حال، در اثر رسیدن پیشمرگان دیگر، از خطر مرگ حتمی نجات یافت. در زیر قیمتی از وصیت نامه رفیق که در کاغذی آغشته به خون این رفیق پیکارگر نوشته شده است میاوریم:



"دشمن به ما کینه دارد و در رحم نخواهد کرد. ما هم نباید رحم کنیم. مبارزه طبقاتی یعنی سیرجی به دشمن طبقه ای. من به خون شهیدان انقلاب سوگند میدهم که به آلمان که آلمان طبقه کارگر است تا آخرین نفس وفادار بمانم. من افتخار میکنم که مرگم در راه آلمان زحمتکشان است. ما درامیدوارم که بتوانی جای خالی مرا برای همیشه بگیری سلام مرا به تمام دوستان و آشنایان برسانید، کامیاران، فرزندان ما." ۵۹/۱۱/۱

چقدر با شکر است، مرگ را در برابر خود

مهاباد: ادامه مقاومت

تنها اداره آب و برق به دلیل اهمیت آن برای نیروهای دولتی مشغول بکارندولی پاسداران کارمندان و کارگران آنجا را نیز بشدت زیر فشار قرار داده اند و هر روز به آنها تان را مورد اذیت و آزار قرار میدهند. سرکوبگران موقع تعطیل ادارات و بازگشت کارمندان به خانه ها بهشان بسوی آنها تیراندازی کردند که خوشبختانه به کسی آسیبی نرسید. امروز ۵۹/۱۱/۱۶ - مزدوران مستقر در "دانشگاه" اطراف - چهار راه مولوی را زیر توپ و خمپاره گرفتند که در نتیجه دست کم ۱۲ خانه ویران شده، سه نفر از مردم به دفاع شهید و تن دیگر زخمی شدند. در این اثنای یک گلوله خمپاره به جیب سیلندری پاسداران که از آن محل عبور میکرد، اصابت کرده و سه تن از پاسداران به هلاکت رسیدند. این خمپاره را با تاساعت چهار بعد از ظهر ادا می یافت، رفت و آمد مردم در این روز قطع شد. (خبرنامه ۱۲۲ کومه له)

شهر همچنان حالت جنگی دارد، بازار تعطیل است، اما حالی محلات فقیرنشین با امکاناتنا چیز خود مشغول ساختن پناهگاه برای درامان ماندن از خطر خمپاره باران و توپ باران ارتش و پاسداران جنایتکار هستند. ذخیره مواد غذایی مردم روبه اتمام است. تعدادی از مردم شهر را ترک کرده اند و به دهات و شهرهای اطراف پناه برده اند. هر چند گاهی یکبار صدای دلخراش گلوله های توپ و خمپاره و رگبار مسلسل های ارتش و پاسداران سکوت شهر را درهم میشکنند. مردم با امکانات کم خود زخمیها را مداوا میکنند و با وجود پنهمه فشارها روحیه بسیار خوبی دارند. پیشمرگان کومه له در تاریخ ۵۹/۱۱/۵ شهر را ترک کرده اند. دیروز (۵۹/۱۱/۱۵) پاسداران بطرف دینور عا بردار جلومسجد عباس آغا تیش میگشایند و در نتیجه یکی از آنها را زخمی و دستگیر میکنند. همه ادا را تعطیل هستند و

سازمان چریکهای فدائی (اکثریت): خیانت به خلق کرد خدمت به ضد خلق

رویزیونیستهای خائن سازمان چریکهای فدائی (اکثریت) نیز فعلا لانه وارد میدان شده و به اشاعه تسلیم طلبی و ایجاد تزلزل در بین پیشمرگان و توده های زحمتکش کرد مشغول بوده و با لجن پراکنی های مذبوحانه بر علیه کمونیستها و نیروهای انقلابی کردستان جهت پراکنده ساختن صفوف متحد خلق کرد دفاع لانه تلاش می نمایند. از جمله ایراد مردم قهرمان سنجش شاد در درشت نویسیهای بدون امضا متعددی در میادین و دیوارهای شهر با مضمون "ما م عفو داده خود را تسلیم کنید" بوده اند که بشهادت آنها چنین شمارهای توسط اکثریتی خائن خائن نوشته شده است. حال در رابطه با خیانت سازمان چریکهای اکثریت و تبلیغ و

به دنبال تلاش در ایجاد جنگ روانی بر علیه خلق کرد و اشاعه روحیه تسلیم طلبی از طریق تبلیغات دروغین حول توبه و تسلیم - سلاح پیشمرگان و دادن امان نامه به آنها توسط رژیم اکنون در ماندگی و استیصال رژیم در ایجاد تزلزل در بین خلق قهرمان کرد، به دادان اولتیماتومهای مکرر تبدیل شده و رژیم جمهوری اسلامی روز و شب ضرب الاجل های جدیدی برای پیشمرگان در جهت تسلیم شدن تعیین میکند. ما در پیکار شما راه ۹۴ در تعطیل ما هیت توبه و امان نامه و تسلیم شدن کاذب پیشمرگان و اهداف رژیم از یکا رگیری این حیل ه سخن گفتیم. اکنون افشای مجدد اهداف رژیم و تا کید بر آنچه که در پیکار ۹۴ گفته شده از آن جهت ضروری می - نماید که در این جنگ روانی بر علیه خلق کرد

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



دیدن و بیاد آردمان رهائی بخش طبقه کارگر
بخاطر سوسیالیسم و کمونیسم، سوگند وفاداری یاد
کردن. چقدر زیباست که با خون سرخ خودمیشاق
وفاداری به آردمان زحمتکشان را امضا بکنی و
تا آخرین قطره خون همواره طبقه‌ای ادا می‌دهی
آری! اینست راه و رسم کمونیست بودن و
کمونیست وارد بر این راه و رسم ایستادن و به سرگ
سرخ در راه زحمتکشان نابالیدن!

بقیه از صفحه سازمان...

اشاره تسلیم شدن در برابر رژیم‌دین خلق کرد
می توان گفت که آید تبلیغات رژیم‌حول محور
تسلیم شدن به اصطلاح پیشمرگان و توبیه و تحویل
اسلحه آنها و دریافت آمان نامه و اقامت وجودی
دارد؟ بدون شک از نظر کمونیست‌ها و پیشمرگان
انقلابی جنبش مقاومت پاسخ چنین سوالی
منفی خواهد بود. اما با توجه به تکامل خیانت‌های
دستجاتی از جمله ریزش‌های سازمان
چریک‌های اکثریت، چنین تبلیغاتی می تواند
بریک زمینه مادی که سیاست‌های ضد انقلابی
سازمان چریک‌های اکثریت درقبال جنبش
طبقه کارگر و خلق‌های ستمدیده فرا هم می‌کنند قرار
گیرد بررسی چگونگی مادیات یافتن تبلیغات
رژیم توسط سازمان چریک‌های فداشی اکثریت
بدون برخورد به گذشته این سازمان در جنبش
مقاومت خلق کرد میسر نیست.

سازمان چریک‌های فداشی خلق از جمله
نیروهای بود که از آغاز جنبش مقاومت خلق
کرد بطور فعال در مبارزات برحق و عادلانه خلق
کرد شرکت نمود از بعد از انتشار نشریه "کسار"
شماره ۵۹، و انتشار این سازمان، بخش
اکثریت آن با درغلطیدن به مناجات ریزش‌های
و ریزش‌های در مقابل ارتجاع حاکم خیانت عربان
خویش نسبت به طبقه کارگر و خلق‌های ستمدیده
ایران بویژه در ترکمن صحرا و کردستان به نمایش
گذاشت و از همان ابتدای گرویدن به صف ضد
انقلاب ضربه زدن به جنبش مقاومت خلق کرد را
در دستور کار خود قرار داد. بدیهی است که این
سازمان در تداوم و تکرار ارتداد خیانت آمیز
خود، نمی تواند در برخورد به روند روبه رشد
جنبش مقاومت خلق کرد بی تفاوت بماند و از
این نظر در خدمت به چنان بیکار را جمهوری اسلامی
و سرکوبگران خلق کرد و در خیانت به خلق
ستمدیده و زحمتکش کرد و اردمیدان شده و عملاً به
مقابل با جنبش مقاومت خلق کرد اقدام می -
نماید. بر اساس همین سیاست است که خائنین
سازمان چریک‌های فداشی (اکثریت) بلافاصله
بعد از پیامدها انقلابی خمینی در اول بهمن با
انتشار تراکتی به مشاطه‌گری چهره کریم بورژوا
- زی حاکم پرده‌ای و از تک مقاومت می‌آید

رژیم، تحویل اسلحه و دریافت آمان نامه
رژیم را در جنگ روانی که بر علیه خلق کرد
برراه انداخته با ری می‌کنند و در واقع آنچه که
امروز رژیم ادعا می‌کنند تبلیغاتی است که
خوراک آن بدست این خائنین ریزش‌های
تهیه می‌شود.

حال اگر چه خلق ستمدیده کرد، همان تنفر
عمیقی که نسبت به رژیم جمهوری اسلامی دارد،
در مقابل سازمان چریک‌های اکثریت و برادر
بزرگش حزب ضد خلقی و ارتجاعی توده نیز از خود
نشان می‌دهد، اما نباید بدقتش این سازمان ضد
انقلابی در خیانت و توطئه بر علیه جنبش مقاومت
را نادیده گرفت. چه با توجه به نقش سابق این
سازمان در جنبش مقاومت خلق کرد، اطلاع و
آگاهی بالنده آن از کم و کیف جنبش، روحیه
پیشمرگان، بویژه اطلاع از شیوه ها، انگیزه ها،
تاکتیک‌ها و استراتژی نظامی خلق کرد، حضور
فعال ضد انقلابی آن در کردستان مخاطرات
فراوانی برای جنبش مقاومت می تواند در بر -
داشته باشد. علاوه بر لحاظ دشمنی این سازمان
با کمونیست‌ها و بکار گرفتن شکل‌های مختلف
جاسوسی در باره کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی
افشای پیگیر و قاطعانه این نیروها از اهمیت
فراوانی برخوردار است. امروز سازمان
چریک‌های اکثریت هر آنچه را که در طول دو سال
مقاومت حماسه آفرین خلق کرد تجربه کرده اند،
در اختیار دشمنان و جلادان خلق کرد قرار می -
دهند تا با اثبات نوکری خود به ارتجاع حاکم،
امتیازاتی در جهت منافع سوسال امپریالیسم
روس از آن کسب کنند. تبلیغ تسلیم شدن و
دریافت آمان نامه به تبعیت از سیاست بورژوا
- زی حاکم در حقیقت از تلبورات جنبش
سیاستی است که این خائنین درقبال جنبش
مقاومت در پیش گرفته اند و طبیعتاً است که
جنبش سیاسی با رشد و توده‌ای شدن هر چه بیشتر
جنبش مقاومت بطور خاص و فرا گرفتن رژیم
جمهوری اسلامی در استان سقوط در اثر رشد و
گسترش هر چه بیشتر مبارزه طبقه‌ای بطور عام،
بطور عربان و آشکارا از پیش به مقابله فعال‌تر با
جنبش طبقه کارگر و توده‌ها و خلق‌های ستمدیده
تبدیل خواهند شد.

ضربات شدید پیشمرگان کومله بر نیروهای دشمن در سنج

۵۹/۱۱/۱۱ - ساعت ۵ صبح یک ستون
پیاده، ارتشی و پاسدار و جاسوسان "کرجو"
را محاصره نمودند و ساعت ۷/۵ صبح وارد آنجا
شدند. همچنین در ساعت ۹ صبح ۲۰ خودرو از
نیروهای دشمن بکمک ستون پیاده وارد این
روستا شدند. دشمن تا نزدیکی های ظهر در کرجو
ماند و به ادیت و آزار روستا شان پرداخت. سر -

بقیه در صفحه ۲۶

مذکور حمایت نام نمودند. پروا خ است که
حمایت سازمان چریک‌های فداشی اکثریت از
پیام خمینی نمی تواند در چارچوب صرفاً نوعی
تائید باقی بماند چه منافع طبقه‌ای بورژوازی
ارتجاعی حاکم از یکطرف و ریزش‌های خائنین
ریزش‌های از ارتجاع حاکم جهت کسب امتیاز
از آن از طرف دیگر، مستلزم اثبات عملی این تائید
بویژه در امر "توبه"، "تسلیم سلاح" و "بازگشت
به آغوش اسلام" از طرف اکثریتی های ورشکسته
میباشد. حال با توجه به تعاریف فوق آید نمی -
توان گفت که هیاهوی رژیم ضد خلقی جمهوری
اسلامی در مورد تسلیم شدن پیشمرگان در رابطه
با جریانات ضد انقلابی نظیر اکثریتی های
خائنین چندان هم دور از واقعیت نیست؟ آید این
"افراد مسلح غیر قانونی" که خود را به اصطلاح
تسلیم رژیم جمهوری اسلامی کرده و "آمان نامه"
دریافت می‌کنند، جز پیشمرگان نیروهای نظیر
اکثریتی های خائنین کسان دیگری می توانند
باشند؟ خائنین ریزش‌های با استفاده از
فرصتی که پیام خمینی برای شان فراهم آورده در
پی ضربه زدن به جنبش مقاومت خلق کرد برآمده
با برگردن شهرهای کردستان از شعارهای
نظیر "ما موعودا ده تسلیم شویم" در بین خلق کرد
اشاره تسلیم طلبی کرده و به ایجاد تزلزل در
روحیه پیشمرگان جنبش مقاومت آید زنده اند.
نوکران بورژوازی اسلحه‌هایی را که به پاس
خون هزاران شهید در ایران و بیاس شهادت صد
ها کارگر و دهقان و زحمتکش کرد زخمی شدن و
آوارگی و بی خانمان شدن هزاران تن از آنها
غصب کرده اند، تحویل جلادان خلق‌های ایران
می دهند. آنچه که اکنون رژیم جمهوری اسلامی
در مورد تسلیم شدن پیشمرگان و تحویل اسلحه و
دریافت آمان نامه ادعا می‌کنند در حقیقت معلول
سیاست‌های ضد انقلابی دستجاتی نظیر ریزش -
نیست‌های سازمان چریک‌های اکثریت است که با
وادار کردن پیشمرگ‌های خود به تسلیم در برابر





توطئه سرمایه داران علیه کارگران، در گیلان

بیرون بکشد! آری! آنها چه خوب و حدشان را در مقابل مبارزات کارگران به نمایش میگذاردند! آنها که از مبارزات او جگر بریده کارگران به وحشت افتاده اند میگویند: "با یاد تشکیل شورا های انقلابی در کارخانجات جلوگیری کنیم. آنها می گویند که: کمیته احیای اتحاد شوراهای انقلابی کارگران گیلان "فدا انقلاب" است و باید آنرا از همپا شدن کارگران را شدیداً سرکوب نمود. البته روشن است که منظورشان از "فدا انقلاب" کارگران مبارزی هستند که در مفتخوریها و بهره کشی - های آنها اختلال میکنند سرمایه داران سپس وقاحت و بیشرمی را به جا می می رسانند که

در روز ۵۹/۱۱/۱۸ مدیران دولتی کارخانجات گیلان، در استانداری جلسه تشکیل داده و به توطئه چینی بر علیه کارگران میپردازند. در این جلسه که ظاهراً تحت عنوان بررسی مسئله کمبود لوازم بدنی تشکیل شده بود، مدیران مزدور و سرکوبگر کارگران اعلام میکنند که: "به هیچ وجه نباید سود ویژه، حق مسکن، وام مسکن و طبقه بندی دستمزدها اضافه شود و باید تنها همان مقداری را که دولت گفته بدیم." آنها همچنین بر لزوم سرکوب مبارزات کارگران برای سود ویژه، تاکید مینمایند. این نمایندگان سرمایه داران در واقع میگویند: "ما باید امسال با یکدیگر اتحاد داشته باشیم و همه با هم با هم رسالت خود را که کارگران توانستند سود ویژه را از حقوق ما ن



بودیم آنها بیا پیشنهاد کرده و حق الکسوت کردند! او در بیان سخنانش خواهان ادامه مبارزه پیگیرانه و متحدانه کارگران شد و کارگران چند بار شعار "نمایند زنده ای آزاد با بدگردد" را تکرار کردند.

در بیان اجتماع، با وجود مخالفت چند نفر سازشکاران کارگران خواهان ادامه مبارزه برای آزادی نمایندگان زندانی، بشوهای انقلابی شدند. اما اقدامات سازشکاران و بخصوص توطئه های عداوت گری در روستاهای انجمن اسلامی، کارگران را به ضرورت هر چه بیشتر افزایش هوشیاریشان و استحکام بخشیدن به اتحادشان، فرا میخواند.

نمایندگان زندانی شورای سرمایه داری کارکنان جنگزده صنعت نفت آزاد با بدگرددند! توطئه های رژیم بر علیه کارکنان جنگزده افشا با بدگرددند!

این صورت بیشتر افشا خواهد شد، از اینکار خود داری کرده و در حالیکه شدیداً مورد تعرض کارگران قرار گرفته بود، فرار را برقرار ترجیح داد! بعد از این جریان همسر یکی از نمایندگان زندانی پشت میکروفون رفته و به افشای مسئولین صنعت نفت و مسئولین زندان پرداخت و گفت: "بما اجازه ملاقات با همسر فرزندانمان را ندادند و با ساداران با ما بسیار بد رفتاری میکردند. آنها به ما در یکی از نمایندگان که گفته بود: بگذارید بچه ها بمانند را به پیچیدگیها زنده اندی آنها را کشته اند زیرا برای شما آدم کشی مثل آب خوردن است." شدیداً اهانته کرده و تهدیدش نمودند. آنها همچنین به شما نه خواستهای ۹ ماهه ای کارکنان را "بیرون آمده از زیر دست صدام" خواندند. زهی وقاحت! این همسر مبارز در ادامه سخنانش گفت: "در شرایطی که ما خواهان آزادی نمایندگان

بقیه از صفحه ۴ کارکنان...

آنها را زندانی کرده است، آزادی آنها را گذاشتی کنند، عملاً به سرمایه داران و رژیم ها میثاق خدمت میکرد.

کارکنان همگی که خواهان تلاش برای آزادی نمایندگان نشان بودند، برای رسیدن به این هدف و همچنین پیشبرد مبارزاتشان میبایست از این گونه راه حل های سازشکارانه دوری جست و تنها با اتکا به اتحاد خود و قدرت طبقه کارگر مبارزات خود را به شیوه ای انقلابی پیش ببرند. آنها باید به جلب حمایت شورا های کارکنان شاغل پالایشگاه و سایر کارگران بپردازند.

روز پنجشنبه ۵۹/۱۱/۱۶ بدعت شورای کارکنان جنگزده صنعت نفت جهت آزادی نمایندگان زندانی و پیگیری خواسته های کارکنان، در محل باشگاه نفت این شهر اجتماع با حضور بیش از ۷۰۰ نفر تشکیل شد. ابتدا یکی از نمایندگان شیراز که به همراه نمایندگان کارگران سایر شهرها برای مذاکره بمنظور آزادی نمایندگان، به تهران رفته بود، صحبت کرده و به بی توجهی و سنگ اندازی مسئولین اشاره نمود. سپس یکی از اعضای انجمن اسلامی پالایشگاه شیراز برای عوامفریبی و به انحراف کشیدن مبارزات کارکنان صحبت کرد که با اعتراض شدید کارکنان مواجه شد.

دارودسته انجمن اسلامی که وظیفه خدمت به رژیم سرمایه داری از طریق منحرف کردن مبارزات کارکنان و شناسایی کارکنان مبارز را به عهده دارد، طی اعلامیه ای نمایندگان دستگیر شده کارکنان را "آمریکائی" معرفی کرده بود. اما از آنجا که این عمل موجب برانگیخته شدن خشم و تنفر کارکنان و انجمن اسلامی را بیش از پیش در نزد آنها افشا کرده بود، لذا این مزدوران سرمایه به مجبوری عقب نشینی شده و مزورانه طی اعلامیه دیگری سعی کردند خود را مدافع خواسته های کارکنان و آزادی نمایندگان نشان دهند. اما این بار نیز توسط یکی از کارکنان مبارز افشا شدند. او خطاب به نماینده انجمن اسلامی گفت: شما اگر راست میگوئید و از خواسته های ما پشتیبانی میکنید چرا با صراحت اعلامیه قبلی خود را رد نمیکنید؟! در اینجا یکی از کارکنان برای افشا شدن هر چه بیشتر انجمن اسلامی خواست که نماینده انجمن اسلامی اعلامیه ای را که در آن نمایندگان زندانی کارکنان جنگزده شورای سراسری صنعت نفت را "آمریکائی" خوانده بودند، برای جمعیت قرائت کند. اما نماینده انجمن اسلامی که میدید در

فان، مسکن، آزادی

نروذ بر کارگران قهرمان اعتصابی شرکت واحد



کارگران مبارز!

اعتصاب و تحمّن برحق شما به منظور گرفتن دوماه عیدی که توسط دولت جمهوری اسلامی لغو گشته است، مورد حمایت تمامی کارگران و زحمتکشان است و تمامی مردم آگاه تهران نیز از اعتصاب برحق شما حمایت میکنند رژیم جمهوری اسلامی که میکوشد فشارهای ناشی از جنگ ارتجاعی ایران و عراق را بدوش زحمتکشان

تحمل کند و گریبان خود را خلاص نماید، باید دانش و عیدی شما را نیز قطع نموده است تا بحسبان ناشی از ذوات سرمایه داری خود را اندکی تخفیف دهد و هزینه جنگ را تا مین نماید. مسلماً این اولین و آخرین اقدام دولت در تحمیل فشارهای ناشی از جنگ بردوش کارگران و زحمتکشان نخواهد بود. این اقدام مدیری سایر اقدامات ضد کارگری و ضد مردمی دولت مانند افزایش ساعت کارگران و قطع ناها رکاخانه ها و تعطیل کارخانه ها و اخراج کارگران در مناطق جنگی، کاهش دستمزدها، افزایش مالیاتها، افزایش قیمت کالاهای ضروری مانند مواد خوراکی، بنزین و... و بالاخره آخرین اقدام که هوش سودویژه کارگران صورت گرفته است.

دولت با بهانه های عوا مغربیه نه های همچون "ما در شرایط جنگی بمرمیریم" و "دولت بودجه ندارد" ... میکوشد تا اقدامات ضد کارگری خود را توجیه نموده و از مبارزات کارگران جلوگیری نماید! اما مبارزات کارگران و آوارگان جنگ و سایر زحمتکشان برای بدست آوردن خواسته های برحق خود، مشت محکمی است بردهان رژیم جمهوری اسلامی.

کارگران شرکت واحد همچون سایر کارگران میبایست چربا بدهنه این جنگ ارتجاعی را اینان پرداخت کنند، بطور دولت بودجه دارد ۲۰۰ میلیون تومان توسط آقای رفسنجانی از خارج کنند و اسلحه بخرد، به روحانیون شیعه و سنی برای تبلیغات عوا مغربیه نه بیش از ۱۰۰ میلیون تومان بودجه اختصاص بدهد و بنیاد شهید برای میهمانی در هتل هیلتون ۷۰۰ هزار تومان خرج نماید، و میلیونها تومان صرف خرید سلاح و غیره نماید، ما برای پرداخت دوماه

"لغو سود ویژه و شیوه جمهوری اسلامی، غارت کارگران بمتنفع سرمایه داران" "تنگ و نفرت بردشمنان طبقه کارگر" کمیته احیاء اتحاد شوراهای انقلابی کارگران گیلان



میکویند: با زمان بیکار در در راه آزادی طبقه کارگر آمریکا شایسته است و باید کارگران هواداران زمان را شناسایی و اخراج نمود. این آقایان که شکمپا نشان از فرط مکیدن خون کارگران بالا آمده و عمری را در نوکری امپریالیسم و همدستی با آن در بهره کشی کارگران، سپری کرده اند، چه خوب دشمنان طبقه ای خود را میشناسند. دشمنی آنها با کمونیستهای راستین (نظیر سازمان ما) که شما بندگان واقعی طبقه کارگرند، نشان دهنده دشمنی عمیق و کینه طبقه تیشان نسبت به طبقه کارگر است!

کارگران مبارز و آگاه! افشای همه جانبه توطئه های رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و عوا ملش، آماده کردن کارگران برای تشکیل شوراهای انقلابی کارگران، بازماندهای کارگران برای گرفتن سود ویژه و سایر حقوقشان، شناساندن سازمانهای انقلابی و کمونیست از جمله سازمان ما به کارگران و افشای خائنین شونده ای، اکثریتی و... وظیفه تنگ شماست! در اینجا موظف انقلابی و طبقه ای مان از هیچ کوشش و فداکاری نباید دریغ کنیم!

تنگ و نفرت بر توطئه گران ضد کارگر! هر چه رسوا تر باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی پیش بسوی تشکیل شوراهای انقلابی کارگری برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق! (به نقل از اعلامیه کمیته گیلان سازمان)

لغو سود ویژه هجوم سرمایه داران به دستمزد کارگران!

۵۹/۱۱/۱۸ - طبق آمار و ارقام موجود ۸۰۰ هزار کارگر ایرانی هر سال به طور متوسط ۳ ماه و نیم حقوق به عنوان سود ویژه و یک ماه به عنوان عیدی و پاداش یعنی جمعا ۴ ماه و نیم دریافت میکنند! اما طبق دستور شورای انقلاب هر کارگر باید سال ۲ ماه پاداش بگیرد! این حساب می بینیم که ۴ ماه و نیم سود ویژه و عیدی کارگران ۲ ماه و نیم آن کسر میشود! برای این دوماه و نیم حقوق یک کارگر (که به طور متوسط ۳۰۰۰ تومان است) ۷۵۰۰ تومان شود! این مبلغی است که از سود ویژه آخر سال هر کارگر توسط دولت کسر خواهد شد که جمع آن برای ۸۰۰ هزار کارگر ۶ میلیارد تومان میشود.

رژیم جمهوری اسلامی بدین ترتیب ۶ میلیارد تومان از دستمزد کارگران را غارت کرده و به جیب سرمایه داران میریزد.

سود ویژه به کارگران بودجه ندارد؟! آری رژیم برای معارف ارتجاعی خود بودجه های گیلان دارد، اما حاضر نیست حقوق ابتدای کارگران و زحمتکشان را بپردازد.

کارگران مبارز اعتصابی!

شما میبایست نسبت به عوا مغربیه و دروغ گوئی دولت هوشیار بوده و آتش را خنثی کنید رژیم میکوشد که به بهانه شرایط جنگی، و به بهانه نمایش گذاشتن اجساد قربانیان خود، شما را از بدست آوردن حقان منصرف نموده و مردم را به موضع گیری علیه شما بکشانند. شما باید ضمن ادا ماه مبارزه خود بکوشید که کارگران و کارمندان سایر قسمتهای شرکت واحد را نیز به همبستگی و اتحاد با خود دعوت نموده و مبارزه متحدانه خود را برای کسب دوماه عیدی سایر خواستهای برحقان ادا مدهید.

مستحکم با اتحاد و همبستگی کارگران شرکت واحد!

پیروزی مبارزات برحق کارگران شرکت واحد و دیگر کارگران ایران!

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۹/۱۲/۵

طبق آخرین اطلاع، تحمّن و اعتصاب کارگران مبارز شرکت واحد عصر روز ۱۲/۵ به پایان میرسد رژیم که از این حرکت انقلابی کارگران به وحشت افتاده بود، به انواع روشهای اعمال فشار بر علیه کارگران متوسل گردید. از جمله از یکسو تبلیغات فراوانی براه انداخته و با بیشرمی بسیار کارگران را "فدا انقلاب" و "عامل آمریکا" خواند. همچنین با هوچگریهای عوا مغربیه نه که شیوه متداول داوودست حزب جمهوری است، مسئله جنگ و محنه های غربی تیان جنگ و... جنگ روانی خوانده های را بر علیه کارگران براه انداخت از گسترده ای را بر علیه کارگران براه انداخت از سوی دیگر با تهدید و ایجاد ترس در صفوف کارگران بکیرد. ولی مبارزات کارگران ادا مدها و تانابودی کامل سرمایه داری ادامه خواهد یافت.

اخبار مبارزات توده‌ها



تظاهرات کمونیست‌ها در بروجرد

در سومین هفته بهمن رفقای هوادار در بروجرد با برگزاری تظاهرات موضعی و پخش اعلامیه و نشریه به آگاهگری و افشاگری در میان توده‌های زحمتکش پرداختند. همچنین در سالگرد قیام بهمن یک تظاهرات موضعی مشترک با رفقای هوادار "روزمندگان" برپا ساختند. در زیر گزارش مختصر این فعالیت‌ها را می‌آوریم:

۱۵ بهمن - رفقای هوادار اقدام به برگزاری تظاهرات افشاگرانه علیه رژیم نمودند که بخاطر همزمانی آن با حمله فالانژها به هواداران مجاهدین، دانش‌آموزان و دیگر رفقای هوادار به حمایت از مجاهدین در برابر ارتجاع پرداختند و تظاهرات طبق برنامه ادامه یافت. رفقا با طرح شعارهای سازمان و شرکت در بحث‌های توده‌ای توانستند بذراکاهی در میان توده‌ها برپا شوند. این فعالیت افشاگرانه علاوه بر حملات ارتجاع، با ورا آن‌ها رویزبوی - نیست‌های اکثریت و توده‌ای نیز به سمپاشی بر علیه نیروهای انقلابی و کمونیست مشغول بودند که با عکس العمل‌های قاطعانه مردم رویزبوی منبذند.

۱۸ بهمن - تظاهرات در خیابان شهید آغا زنده و رفقا با شعارهای "اتحاد اتحاد زحمتکشان اتحاد"، "از قحطی و گران، این جنگ ارتجاعی مردم به تنگ آمدند..." توانستند پشتیبانی توده‌ها را جلب کرده و تظاهرات شرکت بیش از هزار نفر را ادامه بدهد. این تظاهرات در برابر بردن روحیه مبارزاتی مردم نقش مثبتی داشت. نزدیک به پانچاهیمائش ارتجاع به عده‌ای از شرکت‌کنندگان حمله برد ولی اشک‌های یک فالانژ را با دکان گرفتند. یک کارگر ناسوا من پشتیبانی از این تظاهرات می‌گفت: "اگر این پیکار یک گروه یک بقول دولت است چرا اینقدر از وحشت دارند؟"

۲۱ بهمن - نزدیک ظهر تظاهرات از خیابان سعدی شروع شد و با فریادهای انقلابی رفقا

ارتجاعی جنگیدن، مردم را را گلبیدند و "....." ادامه پیدا کرد. و در طول مسیر، اعلامیه‌ها و تراکتهای سازمان بخش میشد که با استقبال مردم مواجه گشت. مزدوران حزب الهی با قمه و جاق و جوب و جاق به تظاهرات کنندگان حمله کرده و چند نفر را دستگیر می‌کردند. رویزبوی - نیست‌های خاش "اکثریت" و توده‌ای به ساری با سداران و حزب الهی ها شناخته و یکبار دیگر جیره کشف خود را به شما بشکذاشتند.

به نقل از اعلامیه کسمه سر برپا اندکی تعیر.

مقاومت سربازان در مقابل سرکوب خلق کرد

پادگان می‌آورند که در اثر امتناع آنها از رفتن، دو یار خالی سرباز کردند. مقاومت سربازان تا روز ۲۲/۱۱/۵۹ ادامه می‌یابد. در این روز فرماندهان مزدور که می‌بستند به تهدید و نصیحت و موعظه‌های روحانیون مرتجع نمی‌توانستند کاری از پیش ببرند، با سورش و حشانه‌ای ۵ تن از سربازان معتضری را دستگیر کرده و به نقطه نامعلومی می‌بردند و بقیه را با زور سوار ماشین کرده و روانه کردستان می‌سازند. بدین ترتیب مقاومت سربازان پس از ۵ روز درهم شکسته می‌شود. این حرکت سربازان اگر چه بی‌انگیزه است اما آنها در خود داری شرکت در کشتار خلق کرد می‌شد و اینکه آنها تا حدودی به حقانیت حبش مقاومت خلق کرد پی برده‌اند، ولی مبارزات سربازان انقلابی زمانی مؤثر و موفق خواهد بود که با آگاهی از ماهیت ارتجاعی رژیم و در پیوند و همبستگی با مبارزات زحمتکشان و با یک رهبری انقلابی و تحت هدایت یک شکل مخفی و انقلابی در میان سربازان و کادرهای انقلابی ارتش ادامه یابد.

در روز ۱۷/۱۱/۵۹ هنگامیکه سربازان پادگان مرشد به پادگان می‌روند، با دست‌سور فرمانده خود می‌بشیر گریل آنها به شندج رویزبوی می‌شوند. هفتاد و شش سربازان (یک گروهان) به این دستور اعتراض کرده و از رفتن به کردستان خودداری نموده و می‌گویند "ما چهار ماه در جبهه بودیم و دیگر از جک خسته شده ایم". فرمانده پادگان که از عکس العمل سربازان عصبانی شده بود شروع به فحاشی کرده و وعده‌ای را بزرگ‌تر می‌گردد. همین امر به مقاومت سربازان می‌افزاید. فرمانده مزدور برای تحمیل سربازان به حجت الاسلام رحمتی و مرندی متوسل می‌شود ولی از موعظه‌های آنها در فواید "دفاع از مین" کاری بر نمی‌آید. سرانجام آیت الله موسوی تبریزی به پادگان آمده و برای سربازان سخنرانی می‌کند. در حین صحبت وی یک نفر از سربازان با خشم فریاد می‌زند "ما نه به توره به رئیس جمهور تو نه به ما م‌توا عشتا دندا رسم" و سپس سینه را سپر کرده و می‌گوید "مرا یکشدد دیگر حاضر به جنگ نیستم". در همین زمان ما شینهای را برای بردن این سربازان به جبهه

بزرگداشت سالگرد ۲۲ بهمن در تبریز و وحشت ارتجاع

معتض او را افشا کرده و در جهت سازماندهی مبارزات ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی کارگران و زحمتکشان کوشا بوده و خواهد بود. ... راهپیمایی علیه رخم برخی ناسا شها و اشکالات در زمینه سازماندهی با شعار "رند و جانبدار دبا دهید ان خلق" آغا زنده و همزمان با آن بالا رفتن بر مجروحان نام پیکار و ستاره درشت در بالای آن، یکنوا در دیگر نشان داد که علیه رخم کوشش ارتجاع در بطن خفقان، کمونیست - ها همواره با دخن سرخ کارگران، زحمتکشان، کمونیست‌ها و تمام انقلابیونی که در طول تاریخ با نثار خون پاک خودشان انقلاب را آبیاری کرده‌اند، در دریدن این سیاهی و خفقان لحظه ای غفلت نمی‌کند. راهپیمایی با شعار "سپاه لیسان، آژانس لیسان، ملت خا گلبیدند -

در پی اعلام مراسم راهپیمایی برای کرامی - داشت سالگرد قیام ۲۲ بهمن از طرف سازمان ما در تبریز، همانطور که انتظارش صرفاً ارتجاع حاکم با دست پاچگی هر چه نما متر، نیروهای خود را بسیج کردند تا از بردن آگاهی به میان توده‌های زحمتکش و رساندن پیام انقلاب به آنان جلوگیری نماید. رژیم عجلانه راهپیمایی "بسیجی ها" را به راه انداخت و آنها را در محاورت مکان اعلام شده برای شروع راهپیمایی مستقر کرد و در ضمن شعارها و سخنرانی‌های خود سعی کرد احساسات توده‌ها را بر علیه سازمان ما برانگیزد. رژیم حاکم بخوبی میدانده که اگر رویزبوی - نیست‌ها و خاش نیستی همچون فداشان "اکثریت" به کار به لسی ارتجاع مشغول هستند، سازمان ما همواره به آنگاه نیروی لایزال توده‌ها جیره

به استقبال جنبش او جگیر نه ده توده‌ها بش - تاییم

زحمتکشان منطقه به آنها پیوستند. رفقا در مسیر تظاهرات با پخش اعلامیه و فروش "پیکار" به زحمتکشان میبردند که با استقبال فراوان زحمتکشان روبرو میشد بطوریکه توده های کنار خیابان شعارها را تکرار میکردند و ننشسته زحمتکشی به همکارانش میگفت: "پیکاری ها در میدان قیام را همیشه با داشتن کف کردیم، شعارهای خوبی میدادند و قیام قحطی، گرانسی و... زحمتکشان ایران بزمیکشند و... علیه لیبرالها، علیه حزب جمهوری و... دنیایان بودم اگر فالانها حمله کنند جلوشان را بگیرم ولی نباید من هروقت این سازمان را همیشه داشته شرکت میکنم"

تظاهرات بزرگداشت ۲۲ بهمن

این تظاهرات با شرکت رفقای هواداران زمیندگان انجام شد. از آنجا که ارتجاع از محل برگزاری آن مطلع شده بود، این تظاهرات موضعی از محل دیگری شروع شد و در نتیجه جماعت بدستان حزب جمهوری که از راهیما میسر میگشتند در سربکوب کمونیست ها "تا کام" ماندند. این تظاهرات های افشاگرانه و پرشور در شرایطی انجام شد که "فرمانداری بروجرد" تهدید و ارباب طایفه ای انجام هرگونه راهیما را "ممنوع" اعلام کرد و شرکت کنندگان را از "مقررات زمان جنگ" ترسانده بود. سپاه پاسداران سرمایه نژاد آوردن نیروهای کمکی از خرم آباد و همدان خود را برای سربکوب نیروهای انقلابی و کمونیست آماده تر کرده بود فعلا لیستهای انقلابی کمونیست ها در این چند روز با بردن پیام انقلاب و سوسیالیسم به میان توده ها رژیم جمهوری اسلامی را بیش از پیش افشا کرد.

دانشجویان انقلابی مقیم خارج بساط "باهنر" را بهم زدند

رژیم جمهوری اسلامی با اعزام هیئت های بخارج از کشور تلاش مینماید که علاوه بر گسترش روابط با کشورهای امپریالیستی و سرمایه داری و دادن "اطمینان" های لازم برای تضمین منافع آنان، با تبلیغ سیاست های ارتجاعی و عوام فریبی در بین دانشجویان ایران مقیم خارج برای خود هوادارانی دست و پا کنند و از آنجائی که محیط خارج از کشور به رژیم اجازه سربکوب و ترور علنی دانشجویان انقلابی نمیدهد و از اینرو با خرج مبالغ هنگفتی از طریق اعزام هیئت های "اسلامی" و... اقدام به توطئه علیه جنبش انقلابی و دانشجویان مینماید. توطئه های که

با هشاری و برخورد آگاهانه دانشجویان انقلابی درهم شکسته میشود.

در آستانه سالگرد قیام بهمن، جناح ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی هیئت های "برای انجام مقاصد خلقی رژیم به کشورهای گوناگون امپریالیستی، سوسیال امپریالیستی و سرمایه داری اعزام داشت. در رأس یکی از این هیئت ها دکتر "باهنر" وزیر مرتجع آموزش و پرورش قرار داشت که به آلمان و اتریش سفر کرده است. در هر شهری که با هنر قدم میگذاشت با فریاد اعتراض دانشجویان انقلابی مواجه میگشت. در اغلب شهرها رفقای هواداران سازمان همراه با هواداران نیروهای کمونیست، انقلابی و مترقی در کمیته های هماهنگی برای "استقبال" شایسته با هنر متنگل شده بودند. با هنر و گرکاء سعی برای داشتند که در جلسات پنهانی و دور از چشم دانشجویان انقلابی به عوام فریبی بپردازند و کوشش میکردند که از ورود دانشجویان انقلابی به محل برگزاری جلسات خودداری نمایند ولی در بیشتر شهرها این جلسات تبدیل به وسیله ای برای افشای ماهیت و جنایات رژیم جمهوری اسلامی شد.

در اه سورگ: اعتراض دانشجویان انقلابی با حمله فالانها مواجه شده و در اثر زد و خورد بین آنان و توده های مبارز دانشجویی، جلسه تعطیل گردید. در فرا ن کفورت جیره خواران جمهوری اسلامی در پشت درهای بسته گرد آمدند و وقتی که دانشجویان انقلابی به افشای رژیم و طرح سوالات پراختند مورد حمله و با شان قرار گرفته و رفیقی از ناحیه صورت زخمی شد. در شهر برلین غربی، "باهنر" اتریش توده های انقلابی "اعلافتائی" شد. دانشجویان انقلابی مرکب از اتحادیه دانشجویان ایرانی در برلین غربی (هواداران سازمان) و رفقای هواداران نیروهای دیگر برنا به قبلی به محل تشکیل جلسه هیئت مزبور رفتند. رفقا در آغاز جلسه پیشنهادهای تکرار شده از طرف طرف کرد اندگان رد شد. آنها با بهانه های مختلف عدم حضور با هنر را توجیه میکردند. آنان قصد داشتند که به تبلیغ در مورد "جهاد سازندگی" بپردازند ولی با شعار "جهاد سازندگی عا میل ارتجاع است" روبرو شده و توفیق نیافتند! و همینطور در مورد نمایش فیلم با شکست مواجه شده و رفقا بر روی بحث در مورد واقع ایستادن با فشاری میگردند. عوامل رژیم ناجا ربه حربه دیگری دست زده و وعده ای او باش عرب را به سالن آوردند. اما رفقای انقلابی با هشاری آنها را که به جاق و جمانی مسلح بودند خلع سلاح کرده و با شعار "جوب و جمانی و جاق و جود دیگران شر ندارد" آنها را روی دست بلند کرده و به حاضرین نشان دادند و در نتیجه مزدوران رژیم که نقشه ها نشان نقش بر آب شده بود رسوا تر از پیش سالن را ترک کرده و دست بدمان پلیس فاشیست شد و ولی این توطئه نیز با شکست مواجه شد. رفقا یکپارچه و متحد با شعارهای چون "دانشگاه

این سنگر آزادی، گشوده با بدگردد"، "گردستان پیرواست، ارتجاع نابود است"، "مرگ بر بختیار، نوگرایی اختیار"، "مرگ بر آمریکا" و... جلسه رزخوانی رژیم جمهوری اسلامی را به بلندگوی پر شوری جهت افشای ماهیت رژیم و اهداف پلید آن تبدیل نمودند. هواداران حزب خائن توده نیز چون همیشه در کنار ارتجاع قرار داشتند. این خائنین در میان شعار "توده ای خائن رسوا با بدگردد" و افشای دانشجویان انقلابی مجبور به فرار شدند.

دانشجویان انقلابی مقیم خارج با تعدادی مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی، حضور فعال در صحنه مبارزات دانشجویی و با افشای رژیم جمهوری اسلامی، بساط "باهنر" و همپالگی ها بش را برهم زدند و نشان دادند که جوانان انقلابی ایرانی هر کجا که باشند آنجا را به میدان مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و رژیم ارتجاعی حاکم بر بهمن مایل خواهند ساخت.

با هنر پس از بازگشت به ایران در بسک محاسبه تلویزیونی با کینه توزی از آن حادثه یاد کرد و با بلاهتی طبقاتی کوشید مبارزات توده ها و نیروهای انقلابی و کمونیستی علیه رژیم را "ناچیز" و انمود کند و ترس خود را از رزج جنبش با "بی اعتنائی" ظاهری پوشا ندولی جنبش انقلابی توده ها مجال عوام فریبی را برای مدتی دراز به آنان نخواهد داد.

کمونیستهای هواداران سازمان در خارج، سالگرد قیام بهمن را گرامی داشتند

بهمن سبت دومین سالگرد قیام شکوهمند بهمن ۵۷، اتحادیه های دانشجویان ایرانی (هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر) برنا به های ویژه ای در کشورهای مختلف ترتیب دادند. در این برنا به ها رفقا با سخنرانی در مورد واقع سیاسی اجتماعی ایران قبل و بعد از قیام و اجرای برنا به های هنری انقلابی نظیر تئاتر، سرودهای انقلابی، موسیقی محلی ایرانی و خارجی و نیز نمایش اسلاید از مبارزات خلقهای ایران و جنبش انقلابی خلق کرد به تجلیل از قیام مبارک توده ها در ۲۲ بهمن ۵۷ پرداختند. در شهرهای مختلف آلمان غربی از جمله کلن و برلین غربی این مراسم با شکوه فراوان برگزار شد. در شهر برلین غربی در مراسمی که با شرکت ۳۰۰ نفر روز یکشنبه ۲۵ بهمن برگزار شد پس از سخنرانی به زبان آلمانی و فارسی در مورد واقع ایران و اجرای چند سرود توسط رفقای ایرانی، ترک و آلمانی از دلایر و پهای خلقهای انقلابی ایران تجلیل بعمل آمد. در این مراسم پهای همبستگی بقیه در صفحه ۲۶

ضرورت طرح آلترناتیو کمونیستی و نگرش انحرافی فدائیان (اقلیت)

امروزه درحالی که شرایط عینی و ذهنی جنبش خلق طرح یک آلترناتیو نیرومندی کمونیستی را از مایه طبلد، گراشات اگونو - میستی، انحلال طلبانه، بیپولیستی و ایضا سکتا ریستی موجود در بخشهای از جنبش کمونیستی، مانع از آزارش به برنام کمونیستی و کوشش برای طرح آلترناتیو کمونیستی می - گردد. رفقای فدائی (اقلیت) از اندسته رفقای هستند که در برخورد به مراسم ۲۴ دی ۲۲ بهمن با برخورد های اگونومیستی، انحلال طلبانه و بعضاً سکتا ریستی خود، مضمون نگرش بیپولیستی و فقدان بینش پرولتری در درگاه از ضرورت طرح آلترناتیو کمونیستی را به نمایش گذاشته اند، از اینرو ما می گوئیم تا با نقدا انحرافات رفقا در برخورد به مسئله آلترناتیو کمونیستی، باز هم بیش از پیش بر ضرورت آن پای فشرده و از سایر کمونیستها دعوت میکنیم - در راه تحقیق این امر مهم بکوشند.

۱- ضرورت طرح آلترناتیو کمونیستی در شرایط کنونی ناشی از چیست؟

گسترش جنبش انقلابی خلق که با روند فرو - پاشی توهم توده ها نسبت به رژیم جمهوری اسلامی همراه است، از یک رهبری آگاه و پیگیر برخوردار نیست، و اگر از وجود چنین رهبری محروم بماند، بیم آن میرود که همچون گذشته، لیبرالهای خیانت پیشه و سازشکاران بر امواج آن سوار شده بکوشند با مهار زدن بر آن، جنبش توده ای را به منظور برآوردن ساختن اهداف ضد انقلابی خود به انحراف بکشانند. تجربه مبارزات توده ها در سالهای ۵۶ و ۵۷ به عینه برای هر کمونیستی نشان داد که چگونه در صورت فقدان یک قطب نیرومند انقلابی و کمونیستی، توده ها اگر چه فداکارانه ترین و جان نثارانه ترین مبارزات را هم انجام دهند، اما راه به جایی نخواهند برد و "نا رهبران" سازشکار و ضد انقلابی بر آن سوار خواهند گشت. در شرایط کنونی نیز ما با وضعیتی کاملاً مشابه گذشته روبرو هستیم، این امر ضرورت طرح آلترناتیو دموکراتیک و پیگیر پرولتاریائی را صد چندان میکند، چه تنها راه سمت و سوق دادن جنبش خلق به سوی دموکراتیکسم پرولتاریا، ایجاد قطب نیرومند کمونیستی است. این امر نه تنها در مورد توده های عادی مردم که به دنبال "قطب" میگردند، صادق است بلکه در راهبها دموکرات - های نا پیگیری نظیر مجاهدین نیز این مسئله مطرح است. امروزه با ردیگر این حکم انکار -

نا پذیر ما ر کمونیستی - لیننیستی که خورده - بورژوازی هیواره بین دو قطب پرولتاریا و بورژوازی درنوسان است و در صورت فقدان اعمال همونی پرولتاریا، بسوی بورژوازی خواهد رفت. برادر مورد مجاهدین مشاهده میکنیم امروزه میبینیم درحالی که مجاهدین از حمایت علنی از کمونیستها، جنبش خلق کرد و... خود - داری می نمایند، بی مهابا از احزاب لیبرالی و برنامهای آنان پشتیبانی می نمایند، با قاسم و مامای حبه نموده، در مراسم لیبرالهای نظیر بنی مدرشکرت مینمایند، و با لایحه - مماشات جوشی و گرایش بسوی لیبرالها شدیداً تعمیق نموده اند، چه کسی می تواند منکر شود که تا زمانیکه کمونیستها بیک آلترناتیو نیرومند بدل نگردند، نخواهند توانست مجاهدین را به سوی خود بکشند؟ تنها ایجاد قطب نیرومند دموکراتیکسم پرولتری است که میتواند دنا پیگیری این دموکرات - خورده بورژوا را افشا و خنثی نموده و از گردیدن آنها بسوی لیبرالها جلو - گیری نماید.

از اینرو ضرورت برجسته نمودن آلترناتیو کمونیستی، چه در رابطه با رهانیدن توده ها از توهانات لیبرالی و دنباله روی آنان از لیبرالها و چه در رابطه با جذب دموکراتهای نا پیگیر بسوی پرولتاریا دو چندان مطرح میگردد. لیکن انحرافات بیپولیستی موجود در جنبش کمونیستی تاکنون مانع از آن گشته است که کمونیستها برنام هدفمندی را برای ارائه آلترناتیو کمونیستی بکار ببرند، و این بیپولیسم به بهانه مقابله با سکتا ریسم و ضرورت تکیه بر آلترناتیو دموکراتیک - انقلابی بطور عم میگوید، جنبش کمونیستی را در جنبش انقلابی حل نموده و بدین - ترتیب در عمل صف مستقل پرولتاریا را مورد نفی قرار دهد. این نگرش نمی تواند دهنشی - خوا هد بدهد، که تنها رهبری جنبش انقلابی خلق توسط کمونیستهاست که جنبش را به پیروزی می - رساند و کمونیستها اگر بجای طرح آلترناتیو کمونیستی، به منظور قرار دادن آن در پیشا پیش جنبش انقلابی، با مسکوت گذاشتن آن به دنباله - روی از جنبش انقلابی، تحت پوشش مبارزه "همه با هم" نیروهای انقلابی بپردازند، جز شکست محتوم و قطعی نتیجه ای برای جنبش - پسران نخواهند آورد.

۲- آلترناتیو کمونیستی در این شرایط چگونه طرح میگردد.

امروزه که ما در شرایط انقلابی بسر میبریم ضرورت گسترش بیش از پیش فعالیت های تبلیغی، گسترش مبارزات علنی، برپائی اکسپونهای مستقل، شرکت فعال در مبارزات سیاسی اقتصادی توده ها و با لایح پرولتاریا گسترش مبارزه ایدئولوژیک با دیگر نیروهای جنبش کمونیستی به منظور دستیابی به وحدت و ایجاد حزب و در عین حال تا مین اتحاد عملیاتی تاکتیکی بین کمونیستها، مبارزه ایدئولوژیک با احزاب خورده بورژوازی به منظور جذب آنان بسوی دموکراتیکسم پرولتری تا مین اتحاد عمل مقطعی با نیروهای دموکرات و در یک کلام تا کید برادمانه انقلاب و استقرار حاکمیت پرولتاریا و زحمتکشان استفاده از تمامی اشکال و تاکتیک های گوناگون مبارزاتی که در خدمت طرح آلترناتیو پیگیر کمونیستی است، از ملزومات حیاتی تا مین قطب نیرومند کمونیستی به شمار میرود. در این میان، حضور مستقل کمونیستها در عرصه سیاسی چا معاً از اهمیت ویژه ای برخوردار است. کمونیستها با پیدان آنجا که میتوانند با استفاده از امکانات علنی، به توده ها برای العین نشان دهند که این ما هستیم که دموکراتیکسم پیگیر را کتمان کننده واقعی منافع آنان است، مطرح کرده و به اجرا درمی آوریم. کمونیست - ها با بد نشان دهند که بهمان بهمان بندگان سیاسی پرولتاریا قادرند بیش از پیش مبارزات دموکراتیک تر را داشته و توده ها را بگرد دموکراتیکسم پرولتری جذب نمایند. مبارزات وسیع دموکراتیک (و ایضا سوسیالیستی) که کمونیستها در حامه انجام داده اند، نقش وسیعی در گسترش نفوذ آنان داشته است. مبارزاتی همچون برپائی اول ماه مه در سال ۵۸، هدایت مبارزات کارگران بیکار، شرکت فعال در مبارزات کارگری کارخانه ها (که همگی دارای خلعتی سوسیالیستی بوده) و هدایت ورهبری مبارزات دموکراتیک، همچون مبارزات خلقهای کرد، ترکمن، بلوچ و... مبارزه برای حفظ دستاوردهای قیام هدایت مبارزه دانشجویان در مقابل به توطئه تعطیلی دانشگاه و صدها حرکت گوناگون دیگر و با لایحه مبارزه برای بازگشائی دانشگاه که در ۲۴ دی صورت گرفت، همه و همه آن مبارزاتی بودند که به توده ها نشان داد کمونیستها (سویال دموکراتها) در عین حال که سوسیالیست بوده و در جهت تحقق صف مستقل پرولتاریا میکوشند، در مبارزه دموکراتیک دمسی غافل نبوده و همواره در مبارزه دموکراتیک آنها نقش فعالی داشته اند.

همچنان که مبارزه برای بازگشائی دانشگاه نشان داد، توده ها برای العین درمی - یابفتند، که نه لیبرالهای عوا مغرب خاش و نه دموکرات های نا پیگیری نظیر مجاهدین، هیچیک

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

جرات قدری را داشتن و انجام حرکتی تعرضی سر علیه رژیم به منظور اعتراض به بسته بودن دانشگاه ها و اردوگاه های کمونیست ها هستند که بیکرانه بدون کوچکترین نلزل و معاشات - حوشی بدین کار دست زدند. بهمن دلیل بود که تلگرافات روز ۲۳ دی، نقش بس مشرقی در طرح و کنسرتش آلترنا تیو کمونیستی در بین توده ها داشت.

۳- درک رفقای فدائی از آلترنا تیو کمونیستی و فعالیت دمکراتیک

اکنون با توضیح مختصری که در باره ضرورت طرح آلترنا تیو کمونیستی و چگونگی تحقق آن دادیم، ببینیم رفقای فدائی در برخورد به مسئله آلترنا تیو کمونیستی و فعالیت های دمکراتیک چگونه می نگردند. آنها در رابطه با راهیما ثی ۲۳ دی مینویسند: "مهمترین مسئله ای که در سراسر حرکت به چشم می خورد، عدم وجود درکی صحیح در مورد فعالیت و حرکت دمکراتیک میباشد. فعالیت دمکراتیک یعنی بسیج و سازمان دهی توده های هر چه وسیعتر از خلق (و نه تنها طبقه کارگر و نه تنها پندکان سیاسی آنها) حول یک شعار واحد با خواست مشترک مسئله هرگاه ما خواستار بازگشتی دانشگاه ها با محتوای انقلابی هستیم مسلماً آن گروه از استادان و دانشجویان و کارکنان دانشگاه نیز که منافع خود را با این خواست منطبق می بینند برگردان شعار جمع میشوند. برای آنکه کسی خواستار بازگشتی دانشگاه با محتوای انقلابی باشد حتماً لازم نیست کمونیست و یا هوادار یک گروه سیاسی خاصی باشد، در نتیجه روشن است که هرگاه فعالیت دمکراتیک راه گروه های سیاسی محدود و نامشروع را از توده ها را از دست بدهیم و به یکسایه کشیده خواهیم شد. با این شکل از برخورد نامی اقتصادی به حالت انفصال درمی آیند. در اینجا است که باید چپ را به (محدود کردن فعالیت دمکراتیک به گروه های کمونیستی) توسط طرح اسمهای شعارهای کمونیستی) نبلور خود را در راستروی میابد. و بالاخره بعد از توضیح اینکه گویا "چپ رها" در عمل با وحشت از ابعاد وسیع حرکت به لغو آن رای دادند! (مذاقت کمونیستی گذارفته است، رفقا! مگر کل کمیته برگزاری تصمیم به تغییر محل تظاهرات گرفت که راه کارگرد عمل تن به این تصمیم گیری نداد) طرح اثباتی خود را در مقابل این حرکت چنین ارائه میدهند: "شکل صحیح عمل این بود که بیرون مریزی، بسیج و سازمان دهی کلیه نیروها را کمیته منتخب و سازمان دهندا سازمان های سیاسی مختلف به عهد می گرفت و با اعلام مضمون کار و اهداف خود از همه نیروهای انقلابی دعوت میکرد که در آن شرکت نمایند و گروه ها و سازمان های مختلف از مراسم سیاسی بعمل می آوردند. تنها بدین وسیله و به این شکل ممکن بود که اکثر نیروی ممکن را حول شعار بازگشتی انقلابی دانشگاه متشکل

شده فقط به این صورت بود که نیروهای دمکرات، بینا بین و متزلزل نیز بدون واهمه در جهت فعالیت دمکراتیک حرکت میکردند" (کارنامه ۹۴ - کلیه اکتیو ارامت) ببینیم چگونه رفقای فدائی جوهر تفکر - انحلال طلبانه و اگونیستی خود را در درک از فعالیت کمونیست ها در عرصه دمکراتیک به نمایش می گذارند. از نظر رفقا، گویا هر حرکتی که کمونیست ها برای اندازه اندازند، حرکتی سوسیالیستی بوده و حرکتی دمکراتیک نامیده میشود که نه تنها کمونیست ها بلکه توده های هر چه وسیعتر خلق آنرا صورت دهند از اینرو طرح مراسمی دمکراتیک همچون بازگشتی دانشگاه را از سوی کمونیست ها به معنی سکتاریسم و محدود نمودن فعالیت دمکراتیک به کمونیست ها میدانند و در عوض برای انجام هر چه وسیعتر فعالیت دمکراتیک، حضور مستقل و با هویت کمونیست ها را در این مراسم به زیر سؤال برده و رای به انحلال آنان میدهند و از آنها می خواهند که از راهیما ثی که با دعوت تبلیغ و شعارهای "کمیته منتخب" که ایضا از خود همین نیروها تشکیل میشود، پشتیبانی نمی کنند.

آنچه که رفقای فدائی پیشنها میکنند، اگونیسم ریشه داری است که مدت ها قبل دامنگیر برخی از نیروهای کمونیستی بود.

چون اگونیسمی سیاست رفقا در آنجا است که اولاً تمایلات دمکراتیک توده ها را از سازمان های سیاسی انقلابی و بخصوص سازمان های کمونیستی جدا نموده برای آن هویت جداگانه ای در نظر می گیرند، ثانیاً بجای کوشش در جهت جذب و بسیج توده ها حول دموکراتیکسم پرولتاریائی و بدست گرفتن رهبری مبارزات دمکراتیک توده ها، خود را متخل و بی هویت نموده و رهبری صحنه مبارزات را بصورت انحلال طلبانه ای رها میکنند. آنها بجای هدایت تمام تلاقات دمکراتیک توده ها بصورت قبول رهبری کمونیست ها، در مقابل حرکت خود بخودی و سازمان نیافته توده ها سپارنده و تحویلیم آن میشوند. رفقای فدائی بدلیل برخورد اگونیستی شان متوجه این امر نیستند که اساساً شایستگی رهبری مبارزه دمکراتیک توسط کمونیست ها در جریان همین مبارزات است که برای توده ها روشن میشود. آیا چنین نیست که رفقای فدائی خود را درست و درجائی که باید این شایستگی با مدای رسا به توده ها اعلام شود، در پشت یک چیز موهوم نام "کمیته منتخب" و امثال آن مخفی می نمایند؟ آیا بایستی - ترتیب شما بدترین نوع اگونیسم و نفی رهبری را به نمایش گذاشته اید؟

افزافه بر این باید گفت این از حضور علنی و با هویت و با غیر علنی این با آن نیروی سیاسی کمونیستی نیست که فعالیت دمکراتیک مخدوش شده و یا مشخص نگردد. آنچه مضمون فعالیت دمکراتیک را روشن می نماید، پلاتفرم سیاسی آنست. این پلاتفرم سیاسی هرا اتحاد عمل و حرکت سیاسی

دموکراتیک است که میباید برای همسویان دمکراتیک باشد. و اگر کمونیست ها این امر را نادیده بگیرند و در فعالیت های دمکراتیک که از سوی آنها صورت میگیرد، مضمون سوسیالیستی را جانشین دمکراتیکسم نمایند، آنگاه دچار چپ روی شده و توده های فعال را از شرکت در آن باز خواهند داشت. اما رفقای فدائی این مسئله را درک نکرده و از شرکت این با آن نیروی دمکرات با کمونیست است که می خواهند به ما هیت حرکت برده و مضمون آنرا تعیین نمایند! بدین ترتیب اگر فعالیت دمکراتیک نظیر بازگشتی دانشگاه توسط کمونیست ها برپا انداخته شود، بنظر رفقا مضمون دمکراتیک آن مخدوش شده و توده های دمکرات را از شرکت در آن (چرا؟) باز خواهند داشت. اما برخلاف تصور رفقا، کمونیست ها در عین آنکه سوسیالیست هستند، دمکرات ها و پیگیر نیز هستند و می توانند و باید حرکت های دمکراتیک را سازمان دهند. ممکن است در آغاز کار سازمان دادن این با آن حرکت خاصی دمکراتیک، تنها کمونیست ها باشند که در آن شرکت داشته باشند (ما نتدبسیاری از حرکت ها و اکتیو های دمکراتیک موجود) اما هیچ کس نمی تواند مدعی گردد، بدلیل آنکه فلان نیروی دمکرات در این با آن اتحاد عمل و حرکت دمکراتیک شرکت نکرده است و عملاً محدود به کمونیست ها است، مضمون آن دمکراتیک نبوده و سوسیالیستی است. توانا زه مگر شرکت کمونیست ها بمعنی عدم شرکت نیروهای دمکراتی است که البته با پلاتفرم دمکراتیک مورد نظر کمونیست ها توافق داشته باشند؟ همچنانکه گفتیم پلاتفرم سیاسی این با آن حرکت و اتحاد عمل است که مضمون دمکراتیک یا سوسیالیستی آنرا روشن می نماید. و اگر پلاتفرم سیاسی آن دمکراتیک باشد، ولونتها نیروهای کمونیست (چپا هویت علنی وجه غیر علنی) آنرا برپا نداشته باشند و در آن حضور نداشته باشند، مضمون آن حرکت دمکراتیک خواهد بود. در این رابطه برخلاف تصور رفقا، ما معتقدیم که حرکت ۲۳ دی یک حرکت دمکراتیک بوده و اعلام برگزاری آن از سوی کمونیست ها کوچکترین تغییری در مضمون دمکراتیک آن وارد نمی آورد. اگر پلاتفرم و با قطعاً به مراسم مضمونی سوسیالیستی می داشت آنگاه چپ روی و سکتاریسم معنی و مفهوم پیدا می کرد.

همانطور که در پیش گفتیم رفقا برای جذب هر چه وسیعتر توده دمکرات به این مراسم، متعقدند که می بایست بدون اعلام برگزاری این مراسم از سوی کمونیست ها، وسیعترین توده های دمکرات، متزلزل و بینا بین را بسوی آن جذب کرد اینجا است که نفی عمل ضرورت آلترنا تیو کمونیستی و حل شدن پرولتاریا در صفوف خلق برجسته میشود برخلاف تصور رفقا ما معتقدیم که اتفاقاً برعکس می باشد کمونیست ها با اعلام علنی برگزاری چنین مراسمی از سوی خود

نشان دهند که در پیشا پیش جنبش دمکراتیک قرار دارند و بدین ترتیب دمکراتیکسم پیگیر پرولتاریا - ثی را عمیقاً و وسیعاً تبلیغ نمایند. تنها بدین ترتیب است که آلترنا تیو کمونیستی (به مثابه دمکراتیکسم پیگیر پرولتاریا) در نزدوده ها مطرح شده و توده های دمکراتیک به گرد آن جمع خواهند شد. اتفاقاً کمونیستها با انجام گسترده چنین فعالیت های دمکراتیک و قرار گرفتن در رأس آن و بالاخره از کانال طرح آلترنا تیو کمونیستی است که می توانند با تشکیل قطب کمونیستی، توده های دمکراتیک را بدون واسطه به فعالیت های دمکراتیک به زیر رهبری کمونیستها جلب نمایند. اگر امروزه نیروهای دمکراتیک از شرکت علنی در فعالیت های دمکراتیک که از سوی کمونیستها رسماً برگزار میشود، خودداری می نمایند، بدلیل عدم حضور فعال و قوی و مستقل آنهاست. بدلیل آن است که قطب نیرومند کمونیستی وجود ندارد و در کمال این بدون هراس، به دنبال دمکراتیکسم پیگیران روان شوند. عدم اعلام علنی مراسم نه تنها به جذب توده های بیشتری منجر نمی شود، بلکه در خدمت انحلال هویت نیروهای کمونیست در مراسم قرار داشت. برآستی اگر هنرمند اگونیسمی و عقب مانده رفقای فدائی را بکار ببندیم، توده ها در کجا و چگونه با یک آلترنا تیو کمونیستی روبرو خواهند گشت که حاضر شوند بدنبال دمکراتیکسم پیگیران حرکت نمایند؟ کجا توده ها خواهند فهمید که کمونیست ها نه تنها نسبت به دمکراسی بی تفاوت نیستند، بلکه پیشا پیش آن قرار داشته و بیش از همه بدان علاقه مندند اتفاقاً برخلاف استنتاجات رفقا، توده های دمکراتیک وسیعی برای شرکت در مراسم ۲۳ می گرد آمده بودند تا ببینند کمونیستها چگونه برای تحقق این خواست دمکراتیکشان مبارزه میکنند، بسیاری از آنها در آرزو متوجه مبارزه کمونیستها برای بازگشت گشائی دانشگاه بود. این بدان معنی نبود که توده های آگاه حرکت کمونیستها را حرکتی مربوط به خود کمونیستها، رزبایی می نمودند با لعن توده های دمکراتیک برای العین می دیدند که کمونیستها با شور و حرارت و شها متنی عظیم، پیگیرانه در راه تحقق خواست دمکراتیک مورد علاقه آنها و در پیشا پیش آنها حرکت می نمودند و بسیاری از این توده ها خود در مراسم شرکت نمودند حتی شکل دمکراتیک نظم کارتون مستقل استادان نیز خاضع به شرکت در این مراسم گشت. آری، در اینروز آلترنا تیو کمونیستی که طبق انداز دمکراتیکسم پیگیر پرولتاریا برای توده ها بود، بشدت مطرح گردید اینها در شایسته است که متاسفانه رفقای فدائی از حرکت روز ۲۳ می دنیا موختند. رفقای فدائی، اعلام علنی برگزاری این مراسم و در حقیقت ابراز علنی این واقعیت که کمونیستها پیشا زان دمکراسی هستند و توده -

های دمکراتیک برای تحقق خواستهایشان می - با بست با آنها همگام شوند و زیر پرچم آنشان گرد آیند! "چپ روانه" می دانند! و برای جذب توده های بیشتر از این خواست پرولتاریا که مهر خود را بر جنبش دمکراتیک بکوبد نشان دهد پیشا پیش توده ها حرکت می کند، صرف نظر کرده و به انحلال صف پرولتاریا در صف "انقلاب" راضی میگردد! چنین گرایش انحلال طلبانه و درک پوپولیستی و عقب مانده آلترنا تیو کمونیستی که دنباله روی از جنبش خلق وحل شدن در آنها را به منظور آنکه میا توده ها از اینکه بفهمند کمونیستها این حرکت را برای انداختن اندودر پیشا پیش مبارزات دمکراتیک قرار گرفته اند هرگز نخواهد توانست رهبری پرولتاریا را بهر جنبش خلق اعمال نماید. و برخلاف "نیت خیر" هرگز نخواهد توانست توده های بینا بینشی، دمکراتیک و متزلزل را بسوی خود جذب کرده و ارتقا دهد. بالعکس با عدم درک ضرورت طرح آلترنا تیو کمونیستی، با عدم تبلیغ علنی و نشان دادن عملی این واقعیت که کمونیستها پیشا پیش مبارزات دمکراتیک قرار دارند، توده ها را بسوی دمکراتیکسم پیگیران حزب خرده بورژوازی و حتی بسوی لیبرالسم بورژوازی سوق خواهد داد و آنها را از وجود یک آلترنا تیو نیرومند و با هویت کمونیستی در مبارزات دمکراتیک محروم خواهد ساخت. نه رفقای فدائی اگر طبق "ره نمود" شما عمل می گشت، توده ها آنچه که نصیبشان میگشت یک مبارزه دمکراتیک تحت رهبری "کمیتسه" منتخب مثلاً "کمیتسه انقلابی دانشجویان" که فاقد هویت سیاسی مشخص است میشد، آنچه در ذهن توده ها نقش می بست نه این واقعیت بود که کمونیستها مبارزه آنان را رهبری نموده بلکه این افشا بود که "کمیتسه انقلابی دانشجویان" آنان را رهبری نموده است (و با فرض اینکه "ره نمود" شما را در تمام عرصه های دیگر نیز بکار ببندیم، توده ها همواره با کمیتسه های انقلابی ای روبرو خواهند گشت که از هویت آن بی خبرند! آیا اینگونه می خواهید آلترنا تیو کمونیستی را تبلیغ کنیم؟ آیا اینگونه می خواهید ضرورت رهبری پرولتاریا را به مثابه پیشا زان دمکراتیکسم به توده ها بفهمانیم؟ بدون نشان دادن عملی این رهبری، بدون نشان دادن علنی این واقعیت که کمونیستها پیشا پیش مبارزات دمکراتیک قرار دارند، سخن گفتن از ضرورت اعمال رهبری پرولتاریا و تحقق بخشیدن به آن، سخن پردازی بوج و بیهوده بوده و هرگز عملی نخواهد گشت. اما رفقای فدائی، تنها در درک اگونیسمی انحلال طلبانه و پوپولیستی از فعالیت دمکراتیک و چگونگی سرخورد کمونیستها بدان نسبت که بی اعتنائی خویش را به ضرورت طرح آلترنا تیو کمونیستی به نمایش میکشید، بلکه رفقا در برخورد به مراسم ۲۳ بهمن نیز نشان دادند که از موضعی سکتاریستی نیز به آلترنا تیو کمونیستی

بها نداده و آنرا درک نمی کنند چه یکی از درسی های مهم ۲۳ می برای کمونیستها، این بود که به موازات تلاش برای تحقق بخشیدن به مروجت می توانند و با بدست به اتحاد عمل های تاکتیکی مشخص بزنند که در اینجا قطب نیرومند کمونیستی و گسترش طرح آلترنا تیو کمونیستی موثر افتد. همچنانکه وقایع ۲۳ می نشان داد، در این شرایط این اتحاد عملها، نقش بسیار بسزائی در طرح آلترنا تیو کمونیستی دارد، اما رفقای فدائی بی علاقه به درسی های ۲۳ می، شاید از آنجا که نام "فدائی" را نیز بر سر زبانها نبیند، تصمیم گرفتند که نام "فدائی" را در مراسم ۱۷ بهمن زنده سازند. آنها نام فدائی را از اینجا د قطب نیرومند کمونیستی مهمترین دانستند! بی شک رفقای فدائی می توانستند و محقق بودند که با برگزاری مستقل مراسم ۱۹ بهمن، نشان دهند که خا نشین "اکثریت" و ارتش خط مشی شهادی سایا هکل نبوده، بلکه این رفقای فدائی "اکثریت" هستند که چنین میراثی را با خود حمل میکنند اما چه چیز باعث آن گشت که رفقا بنحوی سکتاریستی و در عین حال تنگ - نظران به برگذاشت ۲۲ بهمن راه را به ما ۱۹ بهمن احران نمایند و از اتحاد عمل با سایر نیروهای کمونیست، برای از آتش آلترنا تیو نیرومند کمونیستی خودداری نمایند یا این نشان نمی دهد که انحراف پوپولیستی رفقا در عدم درک ضرورت طرح آلترنا تیو کمونیستی، که در مراسم ۲۳ می خود را به شکل انحلال طلبی و اگونیسم به نمایش گذاشت، اینبار در شکل سکتاریستی و ترجیح دادن منافع گروهی بر منافع جنبش کمونیستی خود را به نمایش گذاشته است؟ اما این نیمی از مسئله است سکتاریسم و ترجیح دادن منافع گروهی بر منافع پرولتاریا و کمبها دادن به اینجا آلترنا تیو نیرومند کمونیستی تنها گوشه ای از انحرافات ماهیتا راستروانه رفقا است. نیمه دیگر مسئله (که چه بسا مهمترین باشد) بنظر ما نگرانی رفقا از اتحاد عمل با نیروهای پیگیر کمونیست است. چه بی - شک گرایشات ایدئولوژیک در برخورد به ریزو - نیم و سوسیال امپریالیسم ذات خود را در این اتحاد عملها بجا خواهند گذاشت هراس از نزدیکی به جریانات پیگیر جنبش کمونیستی و بویژه ما زمان ما، تبلیغ خود را در این حرکت رفقا نشان میدهد بنظر ما گرایش راستروانه رفقا در برخورد به ریزو نیم و سوسیال امپریالیسم رفقا را از اتحاد عمل با ما برای برگذاشت ۲۲ بهمن بازداشت. علیرغم آنکه ما زمان ما طی نامه ای درونی به رفقا ضمن بقیه، ارفعه ۱۸

(#) - حال نگذریم از اینکه ما با چنین طرحی بنظر شما راه بر آورده خواهد ساخت و پس از مدتی این کمیتسه نیز سکتاریستی اگر خواهد سیاست دمکراتیکسم پیگیران دنبال کند یا سام کمونیستها توام خواهد گردید!

بقیه از صفحه ۱ اطلاعیه ...

از آنجا که سازمان ما در سنگردفاع از کارگران و زحمتکشان ایران، مصلحانه و قاطعانه ایستاده و بطرز آشتی ناپذیری با تمام امپریالیستهای ام آمریکا و شوروی و مرتجعین داخلی، هم از حزبی ها و لیبرالها مبارزه می نمائید و در این راه تا کنون نقش برجسته ای در دریدن ماسک عوامفریبی از چهره کربه جمهوری اسلامی داشته است، مرتجعین از هیچ شتمت و دروغ و قبیاحتی برای لوث نمودن چهره انقلابی سازمان خودداری ننموده اند. اینها را آنها درصدا بین هستند که با وانمود کردن رفیق فاضل بعنوان یکی از کارهای اصلی سازمان که "در رابطه با آمریکا فعالیت می نموده است"، تبلیغات عوامفریبانه ای را بر علیه سازمان ما پراهنده اند.

کارگران، زحمتکشان، توده های مبارز ایران!

قطعا همه شما تبلیغات منحرف کننده ساواک در مورد کمونیستها و انقلابیون را در سالیهای پیش بخاطر یاد دارید. شما بخاطر یاد دارید که چگونه ساواک برای لوث نمودن چهره کمونیستها و انقلابیون جان برکفی که فدائیکارانها را رژیم تبهکار شاه می جنگیدند، آنها را "وابسته به اجنبی"، "خوابکار" و غیره معرفی می نمود و در این راه تمام دستگا های تبلیغاتی خویش را برای منحرف نمودن ذهن توده ها، بکار می گرفت. شما چتما خاطره مباحبه های مکرر ما مورا منبتی ساواک، تا بیتی جلادان در کنار اصطلاح مدارک مکشوفه جرم که چیزی جز سلاح و نشریات انقلابی مخفی سرنگونی رژیم شاه نبود، بیاد دارید و باز هم بخاطر یاد دارید که چگونه ساواک تلاش می نمود چنین وانمود سازد که این "خوابکارها" و "اجنبی پرستان" نمی گذارند ایران بسمت "تمدن بزرگ آریا مهری" برود.

هم اکنون هر رژیم تبهکار جمهوری اسلامی و سردمداران مرتجع آن دقیقاً در تبلیغات و قبیاحت خود پای پای ساواک و رژیم شاه گذاشته اند. این فدائیان انقلابیون عوام فریب غافل از آنند که هم اکنون کارگران، زحمتکشان و خلقهای قهرمان ما سطح آگاهی شان بسیار بالاتر از آنست که این تلاشهای مذبحانیه بتواند برای مدتی شماری برای آنها ببار آورده و آنها را از سرنوشت محتوم خویش، که نابودی است، نجات دهد، در واقع آنها هم اکنون بخوبی یاد گرفته اند که ساواک برای حفظ یک سیستم فاسد می، چندان اشتباهاتی هم از نظر ایقان نمی کرده است و یک حاکمیت ضد مردمی و ارتجاعی، لازمهاش بکار گرفتن چنین شیوه های در مقابل کارگران، زحمتکشان، انقلابیون و کمونیستهاست که خواهان انقلاب هستند، آری رژیم جمهوری اسلامی نیز همانند همه مرتجعین تاریخ ناچاراً بکار گرفتن چنین



الف - مشخصات حقیقی:

نام محسن شهرت قاضی نام پدر احمد
شماره شناسنامه ۳۷۴ صادره از مشهد متولد ۱۳۲۸
شغل دانشجوی دانشگاه صنعتی آریامهر
میزان تحصیلات -
محل سکونت خیابان پهلوی خیابان دانشگاه ملی روی منزل
معمود خیامی
محل کار -

ب - مشخصات ظاهری:

قد بلند رنگ چشم زاغ - رنگ مو قهوه ای - علامت مشخصه -
اسامی مستعار یا شناسنامه های جعلی که داشته: - ابوذر - اردشیر

پ - وضعیت فعلی:

از اعضای گروه خرابکار «مجاهدین خلق ایران» میباشد
که از تاریخ ۱۳۵۱ متواری و احتمالاً مسلح به
سلاح کمری X نارنجک - سیانور X میباشد.

مدرکی از آلبوم ساواک که حاکی از کوشش شدید رژیم شاه برای دستگیری رفیق محسن فاضل می باشد. این مدرک در زمان قیام بهمن ۵۷ به دست نیروهای انقلابی افتاد

لیسم و صهیونیسم و ارتجاعی مبارزه کرده است و از اوایل سالهای ۵۵ تا قیام بهمن ماه، بعنوان یک انقلابی حرفه ای و مخفی ابتدا در سازمان مجاهدین و سپس در بخش منشعب از آن فعالیت نموده و بعنوان یک فرد انقلابی حرفه ای سالها در زیر تحت تعقیب رژیم شاه قرار داشته است. مبارزه و چه در ایران که در چندین عملیات نظامی علیه امپریالیسم آمریکا شرکت جست بود و چه در خارج از کشور که در پیگاه های الفتح و سازمانهای فلسطینی فعالیت می نمود اما مباحثه و تقریباً تمام سازمانهای فلسطینی او را بعنوان یکی از انقلابیون ایرانی که مدتی هم در جنگ لبنان در کنار فلسطینیها بر علیه فاشیسم فعالیت کرده است می شناسند. در شرکت در عملیات اعدام انقلابی ژنرال برای آمریکا شلیک سال ۵۵ و در آستانه ورود نیکسون به ایران و مبارزات فدائیه امپریالیستی او بخوبی دروغهای و قبیاحتیه سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را بر ملا می کند. رفیق در خلال سالهای ۵۴ تا ۵۶ و پس از گذراندن دوره آموزش نظامی در پیگاههای فلسطین در رابطه با جنبش مقاومت فلسطینی و در کمیته علمی وابسته به الفتح با نام مستعار "سامی" فعالیت نموده و در این فاصله بخاطر توانایی های تکنیکی و علمی اش کمک قابل توجهی به انقلابیون فلسطینی نموده است. از جمله دستاوردهای رفیق در آن سالها در زمینه پرتاب نارنجک، ساختن نارنجک پرتاب کنی بنا به نام "قدس" بوده که تجربه موفقیت آمیزی در بر داشته و چندین نمونه آن بنا به درخواست فرماندهی نظامی الفتح و شخص ابوجا دیوسلیه رفیق سامی تهیه شد و به سرزمینهای اشغالی در سال گذشته و در آنجا علیه صهیونیستها بکار گرفته شده است به این ترتیب رفیق محسن فاضل به اعتبار تجربه انقلابی و علمی اش طی چندین

شیوه های تبلیغاتی است. کارگران، زحمتکشان، و تمام خلقهای قهرمان ما سرانجام در جریان همین مقابله جویی های رژیم با آنها و کمونیست ها و در جریان بر ملا شدن امثال چنین تبلیغات آریا مهری است که چهره کربه و نفرت انگیز رژیم جمهوری اسلامی و سردمداران مرتجع آن را خواهند ساخت. آنها متوجه خواهند شد و بخش آگاه کارگران و زحمتکشان و توده های مبارز هم، اکنون نیز متوجه شده اند که با این سازمان پرافتخار و ریکار در راه آزادی طبقه کارگر با ۱۵ سال مبارزه درخشان علیه امپریالیسم و رژیم سرمایه داری وابسته، آمریکا شلیک بوده است تا سردمداران مرتجع و خائن رژیم جمهوری اسلامی که در آستانه قیام پرشکوه و تاریخی بهمن بیای خیانته و رفته و در مذاکره بهشتی و با زرگان با هویر آمریکا شلیک برای جلوگیری از نابودی سیستم سرمایه داری وابسته و ارتش فدا خلقی، با امپریالیسم آمریکا سازش نمودند؟ کارگران و زحمتکشان ما سرانجام قضاوت خواهند نمود که چه کسانی خائن به آنان و چه کسانی به مال کشته خون ۷۰ هزار شهید خلق ما بوده؟ چه کسانی از ابتدا و از همان سالهای که امثال این خائنین مثل موش در سوراخهاشان خزیده بودند و در آستانه گورستان رژیم شاه به مکیدن خون کارگران ما مشغول بودند در سنگر، کارگران و زحمتکشان بطور آشتی ناپذیری با امپریالیسم آمریکا و سیستم وابسته به امپریالیسم مبارزه نموده اند و باز هم می نمائید. آری کارگران و زحمتکشان ما قضاوت خواهند نمود و آنگاه کیفر سختی به سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و تمامی خائنین به خلق خواهند داد.

با توضیحات بالا هم اکنون لازم است به شمای از گذشته رفیق محسن فاضل و مبارزات او اشاره کنیم. محسن فاضل یکی از اعضا قدیمی بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران بوده است که سالها در سنگر مبارزه علیه امپریا -

بقیه در صفحه ۲۲



کشتار کاخ و عوامفریبی‌های رژیم جمهوری اسلامی

جنايتكاران رژيم جمهورى اسلامى بار ديگر، واپسار در كاخ، دست خود را به خون زخمى كشتن آلوده ساختند. عمق اين جنايت كه هـ كشته و چند زخمى بر جاى گذاشت، بقدرى بود كه خود رژيم مجبور به انعكاس گوشه‌اى از ماجرا گرديد. اين جنايت كه مستقيماً توسط پاسداران سرمايه‌دار و روسته‌وا بسته به حزب جمهورى انجام گرفت، وسيله‌اى گشت تا جناح ديگر رژيم يعنى ليبرالها را به سواستفاده از خون زخمى كشتن براى قدرت يابى خويش وادارد. اما آنچه كه در اين واقعه آشكار ميشود، وحدت جناحهاى رژيم جمهورى اسلامى در سر كوب توده‌ها و غديتشان بر عليه نيروهاى انقلابى و كمونيستى است. آنها كه خشم و نفرت برانگيخته شده توده‌ها را عليه كل رژيم مي بينند، براى نجات خويش از اين مهلكه مذبوحانه ميكوشند تا بر سر كوبگرى وحشانه شان سربوش گذارده و كمونيستى را "مسئول" برونزايين جنايت قلمداد نمايند! غافل از آنكه رشيد مبارزه طبقاتى و افزايش آگاهى توده‌ها بيشتر از آنست كه در دام اين عوامفريبى رژيم بپا افتند، حال براى روشن شدن مسئله بينيم واقعيت امر از چه قرار بوده است:

مسئله كم آبي شهر گنا با دمشقى قديمى براى مردم اين شهر است و در زمان رژيم شاه نيز اقدامات بسيارى براى حل آن انجام گرفته بود كه از طرفى بعلت ماهيت ضد خلقى رژيم همچگونه اقدام ريشه‌اى بعمل نيامد و از طرف ديگر زديدها و زديبندهاى مسئولين آن زمان، مانع از اجراى هر طرحى ميگرديد. (مثلاً بودجه‌اى كه همين اواخر عمر رژيم شاه براى زدن چاه و كانال كشي در اختيار مقامات محلى قرار گرفته بود توسط وكيل مجلس، استاندار و فرماندار آن زمان خورده شد) با روى كار آمدن رژيم جمهورى اسلامى، آخوند مرتجعى بنام "مدنى" كه استاد همكارى با ساواك موجود بود به عنوان رئيس كميته همه كار گنا با دميشت. او كه در اژه دريافت پول مدارك سايرى و اكيها و عوامل رژيم پيشين را از بين ميبرد، مورد نفرت

هر چه بيشتر مردم قرا گرفت. از جمله زمانى كه اين جيره خوار رژيم سابق و "انقلابى" رژيم كنونى براى گسترش عرصه ساخت و ساز خود به شهر كاخ رفته بود با مخالفت وسيع مردم اين شهر مواجه گرديد بطوريكه ورا از شهر بيرون كردند. مدتى نيز در هما نجا و در حضور مردم تهديد كرده بودند كه با رديگرى با ساواك گولوله با زخواهد گشت! و بعد از آنهم بارها و بارها در مجامع مختلف مردم مبارز كاخ را كه زير بار زورگويى‌هايش نرفته بودند، تهديد به سر كوب كرده بود. تا اينكه سرانجام در جريان پيگيرى مردم گنا با د براى رفع مشكل ديرينه كم آبي شان، مدنى مزدور به اتفاق فرماندار، معاون استاندار و ساير مقامات مرتجع منطقه، تصميم ميگيرند تا با پيش كشيدن طرح حفراجه در نزديكى كاخ كه موجب لطمه خوردن به كشت و رزان اين ناحيه ميشود، با يك تيرو نشان بزنند! هم با سخگوى فشا ز مردم گنا با دبراى حل مسئله آب شوند و هم با آتش افروزي در ميان مردم و شهر، اعتراضات زخمى كشتن كاخ را به خيال خود توسط زخمى كشتن گنا با د سر كوب نمايند. (يعنى همان كارى كه رژيم نظايرش را در بنده، خوزستان و... انجام داد) در صورتيكه اين طرح و نظاير آن قبلاً نيز عنوان گشته و نادرستى آن براى تمامى مردم منطقه روشن شده بود و راه حل اساسى مشكل كم آبي اين منطقه تنها در گرو انجام برياى همه - جانيه و اختمى بودجه‌اى كافى با نظارت شورائى از زخمى كشتن منطقه ميسر ميشاد.

به هرحال روز ۱۴/۱۱/۵۹ پاسداران عليرغم اطلاع از مخالفت عمومى بر عليه اين "طرح" جا ده گنا با د - كاخ را مي بندند. آنها درحالى كه دستور سر كوب اعتراضات مردم (كه انجام آن كاملاً قابل پيش بينى بود) وحتى كشتار آن را داشتند از تربت حيدريه نيروى كمى نيز دريافت ميكنند. بدين ترتيب عملياتى براى حفراجه در ۲ كيلومترى كاخ آغاز ميشود. از سوى ديگر مردم كه طى اجتماعات متعدد مخالفت خود را با اين طرح عنوان كرده بودند،

از سوى توجهى مسئولين به خشم آمده بودند. آنها بهخصوص پس از آنكه معاون استاندار در برياى مه تلويزيونى مردم كاخ را "فدا انقلابى" ميخواند بيش از پيش به ماهيت ضد مردمى اقدامات رژيم و مسئوليتش پي برده و خشمگين شده بودند. مردم بارها اعلام كرده بودند كه به هيچوجه اجازه انجام اينكار را نخواهند داد. بنا بر اين وقوع درگيرى از قبل كاملاً روشن بود. بنا بر اين ادعاهاى سپاه پاسداران وساير مسئولين مبنى بر "اتفاقي" بودن حادثه كاملاً بى اساس و دروغ - پرداختى محض ميشاد. سرانجام زمانى كه هزاران نفر از توده‌هاى خشمگين براى جلوگیری از عمل حفارى به محل نزديك ميشوند و در حاليكه بنا به گفته شاهدان عيى و اعتراف پاره‌اى از مقامات مردم در فاصله ۷۰۰ الي ۸۰۰ متری محل حفارى بودند با آتش مزدوران رژيم مواجه گرديده و تنى چند در خون خود ميغلطند.

بعد از اين حادثه و در فرديان، راديو مشهده اعلام ميكنند كه "عده‌اى فدا انقلاب (!؟) به پاسداران حمله كردند و آنها را مجروح و مضروب ساختند و در نتيجه فدا انقلاب گشته ميشوند" و بدين ترتيب با رديگرى ماهيت ضد مردمى و دروغ - پرداختى آنهاى تبليغاتى رژيم آشكار ميشود. سپاه پاسداران نيز طى اطلاعهاى گروهكهاى چپ "را مسئول اين حادثه ميخواند و مردم را "تحريك شده" بوسيله آنها قلمداد ميكنند. در برياى اطلاعهاى ديگه تبليغ شده است: "جمعيت تحريك شده و از دو طرف بقصد محاصره برادران كه دور هم جمع شده بودند (تحرك ميكنند، برادران پس از اينكه مقدارى تيراندارى هواشى ميكنند و مي بينند كه در مردم اثر نمى كند) (زيرا مرتب آنها را تحريك ميكرند و ميگفتند نرسيد مشقى و هواشى است) عقب مي آيند و بوسيله ما شين بسمت گنا با د تحرك ميكنند. "بدين ترتيب مزدوران اسلحه بدست با كمال وقاحت مسئله تيراندارى با پاسداران بسوى مردم را لاپوشى كرده و از آن ميگردند. انگار نه انگار كه آن پنج نفر و چند زخمى بوسيله گلوله‌هاى ۳- پاسداران و در جلوى چشم هزاران نفر از برياى درآمده اند! وحتى خود مقامات از جمله نماينده گنا با د در مجلس نيز باين مسئله را بصراحت عنوان كرده - اند، زهى بيشرمى!

از سوى ديگر ليبرالها از طريق نماينده رئيس جمهور در استان سعى ميكنند از اين جنايت حزبى بنفع افزايش نفوذ خود در منطقه استفاده كنند. اما آنها نيز با رقبائى خود مورد "شكستن" كه كوزه‌ها "بر سر كمونيستى هم ميگرددند" ملازاده "نماينده گنا با دنيز با ازشه" تحليلى "كه هم در روزنامه‌هاى ليبرالى وهم در روزنامه‌هاى حزبى چاپ شد، "چپا" و "بخصوص" "پيكار" را "مسبب و عامل "تحريك" مردم

بقيه ده صفحه ۲۶

كاربراى كارگران، زمين براى دهقانان

جنایت ارتش مزدور عراق در خرمشهر!

رژیم‌های ارتجاعی ایران و عراق همراه با ارتش‌های سرکوبگرشان جنگ را ادامه داده و در این راه از هیچگونه تجاوز به جان و مال و ناموس توده‌های زحمتکش و کشورگونا نمی‌کنند. طبق اخبار رسیده ارتشیان مزدور عراق در خرمشهر به یک دختر پرستار روحشانه تجاوز کرده و وی را در نزدیکیهای آبادان رها می‌زنند و دختر پرستار را عینی پس از رسیدن به بیمارستان جان می‌سپرد. ارتش‌های ارتجاعی عملکردهای یکسانی نینداورند. ارتش و پاداران مزدور جمهوری اسلامی در کردستان قهرمان بنام "سپاه اسلام" مرتکب جنایات بیشماری می‌گردند که بخشی از آن نیز تجاوز به دختران دلاور کرد می‌باشد و ارتش مزدور عراق نیز علاوه بر کشتار زحمتکشان و غارت اموال آنان، به نوا میس زحمتکشان تجاوز می‌کند. اینهمه از "خیرات" جنگ ارتجاعی که از ارتش‌های مزدور و دیکتاتور به زحمتکشان ارزانی می‌دارند!

گوشه‌ای دیگر از جنایات مرتجعین "مکتبی" رژیم!

جنایات رژیم در حق آوارگان جنگ ارتجاعی روز بروز بیشتر می‌گردد. از سرکوب مبارزات آنان و دستگیری عناصر آگاه و مبارزان گرفته تا تجاوز به نوا میس آوارگان. اکنون حدود ۵۵ خانواده از آوارگان جنگ در گناباد در محل تربیت معلم واقع در صدستگاه سرمیرند و سرپرستی آنان را آخوند مزدوری بنام "سید ابراهیم" به عهده دارد. در تاریخ یکشنبه ۲۸ دیماه این فرد مرتجع دخترپا زده سالهای آوارگان در قتل را به بهانه داشتن کار به خانه خود برده و به زور به وی تجاوز می‌کند. خبر این جنایت سریع در میان مردم شهر پخش می‌شود. همپا لگی‌های آخوند برای پوشاندن قضیه به نگار بومی افتند و آخوند مزدور دیگری در بالای منبر در مسجد جامع شهر در توجیه مسئله می‌گوید که ما را صیغه کرده ایم و این مسئله کاملاً شرعی است! ولی مزدوران رژیم وقتی می‌فهمند که این کلاه "شرعی" برای مردم که از همه چیز با خبرند گذاشته است بلافاصله آن را شایعه علیه روحانیت "مبارز" اعلام کرده و مردم را تهدید می‌کنند که در صورت ساکت نشدن طلاق خواهند خورد. اما مردم شهر بطور وسیع دست به افتاکگری زده و این جنایت را روی اسکناس‌ها می‌نویسند.

اخبار جنگ

توده‌های آگاه این جنایت را که قطره‌ای از دریای جنایات بیشمار را رگانه‌های رژیم در گوشه و کنار ایران است افشا کرده و بی‌خوابی و ناخوابی فساد و فحشا رژیم، جزا بر طبق ناسودی رژیم سرمایه‌داری امکان پذیر نخواهد بود.

گزارشی از تجمع آوارگان در فولاد شهر

جمعی از آوارگان فولاد شهر در تاریخ ۱۱/۱۰ در مسجد گرد آمده بودند. آوارگان به وضع بند بهداشت خود و نداشتن کوبین خواب و رها به آنها اعتراض داشتند. شورای همپا لگی فولاد شهر در این جلسه حاضر شده بود و مانند دفعات قبل سعی کرد قضیه را ماسمالی کند. یکی از آوارگان می‌گفت: "میلیونها تومان از طرف مردم کمک مالی شده است ولی آنها را چه کرده‌اید؟ ما که خودمان خواهان این جنگ نبوده‌ایم، این شما بودید که به خاطر منافع خودتان دست به این کار زده‌اید و حالا باید جوابگوی ما نیز باشید." عنصر مرتجع بنام "صمدانی" در پاسخ می‌گوید: "من مسئول شورای همپا لگی هستم، به ما مورشا باید کمیتها ماسم رسیدگی کند." آوارگان عصبانی از این جواب سر بالا می‌گفتند: "پس چرا اصلاً به اینجا آمده‌ای؟ یکی از زنان می‌گفت: "بدبخت! مگر اسکورت نباید و تو را از اینجا ببرد و گرفته اینجا مازنها بدستمان نگه‌نگاهات می‌کنیم." پاسخ رژیم به خواستهای آوارگان سرکوب است و پاسخ آوارگان به رژیم سرکوبگر مبارزه هر چه بیشتر!

تظاهرات آوارگان ماهشهر بمناسبت بزرگداشت قیام بهمن ماه

به مناسبت بزرگداشت قیام بهمن ماه و افشای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، هواداران سازمان در ماهشهر اعلامیه‌هایی می‌کنند. عوامل رژیم پس از با خبر شدن، به شدت رفت و آمدهای بین شهر و اردوگاه آوارگان را زیر کنترل می‌گیرند و در روز ۲۱ بهمن ماه به محاصره بازار ماهشهر محل شروع راهپیمایی بود، شروع به دستگیری سواردهندگان و نظاهر - کسبکسان می‌کنند. اما زحمتکشان آواره و مردم

ما شهر که تیلور خواستهایشان را در شمارهای سازمان می‌دیدند با حمایت خود از انقلابیون کمونیست و مقامات در مقابل ارتجاع، مانع دستگیری تظاهرات کنندگان شدند. وحشت رژیم از این تظاهرات بقدری زیاد بود که از صبح ۲۱ بهمن به منظور جلوگیری از آگاه شدن توده‌های ارتش از ایده‌های انقلابی، ورود ارتشیان را به شهر ممنوع اعلام کرد. آگاه‌های نابودکننده ارتجاع است!

"باز هم فشار بر آوارگان"

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی علاوه بر دامن زدن به جنگ ارتجاعی برای تحقق اهداف ضد خلقی و آواره نمودن هزاران تن از هموطنان زحمتکش ما، به عناوین مختلف آوارگان را تحت فشار می‌گذارد. اخیراً ما موران مبارزه با گرانفروشی رژیم در ماهشهر به بساط دستفروشان که عمدتاً از آوارگان جنگ زده هستند و برای گذران زندگی ناچاراً به دستفروشی پرداخته‌اند، یورش برده و تهدید می‌کنند که گرانفروشی نکنند. رژیمی که خود با جنگ ارتجاعی باعث آوارگی، گرسنگی و بیکاری کارگران و زحمتکشان شده، برای سرپوش گذاشتن بر ماهیت گندیده نظام سرمایه‌داری وابسته که علت اصلی گرانفی و تورم است و برای تظاهر سرمایه‌داری و تجار بزرگ، همچون رژیم شاه‌خا، شقام مبارزه با گرانفروشی را بر سر زحمتکشان خرده‌پا و آوارگان دستفروش وارد می‌آورد. اما تشرافین سیاست‌های ضد خلقی عاقبت دامن خود رژیم را خواهد گرفت.

خبری از خوابگاه دانشگاه صنعتی اصفهان

در روز جمعه ۵۹/۱۱/۱۷ پسرهای از پنجره یکی از ساختمانهای محل سکونت آوارگان به پاشین می‌افتد. در آن حوالی حتی یک ماشین پیدا نمی‌شود که وی را به بیمارستان برسانند. بالاخره با ماشین یکی از بستگان آوارگان که به آنجا آمده پسر را به بیمارستان می‌رسانند که هنوز بهوش است. مژدم آواره می‌گفتند چرا اینجا که حدود ۲۴۰۰ نفر ساکن هستند که یک آمبولانس با ماشین دیگری برای نجات جان مردم وجود ندارد. چرا افکار ما آوارگان نیستند. عده‌ای از زنان زحمتکش می‌گفتند: "چگونه است و بی شکی حرفی می‌زنند و فوراً چندتا ماشین با سواران اینجا می‌آید که او را بکیرند و ولی"

مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

www.peykar.org

رفیق مسعود احمدزاده ستاره‌ای درخشان در آسمان جنبش کمونیستی ایران



با زده‌ها اسفند ۱۳۵۰، رفیق مسعود احمدزاده از بنیادگذاران سازمان چریک‌های فدائی خلق همراه با رفقای هم‌زمین اسدالله و عباس مفتاحی مجید احمدزاده و سعید آریین بدست مسز دوران امپریالیسم آمریکا بشهادت رسید و بدین ترتیب طومار زندگی پرافتخاری از بنیادگذاران جنبش نوین کمونیستی ایران در نور دیده شد. از سال ۴۲ به بعد، محافل و گروه‌های کوچک متعددی بر اساس رویزیونیسم خروشی شکل گرفتند و جنبش نوین کمونیستی را بنیان نهادند یکی از این گروه‌ها، گروه رفیق احمدزاده بود که بعد از سازمان چریک‌های فدائی خلق را بنیان گذاشت. این مرزبندی که متأسفانه از مرزبندی جهانی با رویزیونیسم مدرن برهبری حزب کمونیست چین و حزب کارآلبانی شکل می‌گرفت دو-صف را در مقابل یکدیگر قرار میداد، مفی از کمونیست‌های انقلابی جهان که در پشت سر رفیق ما شور علیه رویزیونیسم متعفن خروشی می‌برد می‌دند و صف دیگر مزدوران و هوادار سرمایه-داری نوین شوری که تحت پوشش مارکسیسم بزرگترین خیانت‌ها را به مارکسیسم مرتکب می‌شدند.

رفیق احمدزاده با برگزیدن عضویت صف مارکسیست‌های جهان مبارزه را آغاز کرد. او در جزوه «مبارزه مسلحانه، هم‌اکنون و هم‌تا کتیک» بروشنی این مرزبندی جهانی را بیان می‌کند و همین برشمردن ارتداد خائنین روسی و مزدوران‌شان در ایران یعنی توده‌ای‌های خائنین می‌گوید که مارکسیسم-لنینیسم تنها در ضدیت با رویزیونیسم خروشی و قرار داشتن در صف کمونیست‌های جهانی، معنا پیدا می‌کند. اما علیرغم کمونیست بودن رفیق احمدزاده در این شلواری، در سیاست، دارای «انحراف اپروتونیستی» چپ می‌باشد. او علیرغم تاکید بر ضرورت رهبری پروولتاریا در انقلاب دموکراتیک نوین ایران، نه تنها در جهت ایجاد بازار این رهبری یعنی حزب طبقه کارگر ایران حرکت نمی‌کند، بلکه با برگزیدن مشی غیر پروولتری چریکی، عمل در جهت ایجاد آن مانع نیز ایجاد می‌کند.

در واقع همان‌طور که لنین می‌گوید نفوذ آن رژیم‌ها زمانی حضور رویزیونیسم در جامعه است. گندی‌دگی و ابتدال حزب توده و رویزیونیسم از یکطرف، جوانی و کودکی جنبش کمونیستی از طرف دیگر، تبلیغات کاستریستی در سطح جهان موجب می‌شود که جنبش جوان کمونیستی-ایران، در همان ابتدای حرکت خود دچار انحراف

بقیه از صفحه ۱۳ ضرورت...

نا درست خواندن حرکت آنان، از رفقا خواست که مراسم ۱۷ بهمن را تنها به مناسبت ۱۹ بهمن برپا نمایند و همراه با سایر نیروهای کمونیست مراسم ۲۲ بهمن را در روز دیگری برگزار کنند، یا حداقل اگر نمی‌توانستند تفریری در برپا نه خود بدهد، از راهیما شی ۲۲ بهمن که توسط نیروهای کمونیست صورت می‌گرفت، پشتیبانی نماید لیکن رفقا مسئله را مسکوت گذاشته و عملاً هر دو پیشنهاد را رد نمودند، شاید به واسطه از برگزاری مراسم مشترک در ۲۲ بهمن با سازمان‌های پیگیر کمونیستی بی‌ارتباط با اصرار رفقا مبنی بر عدم اعلام رسمی برگزاری مراسم ۲۳ دی از سوی نیروهای کمونیستی با شذیذ عدم درک ضرورت آلترنا تیک کمونیستی، هر سال از اتحاد عمل رسمی و علنی با نیروهای پیگیر کمونیستی، دلایل دیگری با شذیذ رفقا را بر آن میدارند که اعلام علنی اتحاد عمل فدائیان، سازمان پیکار و... را نپسندیده و در حرکت ۱۷ بهمن که دیگر هیچگونه محملی برای عدم اعلام علنی هویت برگزاری کنندگان مراسم وجود ندارد، خود به تنهایی دست به این حرکت زده و دچار اشتباه روز ۲۳ دی نگردند!

بهر حال آنچه بیشتر در اینجا مورد بررسی ما بود، ضرورت طرح آلترنا تیک کمونیستی و درهای گرانمایی بود که مراسم ۲۳ دی به کمونیست‌ها موخت و رفقای فدائی (اقلیت) نتوانسته‌اند و یا نخواسته‌اند آن درهای گرانمایی بگیرند، برخورد به گرانمایی را ستروانه رفقا در بر-خورد به رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم را که تبلور بارز در اتحاد عمل با سایر نیروهای کمونیست نیز منعکس می‌گردد به فرصتی دیگر وامی نهیم

ایران همراه بود، اکنون به کاریکا توری بدل کرده و با تکرار شعارهایی که مبارزه طبقاتی در ده ساله کنونی مهربان‌تر از آن زده است، خود را ادا می‌دهند که راه رفیق مسعود جلوه گرمیازند به علاوه رفقای فدائی (اقلیت) نیز به پیچیده‌ا دام می‌دهند که راه رفیق مسعود نیستند. راه مسعود در مرزبندی انقلابی با رویزیونیسم خروشی معنی پیدا می‌کند حال آنکه این رفقا با انحرافات رویزیونیستی خود در قبایل رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم نشان می‌دهند که ادا می‌دهند دیدگاه ضروری کمونیستی مسعود نیستند. خا طره سرخ رفیق مسعود را با یستی با کوشش در جهت پیوند با طبقه کارگر، تدوین شورای انقلاب و طرد رویزیونیسم گرامی داشت، چرا که این بهترین درامیاد است برای کمونیست‌های دلاوری چون مسعود است.

چریکی می‌گردد و سالیها دلاورترین و قهرمان‌ترین فرزندان خلق را برای میکشاند که عملیات خود طبقه کارگر ایران نیست. اما علیرغم این انحراف نه چندان کوچک رفیق احمدزاده، هرگز نمیتوان دستاوردهای گرانقدر رفیق را در مرز بندی با شوری رویزیونیست و رویزیونیسم خروشی نفی کرد در واقع در ایران نیز یافتن راه صحیح مبارزه و تدوین شورای انقلاب با مصیبت‌های فراوانی میبایست توأم می‌بود و اشتباهات جانبازها و دلاوریهای بسیاری را بخود می‌دید. در واقع رفیق مسعود آغازگرانی است که ادا می‌تواند آن میبایستی توسط رفیق مومنی و سپس رفقای که قاطعانه با سوسیال امپریالیسم روسی مرزبندی دارد، طی شود. بدین ترتیب از یک سو ادا می‌دهند که راه مسعود، هرگز خائنین اکثریتی، که اکنون مرتد شده و به مبلغین رویزیونیسم خروشی و سوسیال امپریالیسم روس بدل گشته‌اند، نیستند. رویزیونیست‌های خائنین اکثریت جرئت کرده و نام رفیق را در ریش شهادی خود آورده‌اند، این مرتدان اگر جرئت دارند، ستونی از شر به خود را اختصاص به نظریات رفیق در مورد رویزیونیسم خروشی بدهند، نه آن‌ها نمیتوانند زیرا آن‌ها به راه انقلاب و به راه مسعود خیانت کرده‌اند. آن‌ها هرگز نمیتوانند با انتساب دلاوری چون مسعود با رخیا نتهای خویش را سبک سازند.

از سوی دیگر نمیتوان ادا می‌راه رفیق را گروه‌های دهقانی کنونی دانست. آن‌ها حمله رفیق مسعود را که با تراژدی جنبش کمونیستی

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

رزمندگان: تصفیه اپورتونیسیم به شیخو سانتریستی!

سرما به داری ایران به تروتسکیسم درمی غلطید در بر خورده با میربا لیسیم دچا را انحراف کا شو - تسکستی بود که میربا لیسیم را بمنای به پدیده ای سیاسی ارزیابی می نمود، در اینجا راه ما در نقد نظرات رزمندگان در باره ساخت جامعه توضیح دادیم و در اینجا وارد خود بحث نمی گردیم، بهر حال بر بستر چنین درک انحرافی از میربا لیسیم و پیرویه استقرار سرما به داری ایران، رفقا انقلابی و ضد انقلابی بودن هر نیرو را در رابطه با موضع گیری اش در قبال سرما به تعیین نموده و بر بستر این درک تروتسکیستی، خرده بورژوازی مرفه ستی را ارتجاعی ارزیابی می نمودند، در عین حال بدلیل درکی از میربا لیسیم را به می دادند، نیروی ضد انقلابی را عدم میربا لیسیت معرفی می کردند، مبنای درک این تفکر بصورت فرموله شده چنین بیان می گشت: خرده بورژوازی مرفه ستی از آنجا که در قدرت سیاسی قرار داشته و حافظ سرما به داری و بالطبع سیستم سرما به - داری وابسته است، ضد خلق است، ولی از آنجا که در گریه های سیاسی نیز با میربا لیسیم دارد، ضد میربا لیسیت است!

تئوری رویزیونیستی - تروتسکیستی ضد خلق - ضد میربا لیسیت بر مبنای چنین درک سیاسی از میربا لیسیم قرار داده و راه بطلان گانیک میربا لیسیم را سرما به داری وابسته درک نمی

از دو دیدگاه و ارشین حقیقی مشی گذشته - "رزمندگان" بوده اند و در اینجا بویژه روی سخن ما با رفقای رزمندگان است، چه در گذشته اپورتونیسیت منشعب، امروزه با صراحت آشکار خیانت خود را به ما رکسیسم - لنینیسم اعلام نموده است، و ما وظیفه ای جز کوشش برای طرد این دارودسته که از همپا لکی های خجول اکثریت بشمار میروند، قائل نیستیم، اما کوشش ما در بر - خورده رفقای رزمندگان در این است که ما سانتریسم و ماسات جوشی کنونی را که در عدم نفی انقلابی اکثریت قریب به اتفاق مواضع پیشین منعکس میگردند نشان داده و به سهم خود به آنها کمک نمائیم تا انحرافات سانتریستی خود را بنبذ مواضع ما رکسیستی در هم شکنند.

برای هرما رکسیست - لنینیستی که پدیده های نوین رانه بمنایه اتفاقات "خلق الساعه"، بلکه بمنایه تکامل منطقی سیر تاریخی آن پدیده، انشعاب در رزمندگان، وی را بر آن میدارد که بهر سدر رزمندگان و با منشعبین کدامیک تکامل منطقی سیر تاریخی مواضع پیشین بود ماند؟

کندوبدان بمنای به پدیده های سیاسی و خارجی میگرد، بدین ترتیب خرده بورژوازی در درون جامعه در نوع رابطه با سرما به داری (وابسته) "ضد خلق" و در رابطه با عامل خارجی و مناسبات خارجی "فدا میربا لیسیت" قلمداد میگردد، چنین است که بر اساس این تئوری تروتسکیستی - رویزیونیستی ابتدا کمیتم - ل و سپس در نشریه رزمندگان از خرده بورژوازی ضد انقلابی که دارای خطله های فدا میربا لیسیت است نام برده میشود و حرکت سفارت یک حرکت ضعیف فدا میربا لیسیت قلمداد میگردد (رزمندگان ۲۵ - بورژوازی یکسال ونیم بعد از قیام) و سپس منشا تفادهای خرده بورژوازی حاکم بمنای به "ضاد نسبی خرده بورژوازی حاکم با میربا لیسیم و سرما به داری" قلمداد میشود، و اصولاً یکن - تفکر "ضد خلق - فدا میربا لیسیت" از نشریه شماره ۱۳ رزمندگان خط مشی اصلی حاکم بر رزمندگان را تشکیل میدهد.

از طرف دیگر ارزیابی انحرافی از ساخت جامعه و میربا لیسیم تنها به تئوریک تضد

بررسی اصلی ترین خطوط فکری سیاست غالب بر نشریه رزمندگان، چراغ راهنما می باشد برای درک این مسئله که کدامیک از این دو جریان تکامل دهنده مشی گذشته پیشین بوده و آنگاه می توان در پرتو دست یابی به جواب این سؤال، انحرافات کنونی رزمندگان را بررسی نمود.

۱. امپریالیسم و ساخت جامعه:

رفقای رزمندگان در بر خورده پدیده - امپریالیسم دچا را انحرافات کا توتسکیستی - رویزیونیستی بودند، رفقا درکی را که از امپریالیسم را به می دادند، درکی بود که امپریالیسم را عمدتاً بمنای به پدیده سیاسی و "عامل خارجی" در ساخت سرما به داری وابسته بشمار می آورد، این نظرها که در جزوه تفادها و مرحله انقلاب حاکم بود، بعدها به سیاست غالب بر نشریه بدل گشت، و بر اساس این دیدگاه و رشد سرما به داری در ایران "خودپو" بوده و میربا لیسیم بمنای به "عامل خارجی" تنها در تریخ این روند موثر بوده است! این درک که با خود پودیدن

تصفیه و اخراج چند عنصر اپورتونیسیت و بدنبال آن اعلام انشعاب اپورتونیسیتها از رزمندگان بی شک موفقیتی است برای جنبش کمونیستی در جهت پالایش صفوف خود از پورتو - نیسم و متحد نمودن جنبش کمونیستی، هم اکنون در بسیاری از نیروهای جنبش کمونیستی این پیرویه تصفیه و پالایش صورت گرفته و هم اکنون نیز جریان دارد، این امر بی شک نشانه تکامل جنبش کمونیستی است، اما هرگاه که پالایش صفوف خود را از اپورتونیسیتها بر طبق معیارها و پرنسپ - های لنینی استوار نسازیم، هرگاه تنها به اخراج چند عنصر اپورتونیسیت اکتفا کنیم، و به تحلیل ما رکسیستی از انحرافات خود نپردازیم انحرافات که باعث رشد و گسترش اپورتونیسیم در صفوف ما گشته است، و ظهور اپورتونیسیتها را ناشی از توطئه "اتفاقی" و دست بالا برخی "سهل انگاریها" بدانیم، ... آنگاه در حقیقت با بدبگوئیم اپورتونیسیم را از اندیشه خود تصفیه نکرده ایم، بلکه چند عنصر اپورتونیسیت را بصورت مکانیکی تصفیه نموده ایم، آنگاه چه کسی می - تواند متذکر شود که شواهد اپورتونیسیم موجود در اندیشه ما را با ردیگر در تند پیچ دیگر از سانتریسم و التقاط شروع نکرده و به اپورتونیسیم وارداد منتهی نشود با توجه به ضرورت پالایش صفوف جنبش کمونیستی از هرگونه اندیشه و مشی اپورتونیسیتی به بررسی کوتاه انشعاب در رزمندگان و وضعیت کنونی آنان می پردازیم.

* * *

برای هرما رکسیست - لنینیستی که پدیده های نوین رانه بمنایه اتفاقات "خلق الساعه" بلکه بمنایه تکامل منطقی سیر تاریخی آن پدیده میگرد، انشعاب در رزمندگان، وی را بر آن می دارد که بهر سدر رزمندگان و با منشعبین کدامیک تکامل منطقی سیر تاریخی مواضع پیشین بوده اند؟ کدامیک التقاط ها و سانتر - یسم ابتدائی رزمندگان را در هم شکسته و نتیجه محتوم انحرافات گذشته را مونیسیتی (یگانه) نموده اند، در بر خورده با این مسئله از جانب ما زمان رزمندگان و همچنین دارودسته منشعب اظهار نظر شده است، یکی دیگری را به زیر پا گذاشتن مواضع انقلابی پیشین متهم نموده و خود را احیا کننده مواضع انقلابی پیشین می - داند و دیگری خود را تکامل دهنده مشی و پیشین می داند که در نقطه جنگ این تکامل کیفی همچون جهتی در موضع رزمندگان صورت پذیرفت، ما از آنجا که از مناسبات درونی منشعبین زمانیکه در درون سازمان رزمندگان بودند بی اطلاع هستیم، در مورد مناسبات درون سازمانی رزمندگان و اپورتونیسیتها ی منشعب اظهار نظر دقیقی نمی توانیم بکنیم و همچنین قصد ورود به این مقوله را نداریم، آنچه در اینجا مورد نظر ماست توضیح این مسئله است که کدامیک

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

شماره ۱۳ منعکس می‌شود. و از آن پس مرتباً خطر کودتا و ضرورت اتحاد عمل بر علیه ضد انقلاب مغلوب گسترده می‌گردد. زیرا شبکه رند ملی جامعه کودتای بورژوازی و امپریالیسم علیه خرده - بورژوازی حاکم قلمداد گردد، و زما شبکه خرده - بورژوازی حاکم نیز دارای خلعت ضد امپریالیستی باشد روشن است که اتحاد عملی بر علیه ضد انقلاب مغلوب! و نه ضد انقلاب حاکم و در همسویی و حتی وحدت تاکتیکی با خرده بورژوازی و نه مبارزه - ای بر علیه ماشین دولتی بعنوان تاکتیک کمونیستها مطرح می‌شود.

آهسته آهسته نظرات رویزیونیستی دربر - خورده قدرت سیاسی و چشم انداز و تاکتیک - نددت می‌یابد.

● جنگ نظرات اپورتونیستی گذشته رابه تحولی کیفی و "مونیستی" تبدیل نموده و اپورتونیسم رابه "سوسیال شو نیسم" محمول و سپس آشکار تبدیل ساخته است. سیاست رزمندگان ۳۴ در قبال جنگ چیزی جز ادامه سیاست رزمندگان در پیش از جنگ نیست.

با چنین تحلیلی از اوضاع جامعه، از قدرت سیاسی و از مبارزات ضد امپریالیستی خرده - بورژوازی حاکم و ضرورت اتحاد عمل بر علیه کودتا و امپریالیسم و ضد انقلاب مغلوب، جنگ ایران و عراق به ناگزیر گزینش امپریالیسم برای برانداختن خرده بورژوازی حاکم که همزونی هم دارد (رفقای رزمندگان حزب جمهوری اسلامی را خرده بورژوازی ارزبایی می نمودند) و دارای خصائل ضد امپریالیستی است، قلمداد می‌گردد، حال چه کسی بر اساس چنین تحلیلی که نتیجه منطقی تحلیلهای ذکر شده است، می‌تواند جنگ را غیر عادلانه و ارتجاعی نداند؟! و چه کسی است که بتواند ادعا داشته باشد چنین تحلیلی از اوضاع و احوال، ضرورت همسویی با خرده بورژوازی حاکم و بصورت مونیستی آن، حمایت از خرده بورژوازی حاکم و دفاع از خصائل ضد امپریالیستی اش!

را نمی‌کند؟

بنظر ما همانطور که اپورتونیستهای منتصب متذکر شده اند مواضع رویزیونیستی و انحرافی رزمندگان ۳۴ تا ۴۰ چیزی نیست جز "تکامل منطقی" و "مونیستی" نظرات پیشین، نظراتی که در سرمقاله ها و نوشته های رزمندگان ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۳۱ بصورت کاملاً بازی خود نمایشی می‌کند.

تنها جنگ نظرات اپورتونیستی گذشته را به تحولی کیفی و "مونیستی" تبدیل نموده و اپورتونیسم رابه "سوسیال شو نیسم" محمول و سپس آشکار تبدیل ساخته است. سیاست رزمندگان ۳۴ در قبال جنگ چیزی جز ادامه سیاست رزمندگان در پیش از جنگ نیست.

۴- رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم:

ما در برخورد به درکهای تروتسکیستی - رویزیونیستی رزمندگان نسبت به مغول - رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم مطالب بقیه در صفحه ۲۲

بوروکراتیزه شده ربران خرده بورژوازی حاکم به بورژوازی تبدیل می‌گردد (چرا که حزب ربا به بورژوازی راه دیگری برای اداره اقتصاد و سیاست جامعه وجود ندارد)، با اکتز در قدرت سیاسی با بورژوازی شریک باشد، به زیر پرچم رفته و برسان مدون رابه اجرا در می آورد. و در حقیقت همزونی بورژوازی اعمال می‌گردد. تنها رویزیونیستهای خروشی و متاثران از آن هستند که خرده بورژوازی را از لحاظ سیاسی طبقه ای مستقل و برابریا م سیاسی مستقل می - بندارند بر عزم آنان بر این اساس خرده بورژوازی می تواند در یک جامعه سرمایه داری در حاکمیت همزونی داشته و راه مستقل خویش را که همان "راه رشد غیر سرمایه داری" است بیما بد.

از اینرو و تحلیل سیاسی رزمندگان از قدرت سیاسی که از طرفی با اعتقاد به همزونی خرده - بورژوازی در حاکمیت در عرض این دو سال توام است و از طرف دیگر برای خرده بورژوازی حاکم خصلتهای کم و بیش ضد امپریالیستی قائل است متاثر از شواهد فکری رویزیونیسم خروشی و متاثران از چنین درکی "مبارزه طبقاتی" در بالا را مبارزه بین دوره (راه خرده بورژوازی و راه بورژوازی) دانسته و طبیعتاً روند اعلی - جامعه را نیز چنین خواهد دید. "بیا نه مبارت" رزمندگان نیز در کف فوق را بروشنی بنمایش می گذارد و از رزمندگان شماره ۱۳ بیعدیمتا به خط سیر اصلی رویدادها در سرمقاله ها و در مقالات "بورژوازی یکسال و نیم بعد از قیام" منعکس می‌گردد.

۳- خط مشی تاکتیکی:

بر سر چنین سیستم فکری و چنین تحلیلی از قدرت سیاسی، همچنان که نظرات بعدی رزمندگان نشان میدهد، از آنجا که سیر اصلی وقایع، وحدت - یایی مبارزه طبقاتی بین خرده بورژوازی حاکم (که دارای همزونی است) با بورژوازی لیبرال ارزبایی می‌گردد و از آنجا که بورژوازی لیبرال بعد از سفارت مواضع خود را یک سنگ از دست میدهد، طبیعتاً چشم انداز آینده، "کودتا" از جانب امپریالیسم قلمداد می‌شود که بر عزم رزمندگان از آنجا که بایگاده داخلی امپریالیسم در قدرت (بورژوازی لیبرال) تضعیف شده و خرده بورژوازی حاکمی است که رویزیونیسم - تعارض با امپریالیسم و بورژوازی افزوده می - شود، امپریالیسم حتماً دست به کودتا خواهد زد. و تاکتیک کمونیستها در قبال این چشم انداز بصورت وحدت تاکتیکی با خرده بورژوازی حاکم که در عین حال دارای گرایش ضد امپریالیستی است، در مقابل امپریالیسم و بورژوازی ایران تعیین می‌گردد. این مطلب در سرمقاله رزمندگان

خلق - ضد امپریالیست خواندن خرده بورژوازی مرفه سنتی می‌گردد، بلکه در تقسیم بندی خرده - بورژوازی مدرن (تاقی مناسبات سرمایه داری) و خرده بورژوازی سنتی که حافظ مناسبات سرمایه داری است، نیز بایه تئوریک ثئوری رویزیو - نیستی راه رشد غیر سرمایه داری دیده می‌شود. ما در گذشته نیز این مسئله را مورد نقد قرار دادیم این ثئوری رویزیونیستی در برخورد به بخش مدرن و سنتی خرده بورژوازی در سرمایه داری "خرده بورژوازی و انقلاب" منعکس است. و بالاخره بر ستر ثئوریهای رویزیونیستی - تروتسکیستی که وضعیت طبقات را از زاویه نوع مناسبات و برخورد آنها نسبت به سرمایه (در مرحله انقلاب دمکراتیک) و نه از موضع گیری آنها نسبت به امپریالیسم و بایگاده داخلی آن سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم مورد بررسی قرار می داد، با لاطبع و ناگزیر مرحله انقلاب را دمکراتیک یا مضمون سوسیالیستی ارزبایی می نمود. این ثئوری همان ثئوری رویزیو - نیستی - تروتسکیستی است که در جزوه تفادها و مرحله انقلاب به صراحت بیان می‌گردد و در نشریه رزمندگان در برخورد به راه کارگر می‌نکس می‌شود و بالاخره همان دیدگاه هی است که سوسیالیسم خلفی را در مرحله انقلاب دمکراتیک بنمایش می‌گذاشت.

۲- تحلیل از قدرت سیاسی:

بر اساس چنین درکی از امپریالیسم، ساخت جامعه، آرایش طبقات و مضمون مرحله انقلاب است که تحلیلی متناسب با آن از قدرت سیاسی بعمل می آید.

همزونی در قدرت بدست خرده بورژوازی مرفه سنتی معرفی می‌گردد و مبارزه درون هیئت حاکمه نه از مقوله تفادها و ضد انقلاب و در چهارچوب حفظ وحدت، بلکه مبارزه طبقاتی حادی تصویر می‌گردد که خرده بورژوازی علیه بورژوازی و امپریالیسم به پیش می راند، درکی که در تدویم خودناگزیر حمایت از خرده بورژوازی حاکم را وظیفه خود قرار خواهد داد، درکی رویزیونیستی که "راه سوم" را تداعی می نماید. خرده بورژوازی حاکم از یک طرف ضد لیبرالیت را است و از طرف دیگر راه بورژوازی و امپریالیسم را نمی پذیرد و خواهان سمت دادن جامعه به راه مستقل خویش است. مینای ثئوریک حمایت از خرده بورژوازی حاکم و "راه رشد غیر سرمایه داری" که این خرده - بورژوازی با بدلی نماید، در این نظرگاه بنحو برجسته ای منعکس می‌گردد.

از نظر ما رکیسم - لنینیسم خرده بورژوازی در حاکمیت نمی تواند مدت زمان زیادی با هویت طبقاتی خود، حضور مستقل و همزونی یک داشته باشد. چه فاقد سرمایه مستقلی برای هدایت سیاست و اقتصاد جامعه است. از اینرو خرده بورژوازی اگر در جامعه ای سرمایه داری حاکمیت داشته باشد، با در پیرویه ای کوتاه مدت

لایحه ارضی رژیم: طنین طبل تو خالی برای فریب دهقانان!

انحراف گشاده و متوقف نماید. یعنی "املاحات" رژیم برای آن است که جلوی انقلاب توده ها را سد کند. درست همانگونه که رژیم شاه برای خواباندن جنبش دهقانی سالهای ۴۲-۴۹ اقدام به انجام "املاحات ارضی" امپریالیستی نموده در صورتیکه خواست دهقانان گوناگون کردن دست زمینداران بزرگ از تمام عزمهای زندگی - بشان میباشد که تنها بوسیله تشکیل شورا های واقعی دهقانان و آنگاه در ارتباط با انقلاب دمکراتیک - ضدا امپریالیستی خلق و تحریر برای طبقه کارگر، این امر امکان پذیر خواهد بود. بنا براین هرگونه اقدامی (از جمله املاحات مذکور) که در مقابل انقلاب و برای متوقف نمودن آن صورت گیرد، اقدامی ارتجاعی بوده و اساساً به نفع دهقانان نخواهد بود.

حال با توجه به مسئله فوق که خود ما هیت ارتجاعی لایحه ارضی رژیم را آشکارا میسازد، ما برای آنکه به ابعاد و تدابیر رژیم منافع توده ها و از جمله دهقانان پی ببریم به بررسی این لایحه پرداخته و خواهم دید که حتی نام "املاحات" نیز نمی توان بر آن نهاد!

بر طبق این قانون زمینهای با یسر، موات و دولتی (بعمارت دیگر یا بناهای بی حاصل!) توسط هیئتهای ۷ نفری در میان دهقانان تقسیم میشوند و تنها در صورتیکه این زمینها کفاف کشاورزان را نکند، تحت شرایطی با راهای از زمینهای زمینداران بزرگ نیز تقسیم خواهد شد. که این قسمت طرح همان بند "ج" معروف است که اینک سرومادی فراوانی بر سر آن برآه انداخته اند. حال ببینیم معنای واقعی و عملی این طرح که نام "املاحات ارضی" گرفته است چیست؟

نخست آنکه بر طبق این طرح تنها بیابانهای بی حاصل (که از نظر مساحت کم نیستند) - بین کشاورزان تقسیم میشود یعنی همان کاری که آیت الله منتظری در نماز جمعه ۵۹/۵/۲۴ در قم گفت: "زمین بیابان خدا را بین آنها بی که ندارند تقسیم کنید!" دوم آنکه بغرض همبستگی از این زمینهای بی حاصل و طبق بند "ج" زمینهای قابل کشتی همخواهد میان دهقانان تقسیم شود، ببینیم که چه گشائی مسئول تقسیم زمین هستند؟ هیئتهای ۷ نفره که ترکیبشان از این قرار است: دو نفر نماینده وزارت کشاورزی یک نفر نماینده وزارت کشور یا استاندار محلی یک نفر از جهاد سازندگی، یک استبداد دگستری با "دادگاه انقلاب" و دو نفر نماینده... به عبارت دیگر، بغرض آنکه نمایندگان دهقانان واقعی دهقانان نباشد.

حرکت در آمد. بطوریکه سرکوبگریهای پراکنده عوامل رژیم جمهوری اسلامی و حمایتهاشان از زمینداران بزرگ، نتوانست جلوی خشم بیدار شده دهقانان را خنثی کند. دهقانان خواهان تقسیم زمینهای بزرگ و بدین منظور خود را با اقدامات میگرداند و حتی شوراها و تشکلات خاص خود را نیز برای دفاع از حقوقشان تشکیل داده بودند. بدین ترتیب مسئله ارضی با ردیکر بصورت مسئله ای میروم و جدوله گرد و رژیم جدید را در فکر "راه چاره ای" انداخت.

"راه حل" دولت بازرگان چیزی نبود جز افزایش شدت سرکوب دهقانان و اطمینان بخشیدن به فئودالها و زمینداران بزرگ مبنی بر اینکه رژیم در جدال بین کشاورزان و زمیندار حامی زمین دار است. بدینال این سیاست است که خطراتی بشت سرمایه گشایان انقلابی داده میشود و آنها را به "مجازاته های شدید" تهدید می کنند:

- روز ۵۸/۳/۴ وزارت کشاورزی طی اطلاعیه ای اعلام میکند: "مجازاته های شدید در انتظار متجاوزان به اراضی غیر... است."
- نماینده وزیر کشاورزی اطلاعیه ای اعلام میکند که: "برداشت محصول زمینهای معارضه شده گران و گشاده میزنند." (آبندگان ۵۸/۳/۷)
- استاندار فارس میگوید: "متجاوزین به اراضی کشاورزی فارس مجازات میشوند." (آبندگان ۵۸/۳/۲۴)

با سخ دهقانان زمینکش به اس تهدیدها افزایش شدت مبارزه شان و گسترش آن بود. از اینرو در تابستان سال ۵۸ ما شاهد واگیبیری جنبشهای دهقانی (معارضه انقلابی زمینهای زمینداران بزرگ، تشکیل شورا های دهقانی و مقابله مسلحانه دهقانان در مقابل مزدوران زمینداران بزرگ و پاداران سرمایه و...) میباشیم.

بعد از سقوط دولت بازرگان، شورای انقلاب نیز سیاست دفاع آشکارا را مالکین بزرگ را همچنان ادامه داد و حتی گامی فراتر نهاده و برای دهقانانی که اقدام به معارضه زمین کنند مجازات اعدام تعیین میکند. تا اینکه سرانجام تحت تأثیر فشار جنبش دهقانی و بر طبق روند عمومی سیاست رژیم که همانا تظاهرات دفاع از منافع "مستضعفین" و زستهای ضدا امپریالیستی بود، قانونی تحت عنوان "املاحات ارضی" - به تاریخ ۵۸/۱۲/۸ به تصویب رسید. در بررسی این لایحه، آنچه که قبل از همه دارای اهمیت است ما هیت سیاست رژیم در اجرای آن میباشد. این "املاحات" بمنظور آن صورت میگیرد (تا زه اگر اجرا شود!) که جنبش انقلابی دهقانان را به

رشد جنبش دهقانی موجب مطرح شدن مجدد مسئله ارضی بعنوان یکی از مسائل میروم و گشاده است. در این رابطه اخبار سرومادی های بسیاری حول "لایحه ارضی" موبه سال گذشته رژیم و تا کنون جاری است. "ج" آن از جانب بختیابی از رژیم و روزیونیستهای خادم آن، برآه افتاده است. از اینرو بررسی ما هیت ارتجاعی این "املاحات ارضی" ضرورت میابد.

مسئله ارضی همواره یکی از مهمترین مسائل انقلاب دمکراتیک - ضدا امپریالیستی خلقهای ایران بوده است. این مسئله که در پیوند با زندگی توده های وسیع دهقانان میباشد موجب بروز جنبشهای متعدد دهقانی گشته که از آنجمله مبارزات توده ای سالهای ۳۹ تا ۴۲ بود که امپریالیسم آمریکا و رژیم کزراش را وادار به انحازم فرم امپریالیستی ارضی نمود. بنا بر این "املاحات" بخشی از اراضی با یروستای مرغوب میان دهقانان تقسیم شد و از طرف دیگر مناسبات سرمایه داری و استبداد شهری و روستا گسترش یافت، که در مجموع نتیجه ای جز افزایش فقر و فلاکت دهقانان، چپاول آنها توسط بانکها و کهنه شدن توده های وسیع دهقانان از روستاها و سرازیر شدنشان به شهرها جهت پیوستن به خیل عظیم بیگاران، به همراه داشت به این ترتیب جنبش دهقانی نسبتاً افت کرد و حاد نبودن مسئله ارضی موقتاً به نفع بورژواکمپرادورها و فئودال کمپرادورها در اذهان توده ها خفیف گشت.

در جریان واگیبیری جنبش توده ای سالهای ۵۶ و ۵۷، دهقانان تحرکات کمتری نسبت به سایر اقشار خلق از خود نشان دادند این امر بخاطر عواملی چون رشد مناسبات سرمایه داری در کشور نبودن تمرکز آگاه در میان دهقانان و پائین بودن سطح آگاهی عمومی آنها، پراکندگی و تنوع شرایط دهقانان در مناطق مختلف ایران و سایر عوامل بود. اما تحت تأثیر جنبش توده ای و گسترش خلق و بخصوص پس از قیام که به سرازه ای دستاوردهای دمکراتیک به همراه داشت و در کنار فعالیت نیروهای انقلابی در میان دهقانان، موجبات رشد آگاهی دهقانان و گسترش مبارزاتشان فراهم گردید. بطور کلی باید گفت که مبارزات دهقانان عمدتاً بعد از قیام گسترش یافت در پاره ای مناطق نظیر کردستان و ترکمن چرا مبارزات دهقانان تحت تأثیر غلبه روابط فئودالی و تاخت و تاز فئودالها از یک سو و مسئله ارضی از سوی دیگر رشد چشمگیری نمود و فوای الملل دهقانان در این منطقه موفق به تشکیل شوراهای مسلح خود شده و متحدانه بر علیه تاجران و زور - کوششهای فئودالها و مرتجعین منطقه بمقابله برداشتند. آنها زمینهای زمینداران بزرگ را بفوقه فقر انقلابی خویش معارضه کرده و مسترکاکشت میگردند. در سایر مناطق نظیر شمال، فارس، بلوچستان، آذربایجان و... نیز موج معارضه زمینهای فئودالها توسط دهقانان فقیر و متوسط (و حتی در مواردی دهقانان مرفه) - به

بزرگ و مکنندگان خون زحمتگان را گرفته است. موضعی که در تفادی آشتی ناپذیر با منافع دهقانان زحمتکش ایران قرار دارد.

رژیم مضمحل گشته است تا جنبش انقلابی دهقانان را در کنار سایر جنبشهای انقلابی توده ها، به انحراف گشاده و سرکوب کند. اما اعتلا انقلابی حاکم بر جامعه و رشد و گسترش روز افزون جنبش توده ها، حیل های رژیم را بی اثر کرده و تفرقه های درونیش را خدشه دار می کند. از جمله در رابطه با مسئله دهقانان می بینیم که به رغم مخالفت رژیم با اجرای بند "ج" از طرح واگذاری زمین، اخیراً نامه های مخالفت با این تصمیم از گوشه و کنار شنیده می شود. هر روز روزنامه های جبهه خواهر رژیم گزارشی مبنی بر ترغیب دولت برای عدم اجرای بند "ج" منتشر می کنند. اما آنچه برای دهقانان زحمتکش ایران مهم است توجه به این واقعیت می باشد که: اولاً ما بهیت فدرمردی رژیم جمهوری اسلامی به اوج اژه انجام کوچکترین اقدام انقلابی را نمی دهد. ثانیاً سروصدا های اخیر جبهه های رژیم مبنی بر اجرای بند "ج" و عوا مغربیه های خاشنین رویزونیست و مدح سران رژیم در اینباره، هدفی جز به انحراف کشیدن و سرکوب مبارزات انقلابی دهقانان نداشته و ندارد. ثالثاً، بنا بر این بفرمایید اجرای بند "ج" از لایحه مذکور، تغییر در ماهیت ارتجاعی این "اصلاحات ارضی" رخ نمیدهد چرا که اجرای آن هدفی جز تلافی اثرزنی انقلابی دهقانان و سرانجام سرکوب آنها را دنبال نمیکند. به افشای لایحه "واگذاری زمین" رژیم و ماهیت بند "ج" آن بپردازیم! جنبش اوچکیرنده و گسترده دهقانانی را سازماندهی کنیم!

بقیه از صفحه ۲۰ رزمندگان...

زیادی را در نشریات وضا ثم بیگار نوشته ایم. از اینرو در اینجا به بررسی آن انحرافات نمایی - برداریم، تنها خوانندگان را به خواندن آن مقالات رجوع میدهم تا خود در بابند که تزلزلات عمیق رزمندگان در برخورد به رویزونیسم و سوسیال امپریالیسم چگونه دمیدم افزوده میگشت و در جنگ اگر نزدیکی عراق به شوروی "چپ" خوانده میشود و بطور تلویحی با قرارداد شوروی در کنار صف خلق، سیاست های مترقی برای شوروی تصویر میگردد، این نه تنها امری غافلگیر کننده و عجیب نبود، بلکه نتیجه محتوم همان تزلزلاتی بود که در برخورد به رویزونیسم و سوسیال امپریالیسم متعین میگشت و در نشریه رزمندگان ۳۳ به ما گزارش تشریف میگردد. بر - خود بصفاست را ستروانه و حمایت آمیزا زویتنام که در این شماره منعکس میگردد، نمی تواند به چنین برخوردی نسبت به شوروی منتج نشود و در اساس هر دو حکایت از تزلزلات عمیق رویزونیست نیستی دارد.

(ادامه دارد)

بند "ج" هم نظر ایشان اینست که با توجه به شرایط کنونی ما بیشتر نیروها را به فعالیت متمرکز در بند "الف" و بند "ب" از این طرح بکنیم. (جمهوری اسلامی ۵۹/۹/۴)

علیرغم این واقعیات رژیم که انکار خود را بر عوا مغربیه و دروغ پردازیها پیشین نهادده است، به سلیفات خود در مورد طرح "اصلاحات ارضی" مذکور اقدامات با صلاح انقلابی هیئت های ۷ نفره، ادا نمیدهد. اما با دقت در گفته های مسئولین رژیم ما بهیت عملکرد ایشان هیئتهای "انقلابی" که خوشرفقی رویزونیستهای خائن توده ای و فدا انقلابیونی چون "امتی" ها را نیز سرانگیخته است، آشکارا میشود:

قبل از هر چیز برای آنکه میزان و وحشت رژیم از مصداق انقلابی زمینها توسط دهقانان پی ببریم، سخنان حاکم شرع ستاد واگذاری زمین را نقل میکنیم که میگوید: "یک سلسله تفرقه های که صورت گرفته بهما نسبت میدهند و حتی زمینهای را که ملاکین و فئودالها از ترس کشاورزی گذاشته و فرا ر کرده بودند و کشاورزان خود قهر آنها را تقسیم کرده بودند، اینها را نیز به حساب ما گذاشته اند." (جمهوری اسلامی ۵۹/۱۰/۱۱) باید به این آقایان اطمینان داد که تفرقه! دیگر کسی نمیداند که در انتظار خام انجام عملی انقلابی از سوی شما باشد شما به همراه فئودالها و زمینداران بزرگ و سرما به داران در مصداق بل زحمتگان قرار دارید و دهقانان امروز بیش از پیش به این واقعیت پی میبرند. اقدامات انقلابی آنها گواه این امر است.

از سوی دیگر شما بنده چه داس زندگی در هیئت واگذاری زمین و وظیفه هیئتهای ۷ نفره و این چنین ترسیم میکنید: "وظیفه این هیئت تنظیم قرارداد ادبیین مالک و زارع میباشد." (همانجا) بدین ترتیب اولاً علیرغم تمامی تبلیغات رژیم مبنی بر "مخالفت با فئودالها، در اینجا رسماً وجود آنها بعنوان یک طرف قرارداد دانسته میشود. ثانیاً رژیم وظیفه برقراری صلح ما بین زمینداران و دهقانان را بعهده میگیرد! یعنی وظیفه آشتی دادن یک تفرقه آشتی ناپذیر! روشن است که تحت حاکمیت سرما به این "صلح" بنفع چه کسانی تمام خواهد شد.

و بالاخره در گزارش یکی از هیئتهای واگذاری زمین یکی از علل کاهش سطح تولید در سال گذشته "دلزدی و عدم اعتماد مالکین نسبت به آینده و در نتیجه عدم سرمایه گذاری" ذکر شده است (کیهان ۵۹/۱۰/۱۳)

بدین ترتیب ما بهیت عملکردهای "انقلابی" رژیم در رابطه با "حل" مسئله ارضی و دیدگاه نهفته در پس کلیه عوا مغربیه پیش، بوضوح آشکار میشود. بررسی تمامی اعمال رژیم در این رابطه تنها و تنها با تکیه بر واقعیت است و آنهم اینکه رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت فدا خلقیش که وظیفه با داری از سیستم سرما به - داری وابسته را بعهده گرفته است، در رابطه با مسئله ارضی نیز چنان فئودالها، زمینداران

کشاورزان ۲ رای خواهند داشت در مقابل ۵ رای دولت که واضح است مدافع منافع چه کسانی است؟! بیلاوه بفرمادادن زمین به دهقانان محروم کدام امکانات مالی و تکنیکی به کشت بپردازند؟ توده های دهقانانی که به شکرانه "کمکهای" رژیم در فقر و سینه روزی فرو رفته اند مگر می توانند خود اقدام به کشت نمایند؟

با توجه به مطالب فوق، زمانی به عمق تضاد رژیم و مردم رجوع کنیم با کمیا منافع توده ها پی میبریم که مخالفتهای "مراجع تقلید" و سایر مقامات رژیم را از فردای تصویب طرح مذکور، با بند "ج" آن، مشاهده میکنیم. اینان آنقدر مرتعبدند که حتی از بیان کوچکترین حرفی که شبهه "بی احترامی به مقام مالکیت مقدس" را در اذهان ایجاد کند، وحشت دارند!

آیت الله منتظری در همان نماز جمعه میگوید "در هر کجا که زمین موات هست باز زمین معادیه شده هست و لویک فرسخی و لود و فرسخی حق ندارد زمینهای کشت مردم (؟) را تقسیم کنند." آیت الله روحانی میگوید: "اینگونه اصلاحات ارضی برخلاف اسلامی است و اگر در شورای انقلاب هم تصویب شده باشد حرام است" (با مداد ۵۸/۱۲/۱۶) آیت الله قمی در دفاع از مالکیت و رد تقسیم زمین میگوید: "از مسلمات فقه با ب مزارعه است و با ب مزارعه معنی اش اینست که یکی مالک زمین است خودش اهل زراعت نیست زمین را میدهد به دیگران که زراعت کنند و با آنها قرار داد میکنند... اینها همه اش را ما در رساله ها - بیان نوشته ایم همه هم نوشته ایم نه بکنفرودو نفر" (کیهان ۵۸/۱۲/۲۰)

همچنین آیت الله گلپایگانی در تاریخ ۵۹/۵/۴ و آیت الله محلاتی در تاریخ ۵۹/۸/۱۷ فتواهای مبنی بر مخالفت با طرح مذکور و حرام دانستن مصداق زمین، مازوسی - کنند، نمونه های بسیار دیگر که بر طبق اصل "ولایت فقیه" تنها یکی از آنها برای جلوگیری از اجرای طرح کافست! (رجوع شود به پیگزار شماره ۹۲)

سرانجام آیت الله خمینی فرمان توقف اجرای طرح را داده و هیئتی مرکب از منتظری، بهشتی و مشکینی را برای بررسی بیشتر و دقیق - تر (؟) طرح ما مور رسیدگی میکند. آیت الله ربانی شیرازی نماینده اما موعوض شوروی نگهبان طی اطلاعیه ای موضوع را اینچنین عنوان میکند: "اما م امت و بنیانگذار جمهوری اسلامی با توجه به موقعیت کنونی و جلوگیری از تضاد و اختلاف دستور فرمودند که بطور موقت مسئله واگذاری زمین متوقف شود." (انقلاب اسلامی ۵۹/۲/۳۰)

بهشتی مغز متفکر حزب جمهوری مسئله را اینچنین عنوان میکند: "در شرایط کنونی نظر اما م اینست که برای اجرای ابتدالف و بند ب (یعنی تقسیم زمینهای بایر، موات و سی حاصل - پیگار) تلاش کامل شود (؟) و در مورد اجرای

ویتنام و تترهای رویزونیستی "له‌دوان" (۲)

هما نظر که میدانیم معیار اساسی که کمونیست‌ها را از رویزونیست‌ها جدا می‌کند، مزبندی با رویزونیسم و پورتونیسم است. امروز رویزونیسم در جنبش جهانی کارگری - کمونیستی خطر عمده را تشکیل داده و بدون مبارزه پیگیر و همه‌جانبه علیه آن مبارزه با پورتونیستی حرفی بجز ویسی معنی است. رویزونیست‌ها عاملین پورتونیستی در صفوف جنبش کارگری بوده و رسالت دارند تا از انقلاب پرولتاریائی و درهم‌شکستن ماشین دولتی سرمایه‌داری ممانعت بعمل آورند. بنا بر این کمونیست‌ها که برای انقلاب سوسیالیستی و تصرف قدرت توسط پرولتاریائی می‌جنگند نمی‌توانند علیه رویزونیست‌ها این خاشن به سوسیالیسم می‌زنند. بخشی از این رویزونیست‌ها، مرتدان اروپائی بشمار می‌آیند. رویزونیست‌ها - های فرانسوی به سرکردگی ژرژ مازریش، رویزونیست‌های ایتالیائی به سرکردگی برلینگوئرو و رویزونیست‌های اسپانیائی به سرکردگی کاریلو... متحدان پورتونیستی - لیستی بوده و پیوسته کوشیده‌اند تا با طرح راه - مسالمت آمیز و با رلمانتا ریسم طبقه کارگر را در اسارت سرمایه‌گذاران درآیند. اینان پیوسته در مبارزات کارگران اخلال کرده و همیشه سعی کرده‌اند تا کارگران را با شعارها و سیاست‌های رویزونیستی و رفرمیستی از مبارزه انقلابی برای تصرف قدرت بازدارند. اینان مبارزات طبقه کارگر را نه برای رهایی کار، بلکه برای کسب امتیازات جزئی برای خود می‌خواهند. و پرواضح است تا زمانی که کارگران کشورهای سرمایه‌داری بوغ این خیانتکاران مرتد را به دور اندازند و انقلاب سوسیالیسم نخواهند رسید.

اما "له‌دوان" رویزونیست به این امر چگونه برخورد می‌کند؟ او خاشنه تمام این حقایق را می‌پوشاند. او نه تنها در گزارش خود به کنفرانس چهارم (دسامبر ۱۹۷۶)، یک کلمه علیه رویزونیسم و پورتونیسم حرف نمی‌زند و نه تنها حتی یکبار در ضرورت مبارزه علیه خاشن به سوسیالیسم سخن نمی‌آورد، بلکه برعکس رویزونیست‌های خاشن را نمایندگان راستین پرولتاریا معرفی می‌کند. او در برخورد به احزاب رویزونیست در کشورهای سرمایه‌داری می‌گوید: "در بعضی کشورها احزاب کمونیست که موقعیت پراهمیتی در زندگی سیاسی احراز کرده‌اند پیروزیهای مهمی بدست آورده و پرچم استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم را به اهتزاز درآورده، بر علیه سرمایه‌داران انحصاری دولتی در داخل و خارج کشور متحد و متشکل شده



با پیروزیهای پی در پی روزا انقلاب را نزدیک - تر می‌زند.

هما نظر که میدانیم رویزونیست‌های اروپائی در تئوری به پورتونیستی انحصاری و به قیمت چند کرسی در پارلمان پورتونیستی، انقلاب پرولتاریائی را فروخته و مدام هرگونه مبارزه انقلابی کارگران را خفه کرده‌اند. امروز این خاشن، مارکسیست لینینیست را بدور انداخته‌اند. رهبر رویزونیست‌های اسپانیائی و قیبا نه اعلام داشته که لینینیسم کهنه شده و رهبر رویزونیست‌های فرانسوی خاشنه مطرح ساخته که دیکتاتوری پرولتاریا مانند دیکتاتوری فاشیستی می‌باشد. حال این خیانتکاران از نظر "له‌دوان" رویزونیست "پرچم سوسیالیسم را به اهتزاز درآورده‌اند؟ مگر سوسیالیسم بدون انقلاب پرولتاریائی ممکن است؟ مگر لینین کبیر ما کتاب "دولت و انقلاب" را ننوشت تا بگوید که رلمانتا ریسم خاشنه با پرولتاریاست و سوسیالیسم تنها به انگا انقلاب قهرآمیز سوسیالیستی ممکن است؟ پس چرا "له‌دوان" این حقایق را می‌پوشاند؟ زیرا او نیز یک رویزونیست مرتد است. او صحبت از نزدیک تر شدن انقلاب برادر پیروزیهای پی در پی رویزونیست‌ها می‌کند. واقعا با بد پرسید کدام پیروزی؟ و انقلاب چگونه نزدیک تر شده است؟ سالیان سال رویزونیست‌ها بر جنبش کارگری اروپا سیطره دارند و سالیان سال این جنبش را در محدوده افکار رفرمیستی و پارلمانتاریستی مهار کرده‌اند و سالیان سال این جنبش را در چرخه رجوی سدیگا های ارتجاعی به بند کشیده و مانع از آن شده‌اند تا این جنبش، مسلح به زمان طبقه خود گردد و به جنگ پورتونیستی برود. آری مگر همین رویزونیست‌های فرانسوی نبودند که جنبش مه ۱۹۶۸ را محکوم کردند و کوشیدند تا در سازش با امپریالیست‌های فرانسوی آت را خاموش سازند؟ آری مگر همین رویزونیست‌های ایتالیائی و اسپانیائی نیستند که معتقدند کشورهایشان با بدر چار - چوب پیمان امپریالیستی تا توبائی می‌مانند؟ آری واقعیت اینست که رویزونیست‌های اروپائی دشمنان طبقه کارگر اروپا بوده، از انقلاب پرولتری وحشت داشته و با تمام قوا با مبارزات انقلابی مقابله می‌نمایند. آری واقعیت اینست

است که رویزونیست‌های اروپائی نه پرچم سوسیالیسم بلکه پرچم سرمایه و پرچم نقیض در دست دارند و "له‌دوان" رویزونیست خود می‌بلخ رفرمیسم و پارلمانتاریسم پورتونیستی برای کارگران اروپا می‌باشد. او خاشنه را می‌پوشاند و بدین ترتیب ضدیت خود را با انقلاب پرولتاریائی به نمایش می‌گذارد.

"له‌دوان" در ادامه ترها ت رویزونیستی اش می‌گوید: "امپریالیسم به رهبری ایالات متحده از هیچ کوششی برای تدارک جنگ جهانی جدیدی فروگذار نکرده و به روشی برای سرکوب جنبش - های انقلابی و پس گرفتن مواضع از دست رفته درهم کوبیدن جنبش‌های آزادیبخش ملی و جلوگیری از توسعه سوسیالیسم متوسل می‌شود. این واقعیتی است که امپریالیسم خونخوار آمریکا در راه اهداف توسعه طلبانه از هیچگونه جنایت و کشتار سرکوب و از هیچگونه غارتگری و چپاول دریغ نمی‌ورزد. اما این امر بخشی از حقیقت است بخش دیگری از حقیقت اینست که سوسیالیسم امپریالیسم نیز در اسقط با سوسیالیسم امپریالیستی هیچ دست نمی‌آورد. امپریالیسم آمریکا ندارد. مگر شوروی از طریق صدور سرمایه و مبادله با این خلق‌های جهان را استثمار و غارت نمی‌کند؟ مگر شوروی به افغانستان لشکرکشی نظامی امپریالیستی نکرد؟ مگر شوروی در پی تدارک جنگ نیست و یکی از مهم ترین سوداگران امپریالیستی اسلحه بشمار نمی‌آید؟ مگر شوروی با امپریالیسم آمریکا رقابت امپریالیستی نمی‌کند و به همین منظور در کشورهای دیگر به ایجاد یکا های نظامی امپریالیستی دست نمی‌زند؟ مگر شوروی خلق اریتره را سرکوب نمی‌کند و با کمک تسلیحاتی به رژیم‌های مرتجع در سرکوب جنبش‌های کارگری و آزادیبخش شرکت ندارد؟... آری شوروی نیز در صف دشمنان پرولتاریای بین‌المللی و خلق‌های جهان قرار دارد و "له‌دوان" این حقیقت را می‌پوشاند و این امری طبیعی است چرا که و در رأس حزب ویتنام در کنار سوسیالیسم امپریالیسم شوروی قرار دارد.

آری امروز در ویتنام که به قیمت شکنجه و کشتار میلیون‌ها زحمتکش و کمونیست از اسارت امپریالیسم بانگی رها شده، رویزونیست - نیست‌ها کاملاً کشته‌اند. این حقیقتی است که همه کارگران باید بدانند. خلق ویتنام در مبارزه علیه امپریالیسم و مرتجعین دلاوری‌ها و قهرمانیهای بی‌شماری از خود نشان داد. او نشان داد که چگونه خلقی مصمم و متحده رهبری کمونیست‌ها می‌تواند بزرگترین ارتش‌های حنا پتکار امپریالیستی را درهم‌شکند و آزادی را به کف آورد. این خلق درس‌گزارانها را از مقاومت انقلابی به خلق‌های جهان داد. اما رویزونیست‌ها نه با سادار این همه دلاوریهای قهرمانانه بلکه با پمال کننده این همه دستاوردهای کرامت‌ناقد می‌باشند و امروز این رویزونیست‌ها هستند که با کم پرویتنا می‌پاشند. این حقیقتی است که همه کارگران باید بدانند!

تحریم اقتصادی "چه تاثیری بر واردات ایران از کشورهای امپریالیستی داشت؟"

سخنار صفحه ۱۴ اطلاعیه

سال فعالیت در کمیته علمی الفتح، چندی قبل با نظر موافق سفارت فلسطین در ایران، در صدد رفتن به خاور میانه و تماس با کمیته علمی وابسته فتح در بیروت میبودا حازه خروج از طرف ادارة کدورتا ما ایران نیزه اعتبارنا مه رسمی سفارت فلسطین به مقامات خاص هائی - الحسن برای وی صادر گردید که گویا به هنگام رفتن به سفارت سوریه در شهران جهت اخذ ویزا توسط رژیم جمهوری اسلامی دستگیر و بازداشت شده است. تا آنجا که مربوط به سازمان میشود باید گوئیم که رفیق فاضل بعد از مصافحه بعنوان عضو لیکه بعنوان یک سمیات در کنار رفیق کسبی علمی اش در ارتباط حاشه ای با سازمان بوده و معرفی او بعنوان یک کادر اصلی سازمان دروغ توطئه آمیزی بشی نیست. به این ترتیب رژیم جمهوری اسلامی فقط می تواند سازمان ما و افرادی نظیر رفیق محسن فاضل را بحرماً باها مبارزه علیه امپریالیستها، صهیونیستها، سرما به داران و بحرم مخالفت با ارتجاع جمهوری اسلامی متهم نماید. دروغهای و قبحانهای نظیر "پیکار آمریکا بشی" و یا "همکاری با آمریکا" فقط پوششی برای پوشاندن چهره پلید سردمداران حکومت ولوت نمودن چهره درختان کمونیستهای است که هم اکنون مبارزه با امپریالیسم را از مبارزه با حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی جدا نموده اند. آنها برای پوشاندن چهره خویش ناچار به ولوت نمودن چهره کمونیستها هستند و این شیوه همه مرتجعین تاریخ بوده است.

در پایان ما به کارگران و زحمتکشان ایران به همه کمونیستها و انقلابیون نسبت به جان رفیق محسن فاضل هشدار میدهم. رژیم جمهوری اسلامی ایران در ادامه مقابله جوشش کارگران و زحمتکشان و در ادامه سرکوب و فشار علیه آنان از آنجا که بتدریج زوال اجتناب ناپذیر و تاریخی اش او را نگران نموده است. بیش از پیش به شکل و قبحانه تر و وحشیانه تر به سرکوب کمونیستها، ترور مخالفین و تبلیغات زهرآگین علیه آنها دست زده و خواهان از کارگران و زحمتکشان ایران از کلیه نیروهای انقلابی و کمونیستی می خواهد که در مقابل توطئه های ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی به افشای آن پرداخته و از افت انقلابی مبارزین نظیر رفیق محسن فاضل جدا نمانند و دفاع نمایند.

رژیم جمهوری اسلامی زنده باد دفاومت دلاوران کارگران و زحمتکشان ایران علیه ارتجاع و امپریالیسم برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۵۹/۱۲/۷

واردات کالا از کشورهای امپریالیستی است و جمهوری اسلامی نیز نمیتوانست (و نمیتواند) از این قاعده عمومی مستثنی باشد.

افزایش قابل ملاحظه ای نیز پیدا نمود. طبق خبرگزاری پارس (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۶ بهمن ۵۹) صادرات فرانسه به ایران را در ۱۱ ماه سال ۱۹۸۰ (از دیماه ۵۸ تا آذرماه ۵۹) که صد البته مقارن با تحریم اقتصادی کدازی است ۲۸۱۶ میلیون فرانک (حدود ۴۸۰ میلیون دلار) بود. در حالیکه در ۱۲ ماه سال ۷۹ برابر با ۱۵۵۰ میلیون فرانک برآورد شده است. واردات ایران از انگلستان نیز در این مدت افزایش قابل ملاحظه ای داشته است و واردات ایران در سال ۱۹۸۰ از انگلستان برابر ۹۲۰ میلیون دلار (حدود ۶۵/۵ میلیارد دلار) بوده است که نسبت به سال قبل ۴۰ درصد افزایش نشان میدهد (میزان - ۲۷ بهمن ۵۹).

در مدت ذکر شده صادرات ایران به فرانسه نسبت به سال قبل از آن (۷۹) ۲۶ درصد کاهش داشته است. رژیم جمهوری اسلامی ادعا میکند که افزایش واردات از کشورهای غربی شامل محصولات بوده که "تحریم" نشده بودند اما مار چه میگوید؟ طبق نوشته "جمهوری اسلامی (۵۹/۱۱/۱۶) صادرات مواد غذایی و کشاورزی... فرانسه به ایران در سال ۱۹۸۰ (۵۸ - ۵۹) نسبت به سال قبل (۷۹) ۲۴ درصد افزایش داشته است. اما مقایسه آثار کل صادرات فرانسه به ایران در این دو سال نشان میدهد که کل صادرات فرانسه به ایران در این مدت دوبرابر شده است. یعنی به زبان دیگر در مقابل ۲۴ درصد افزایش صادرات کالاهای "تحریم" نشده فرانسه به ایران، کل صادرات فرانسه به ایران - ۱۰۰ درصد افزایش پیدا کرده است!

ارقا مذکور شده در بالا دروغ بزرگ رژیم جمهوری اسلامی را در مورد "واقعیت" و "حقوقی تحریم اقتصادی" ادعائی نشان میدهد. مادر شماره - هلی گذشته پیکار بارانه مدرک و اسناد نشان داده ایم که جمهوری اسلامی بنویس از شروع جنگ ارتجاعی کنونی مباردت به خرید تسلیحات از کشورهای امپریالیستی غربی نموده است و نیز در مقالات متعدد نشان داده ایم که در یکسال گذشته (پس از اشغال سفارت رژیم جمهوری اسلامی مبالغ هنگفتی اسلحه از فرانسه، هلند، آلمان غربی و آمریکا خریداری کرده است. اما ترخیص کالاهای در کمالات بنا در جنوب (که کالاهای کشورهای امپریالیستی غربی را شامل میشود) نیز نسبت به سال گذشته نشان دهنده دوبرابر شدن میزان کالاهای وارداتی از فوق الذکر میباشد - چنانکه اشاره شد، بحران اقتصادی زائیده سرما به داری است و بنویس در کشورهای سرمایه داری وابسته شدت این بحران به مراتب بیشتر است و یکی از عوارض این بحران وابستگی بیشتر به اقتصاد امپریالیستی و افزایش

قیمت شکوهمند خفایای ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ م حیات تکلیف رژیم وابسته شد جلالتا شده داد اما این قیام خونین بدلیل فقدان رهبری طبقه کارگر سرکشی انقلابی بوده و سازمان بورژوازی توسط و خرقه بورژوازی سرکشی با امپریالیسم به سروری کاملی حلقهای ایران منجر شد و از امپریالیسم شین دولتی سرما به داری وابسته جلوگیری شد. تغییر رژیم به تغییر نظام منجر شد و نمیتوانست هم بشود و چنانچه آثار و نشانه های لازم برای این امر به جا نبود. در نتیجه بحران اقتصادی حاکم بر جامعه همچنان ادامه یافت و طبیعی بود که رژیم جمهوری اسلامی بخاطر تلاش در حفظ و تحکیم سرما به داری وابسته موجود شد یافتن این بحرانها گردد. یکی از آثار رجس بحران وابستگی بیشتر اقتصاد کشور به جهان امپریالیستی و از دید واردات و کاهش صادرات بود که در زمان حاکمیت دوساله جمهوری اسلامی بوقوع پیوسته و فاصله واردات و صادرات به مراتب بیشتر شده است. علیرغم ادعای رژیم جمهوری اسلامی در حذف واردات "زائد" تا هدنیای زروز افزون بازارهای داخلی به کشورهای امپریالیستی هستیم. پس از اشغال "سفارت آمریکا" و مطرح شدن "محاصره اقتصادی" از طرف امپریالیستیهای غربی، رژیم جمهوری اسلامی بهای بیدار کرد که بحران اقتصادی حاکم را که تا پیش مستقیم برگزانی، قحطی و تورم کمزورکن میگذارد به این "محاصره" نسبت دهد و خود را از تیغ خشم نوده ها برهاند. اما واقعیت چیست؟ پس از کروکاکسری "داسون آمریکا بشی" و "اشغال سفارت" امپریالیستیهای غربی برای تنبیه رژیم جمهوری اسلامی تصمیم به اعمال "تحریم اقتصادی" در مورد ایران گرفتند. این کشورها اعلام داشتند که بحرم مواد دارویی، غذایی و پزشکی از فروش دیگر کالاهای ایران خودداری خواهند کرد. بدینال اعلام این "تحریم" با آگاهی های گوناگونی در روزنامه های کشور مواجسه شدیم که شرکت های مقیم دوسوی، ابوظبی، کویت و... آمادگی خود را برای تهیه کالاهای مورد نیاز "بازرگانان ایرانی از کشورهای اروپای غربی، آمریکا، کانادا و ژاپن اعلام میداشتند و چنین نمیشد. بیشتر وادگندگان اقدام به خرید کالا بطریق واسطه ها و دلالان مقیم شیخ - نشینها... نمودند و بنیها تغییر که حاصل شد کرانی کالاهای بود که بخاطر رگیری کالاهای در شیخ نشین ها و پرداخت حق دلالی تعارضی به خریداران ایرانی تحمیل میشد و جو آتراهم میلیونها مصرف کننده ایرانی میکشیدند. علاوه بر این خرده ها، واردات مستقیم ایران از کشورهای امپریالیستی غربی نیز به تنهایی از این "تحریم اقتصادی" کاهش نیافت بلکه

یاد رفیق کبیر استالین را گرامی بداریم!

دولت تزاری مجلس موسان همگانی را نخواهد پذیرفت، دولت تزاری به خودکامگی خود پایان نخواهد داد. او این چنین ادامه خواهد داد! "قانون اساسی" ناقص و دم‌بریده "قابل قبول" و یک تسلیم موقتی است و چیزی جز وعده ریاکارانه تزاریسم نمی باشد! ما بدون شک از هرگونه عقب نشینی تزاریسم و موقعیت مسا در تحقق امر سرنگونی تزاریسم استفاده خواهیم کرد. اما این حقیقت واضح و آشکار است که توده ها نمی توانند به وعده های تزاریسم اطمینان داشته باشند. تکیه گاه قابل اعتماد آنها فقط خودشان می باشد، آنها با یستی فقط به قدرت توانائی خود میکی باشند، آزادی خلقها توسط خود آنها حاصل و فراهم میگردد. بنای آزادی فقط بوسیله دستان قدرت - مندرخهای تحت ستم برپا میشود، حاصلخیزی زمین حکومت خلفها، فقط با خون سرخ ستمدیدگان میسر است! فقط آن زمان که توده های ملج تحت رهبری پرولتاریا متشکل شوند و پرچم قیام عمومی را به اهتزاز آورند، می توانند دولت تزاری منکی به سر نیزه را واژگون کنند. نه عبارات توخالی و بی معنا، نه تزیین - محتوای "خود ملج سازی"، بلکه تسلیم واقعی و حقیقی و قیام مسلحانه! و این همان تلاش و پیشروی کنونی پرولتاریای سراسر روسیه می باشد.

این قیام پیروزمندانه است که دولت را مغلوب خواهد کرد. اما دولتهای شکست خورده و مغلوب شده اغلب دوباره برخاسته اند و ممکن است در مملکت ما نیز چنین شود. فردای پس از قیام، نیروها و عوامل ارتجاعی که هنگام وقوع قیام درکنجی لمدیده بودند از گورهای خود بیرون برخیزند و کوشش خواهند کرد که دولت را مجدداً به روی کار آورند. این چنین است که دول مغلوب دوباره برپا میخیزند. توده ها البته با یستی از اقدامات این عوامل و نیروهای ساء جلوگیری بعمل آورند، و آنها را منهدم سازند! اما برای انجام این امر، توده های ملج پیروزی از قیام با یستی از پیرو جوان متشکل در ارتش انقلابی با پشتیبانی کامل از انقلاب مسلح استفاده از قیام را اقدامات عوامل مزدور و ارتجاعی جلوگیری بعمل آورند.

فقط آن زمان که توده های پیرو در ارتش انقلابی متشکل شدند درخواهند بود که به اسد ام نیروها و عوامل ساء و مخفیگاه آنها بپردازند. فقط ارتش انقلابی است که به اقدامات حکومت موقت نیرومدهد، فقط حکومت موقت است که میتواند مجلس موسان عمومی که با یستی جمهوری دموکراتیک را برقرار سازد



استالین را دشمن خود میدانند. همه ایستادن مرتجعین میکوشند تا نام رفیق استالین را با توطئه سکوت و با کثیف ترین اتهامات ضد انقلابی بفراموشی سپارند. اما آیا میتوان مهربان استالین که یکی از رهبران کبیر پرولتاریا و خلقهای جهان است را از قلبهای کارگران و زحمتکشان سراسر گیتی پاک کرد؟ نه، هرگز! ما رکیست لنینیمتها که وفادار به انقلاب و سوسیا لیم میباشند همیشه خا طره رفیق استالین را گرامی داشته و پرچم سرخ او را همچنان در اهتزاز نگاه خواهند داشت. ما در سالروز گذشت رفیق استالین یک نوشته ارزنده و راه طبقه کارگران تقدیم میداریم:

به همه کارگران!

سرفروندگان و آرد، تن درخواهد داد و تمکین نخواهد کرد. آنان که خواهان گرفتن امتیازات جزئی از دولت میباشند معتقد به نابودی سر - نگونی دولت نیستند. اما پرولتاریا ایستادن اعتقاد و اطمینان کامل را دارد. آنان که در انتظار "مراحل" دولت نشسته اند به توانایی و عظمت نیروی انقلاب بی اعتمادند. اما پرولتاریا درک کامل اعتقاد و اطمینان به توانایی عظمت خود و عظمت انقلاب به پیش میرود. نه! پرولتاریا هرگز انرژی و نیروی انقلابی خود را صرف این چنین خواسته های جزئی و پراکنده نخواهد کرد. فقط یک خواست به حکومت مطلقه عرضه میکند: مرگ او! سرنگونی او! بنا بر این برپشته وسیع آسمان روسیه قیامهای بی یاکانه و جسورانه پرولتاریا هر دم سنگین تر میشود: "مرگ بردوای دولتی"، "درد بر مجلس موسان همگانی"، "این است تلاش و کوشش و هدف کنونی پرولتاریای روسیه."

در مارس ۱۹۵۳ رفیق کبیر ژوزف استالین درگذشت و با مرگ خود جهان زحمت و کار را در اندوه بزرگی فرو برد. رفیق استالین بعد از مرگ لنین بزرگ بمدت ۳۰ سال در رأس حزب بلشویک و کشور شوروی سوسیا لیستی قرار داشت. و در طی این دوران در هدایت ساختمان سوسیا لیسم نقش برجسته ای بعهده داشت. او با اتکا به تزلنینی ساختمان سوسیا لیسم در یک کشور بزرگ: رادهای آهنگین حزب را در پیشرفت اقتصاد سوسیا لیستی هدایت کرده و طی مبارزات سر سختانه ای خط مشی های ضد انقلابی و تسلیم طلبانه تروتسکی و بوخارین را درهم شکسته و نشان داد که لنینیم بگانه خط مشی پرولتری در راه ساختمان سوسیا لیسم بشمار می آید. در جنگ جهانی دوم رفیق استالین در هدایت مبارزات ضد فاشیستی سراسر گیتی و در شکست فاشیسم هیتلری نقش ارزنده ای ایفا نمود و نشان داد که امپریا لیسم و فاشیسم قادر به درهم شکستن سوسیا لیسم نمی باشند. استالین در رأس حزب بلشویک و فادار به انترناسیونالیسم پرولتری نبود و با حمایت و پشتیبانی از پرولتاریای بین المللی و خلقهای رزمنده جهان نشان داد که پرچم را انقلاب و سوسیا لیسم است.

آری نام رفیق استالین با تاریخ پیروزی های سوسیا لیسم و شکست بورژوازی عجین است. نام رفیق استالین با تاریخ مبارزه طبقاتی پرولتاریا و انقلاب پرولتری گره خورده است. استالین مظهر ساختمان سوسیا لیسم شکست سرما به داری و فاشیسم است و به همین خاطر است که تمامی مرتجعین جهان کینه توزانه به او حمله میکنند. همه امپریا لیستها، همه سرما به داران، همه دولتهای ارتجاعی، همه رویونیستها، همه تروتسکیستها... بدرستی

طوفان انقلاب می غرد! خلق های انقلابی روسیه مملو استوار برای برانداختن دولت تزاری بپا خاسته اند! پرچمهای سرخ در اهتزازند، سنگرها بنا شده اند، طوفان توده های مسلح، موبسات دولتی را یکی پس از دیگری منهدم می کنند، قریب دهای دلاورانها ز همه جا شنیده می شود، امواج فروکش شده دوران رکود! بانک پر - جوش و خروش میشود، کشتی انقلاب تحت رهبری پرولتاریای روسیه با سرعت هر چه بیشتری دیای آزادی را می پیماید.

پرولتاریای روسیه خواستار چیست؟ و به کجا میرود؟

انهدام دمای تزاری و برقراری مجلس موسان - این است خواست پرولتاریا در حال حاضر پرولتاریا خواهان گرفتن امتیازات جزئی از دولت نیست، او خواهان انقای "حکومت نظامی" و "شکنجه" در بعضی دهات و شهرها نیست پرولتاریا در برابر این چنین خواسته های جزئی

متحدتر مبارزات خود را پیش ببرند، در این راه تمامی نیروهای انقلابی و کمونیست‌های راستین دوشادوش شما حرکت خواهند کرد. کمونیست‌ها از برج‌ها و تهمتها بی‌گناهی که مرتجعین بدانان میزنند باکی نداشته و در راه منافع کارگران و زحمتکشان از نشان راجان خود نیز دریغ نمی‌ورزند. اما آنچه را که شما بدان نظر دورد داشت اقدامات دوستان دروغین مردم‌میباشد، اینها که از وابستگی و حاکمان پروپاقرص رژیم جنایتکار شاه میباشند، "بهنگام" عاملان ضدمردمی رژیم‌کنونی، خود را مدافع مردم میزنند، اما در حقیقت آنان مدافع رژیم حاکم می‌باشند.

با تمام قوا به افشای اعمال ضد خلقی رژیم‌جمهوری اسلامی بپردازیم! مبارزات خود را تنها با اتکا به خود و کمونیست‌های راستین به پیش ببریم!

توطئه تنگین ترور رفیق مسئول کومه‌له در آشنویه را محکوم می‌کنیم

خاستن به خلق و مزدوران امپریالیسم و ارتجاع که از جگری جنبش مقاومت خلقی قهرمان کرد و پیوند هر چه بیشتر انقلابیون کردستان با خلق کرده و حجت افتاده اند، برای تا مین منافع ارتجاعی خود و ضرب زدن برج‌های انقلابی خلق کرد از هیچ جنایتی فروگذار نیستند. آنها دشمنی خود با نیروهای انقلابی در کردستان را به اشکال مختلف عیان می‌کنند که از نمونه‌های اخیر آن، توطئه خاشانه ترور رفیق مسئول کومه‌له در آشنویه بود که توسط این مزدوران ترتیب داده شده بود.

روز ۱۶ بهمن مزدوری با سروری بسته، رفیق مسئول کومه‌له در آشنویه را از قاضی چند متری به رگبار مسلسل می‌بندد اما خوشبختانه این توطئه ضد خلقی و خاشانه عملی نشده، رفیق مسئول کومه‌له با امانت یک گلوله زخمی میگردد و مزدور ترور و رست با بغرامی گذارد.

این گونه توطئه‌های مذبحانه که از جانب محافل ضد انقلابی طرح و برپا می‌گردد، جز در خدمت حاکمیت رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و مزدوران امپریالیسم و سرکوب جنبش خلق قهرمان کرد نمی‌تواند باشد. ما ضمن محکوم کردن توطئه جنایتکارانه ترور رفیق مسئول کومه‌له در آشنویه، در مورد توطئه‌های تنگین و جنایتکارانه محافل مزدور و ضد انقلابی در جهت بشکست کشاندن جنبش خلق کرد برای تا مین منافع کثیف خودشان، به کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی و خلق قهرمان کرد هشدار می‌دهیم!

بقیه از صفحه ۱۵ لایحه...

قلمداد می‌کنند. و آنجا که پای با داران بر میان کشیده می‌شود، این چنین آنها را تیرش می‌نمایند: "۱- لایحه کشیدن یک یا سادار به روی مردم با توجه به شناختی که از ساداران داریم چه چیزی را نشان میدهد؟ حزیک اشتباه و خطا؟! او بدین ترتیب با تطهیر اعمالین کشتار سرسیردگی خود و سهیم بودنش در این جنایت را اثبات میکند."

مردم مبارز کاخ و کتابدار!

این واقعیت که در یک روزه هیت ضدمردمی و سرکوبگرانه رژیم‌جمهوری اسلامی و ارگان‌های وابسته به آن، و نشان داد که در میان جناح‌ها و دسته‌بندی‌های رژیم خوب وجود ندارد، همگی خواهان سرکوب مردم و انقلابیون هستند بنا بر این از این پس باید هر چه آگاهانه تر و

بقیه از صفحه ۶ ضربات...

کوبگران اموال چند منزل را غارت کردند و مردم را جمع کرده و از آنها خواستار تحویل اسلحه شدند. ولی با مقاومت روستائیان مواجه شده و ۸ نفر از آنها را دستگیر و با خود بردند طی این مدت دودسته از پیشمرگان کومه‌له (پل شهید جلال) که در منطقه بودند بطرف نیروهای دشمن حرکت کرده و در مسیر ستون به کمین شتافته بودند، در ساعت ۱۲ ظهر هنگامیکه ستون برای ادامه اعمال جنایتکارانه اش از کمربندهای مجاور بود، به کمین پیشمرگان کومه‌له افتاد و زیر آتش سلاح‌های سبک و سنگین آنها قرار گرفت دشمن که پس از ورود بدون درگیری خود به روستای "که رجو" انتظار چنین حمله‌ای را نداشت و کوبنده‌ای را نداشت، سر اسیمه و وحش زده نیروها بش پراکنده شد و از پیشروی بازمانده و مجبور به عقب نشینی گردید. درگیری دوساعت ادامه داشت و طی آن تلفات زیادی به ارتشیان و جانشینان و ساداران وارد آمد. در تمام طول مدت درگیری روستائیان رزمندگان و زحمتکش فعالان دستگیرها به پیشمرگان کمک می‌رساندند. در جریان عقب نشینی ستون یک زیل و یک جیب دشمن بدره سقوط کرد که در نتیجه آن عده‌ای کشته و زخمی شدند. از مجموع تلفات دشمن در این نبرد اطلاع دقیقی در دست نداریم. پیشمرگان بدون هیچ گونه آسیبی به پایگاه‌های خود بازمی‌گشتند (بهرنا ۱۲ کومه‌له)

ضمیمه تئوریک - سیاسی (۲) منتشر شد



پیکار
روزنامه دوشنبه ۱۱ اسفند ۵۹
شماره ۹۶
تأسیس و انتشار: کمیته مرکزی جنبش آزادی‌خواهان ایران
مقر: تهران - خیابان ولیعصر - پلاک ۱۰۰
تلفن: ۱۰۰۰۰۰۰۰
پخش: در سراسر ایران

مارکسیسم - لنینیسم
و
دیدگاه اپورتونیستی
تشیکات دوران گذار

این کتاب به زبان فارسی و به روشی ساده و قابل فهم، مبانی و اصول مارکسیسم و لنینیسم را به گونه‌ای که برای دانشجویان و علاقه‌مندان به این مکتب‌ها مناسب است، تشریح کرده است. این کتاب به دست نوشته یکی از نویسندگان برجسته مارکسیست ایرانی است و به دلیل سادگی و عمق مطالب، به یکی از بهترین منابع برای آشنایی با این مکتب‌ها تبدیل شده است.

احضار نماید. ارتش انقلابی و حکومت انقلابی موقت - تلاش کنونی پرولتاریا در جهت تحقق آرمان‌هایش میباشد.

این راهی است که انقلاب روسیه انتخاب کرده است. این مسیری است که پیروزی خلق را هدایت میکند و پرولتاریا خواهان آن است که کلیه نیروهای خلقی در این راه گام ببرند.

حکومت مطلقه تزاری سعی در مسدود کردن مسیر انقلاب نموده‌ها دارد، او با کمک‌میان‌بازی که دیروز انتشار داد و خواست بازداشتن این جنبش عظیم را دارد. امواج دریای پرجوش و خروش انقلاب بروشنی دولت تزاری را منهدم کرده و آنرا به زیل‌هوان تاریخ خواهد سپرد...

آنان که از مسیر پرولتاریا میگریزند - تنفرو حقارت بر آنان باد! آنان که در کمال پستی و زبونی و خواری به انقلاب خیانت می‌کنند شرم بر آنان که در چنین مسیری ره می‌گیرند! در حقیقت، آنها با پستی تمام از حقیقت می‌ترسند!

ما از حقیقت و انقلاب ترسی نداریم! بگذار دشمنان انقلاب هر چه شدیدتر بفرود! بگذار طوفان انقلاب خشمگینانه تر طغیان کند! ساعت پیروزی نزدیک است!

و پس شما را پرولتاریای روسیه را با حرارت بیشتری اعلام کنیم:
مرگ بردوای دولتی!
پیروزی باقیام مسلحانه!
پیروزی در ارتش انقلابی!
پیروزی با حکومت انقلابی موقت!
پیروزی با مجلس موسان همگانی!
برقرار با جمهوری دموکراتیک!
پیروز با دپرولتاریا!
(استالین - کلیات آثار - جلد یکم)

بقیه از صفحه ۱۵ کمونیست‌ها...

رفقای هوادار سازمان چریک‌های فدائشی خلق (اقلیت) و رفقای فدراسیون کارگران و دانشجویان ترکیه نیز قرا شتند. این برنامه موفق ۵ ساعت بطول انجامید.

بزرگداشت سالگرد قیام بهمن در قم

بهمن سبت بزرگداشت قیام مهرشکوه بهمن ۵۷ رفقای هوادار سازمان در قم با فعالیت‌های مستقل و نیز در همکاری با رفقای هوادار سازمان "رزمندگان" با انتشار تراکت و پخش نشریه و... بهیام‌خونین انقلاب را به بیان توده‌های زحمتکش برده و با تبلیغ لزوم رهبری طبقه کارگر در انقلاب دموکراتیک و... دستاوردهای قیام را گرامی داشتند.

۱۷ اسفند روز بین المللی زنان کارگر و زحمتکش گرامی باد!

"هیچ جنبش انقلابی بدون شرکت زنان به پیروزی نمی‌رسد." (لنین)
ستم و گناه بر زنان زحمتکش یکبار به خاطر زحمتکش بودن آنان و بار دیگر به خاطر طرز بودن آنهاست. در جمهوری اسلامی نیز مانند همه جوامع سرمایه داری نه تنها زنان زحمتکش همای مردان زحمتکش سرکوب و استثمار می‌شوند، بلکه شخصیت انسانی زنان نیز دستخوش تحقیر و قوانین قرون وسطایی است.

علیه امپریالیسم و سرمایه داری است که می‌توانند به همه ستم‌های جامعه سرمایه داری نسبت به همه زحمتکشان و نیز زنان باستان بخشد. تنها در جامعه سوسیالیستی است که نه تنها دیگران زستم و استثمار را رختی نیست، بلکه زنان و مردان زحمتکش از حقوق مساوی برخوردارند. اگر در جامعه سرمایه داری زنان از داشتن حقوق مساوی با مردان برخوردار نیستند اگر در سرمایه داری نقش زنان تا سرحد ارضاء امیال جنسی یا شین آورده می‌شود و... در سوسیالیسم زنان بدون ایجاد مانعی در ساختن

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر



در ۱۷ اسفند ۷۳ سال پیش (۱۹۵۸ میلادی)، زنان کارگر در آمریکا برای بدست آوردن حقوق سیاسی برابر با مردان، دریافت مزد مساوی، برابر با کارمندی با مردان، بدست آوردن امتیازاتی اقتصادی و عمدتاً سیاسی دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات توسط پلیس سرکوبگر سرمایه داری آمریکا بخون کشیده شد. زنان کارگر بسیاری در خون خود غلطیدند. بین الملل سالگرد کارگران (ما زمان جهانی جنبش کمونیست آن زمان) چندی بعد، این روز را به عنوان روز همبستگی زنان کارگر جهان اعلام کرد. زنان کارگر و زحمتکش و تمامی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران نیز خاطره مبارزات قهرمانانه زنان کارگر آمریکا بر علیه سرمایه داری را در این روز در شرایطی گرامی می‌دارند که خود در جمهوری اسلامی شدیداً زیر فشار ستم و گناه قرار دارند و از یک طرف به خاطر زحمتکش بودن، استثمار و غارت می‌شوند و شیره جان در کارخانه ها و مزارع و کارگاهها توسط سرمایه داران و همه مفتخوران مکیده می‌شود و در مبارزه خود مانند مردان زحمتکش سرکوب می‌گردند از طرف دیگر یک ستم دیگر نیز به طرز بودن بودن بر آنها روا داشته می‌شود.

رژیم جمهوری اسلامی شخصیت انسانی زنان را تحقیر کرده و عملاً نصف ارزش مردان را برای وی قائل است. زن نیمی از ارزش را در مقایسه با مردان می‌برد. حق قضاوت را ندارد. حق انتخاب شغل به شیوه های گوناگون از او سلب می‌گردد. مزد زنان زحمتکش در مقابل کار مساوی با مردان از مردان زحمتکش کمتر است و سرمایه داران با استثمار زنان، پول بیشتری به جیب می‌زنند حق طلاق با مردان است و زنان از حقوق مساوی در ارتباط با مسائل خانوادگی، اداره فرزند و... برخوردار نیستند. جمهوری اسلامی بعنوان یک دولت سرمایه داری با وقاحت تمام ارزش انسانی زنان را که مانند مردان در تولید اجتماعی شرکت دارند - دور و دور مبارزات انقلابی جان می‌بازند، نفی کرده و بطرز شرم آور آنها را تا سرحد انانیتش برای برآوردن "تیا جنسی" یا شین می‌آورد در جمهوری اسلامی نه تنها یک مردم می‌توانند با چندین ازدواج کنند بلکه با برسمیت شناختن "صیغه" در واقع فحش رسمی را داد - می‌زنند و به شخصیت زنان توهین می‌کنند اکنون در بسیاری از کارخانجات و ادارات

زنان به طرز بودن، استخدام نمی‌شوند و تعداد زیادی نیز بیکار شده و با در خطر بیکاری قرار دارند. جمهوری اسلامی می‌کوشد تا زنان را مانند قرون وسطی در خانه ها محبوس کرده مانع شرکت فعال آنها در زندگی تولیدی و اجتماعی گردد. کارهای سنگین، شب کاری و... با کمترین دستمزد به زنان کارگر گذاشته می‌شود. زنان زحمتکش ایران با بیای مردان در مبارزه خویش بر علیه شاه خشن شرکت داشتند و مدتها شهید در ۱۷ شهریور و... از خود بجای گذاشتند. زنان انقلابی دلاوری که در زمان شاه شکنجه و تیرباران می‌شدند

جامعه ای آزاد و در حرکت بسوی جامعه ای بدون طبقه همیای مردان شرکت دارند. زنان زحمتکش ایران برای رسیدن به چنین جامعه ای با سستی به نبرد خویش ابتدا برای تحقق جمهوری دموکراتیک خلق، یعنی آن پلکانی برای تحقق سوسیالیسم و پیروزی نهائی هم - دوش با مردان زحمتکش ادامه دهند. "در جامعه ای که به زنان ستم روا داشته می‌شود، آزادی برای زحمتکشان وجود ندارد!" "آزادی زنان تنها با آزادی همه کارگران و زحمتکشان از قید و بند سرمایه امکان پذیر است!"، "تنها جامعه بی طبقه می‌تواند به ستم کاری نسبت به زنان خاتمه دهد!"

اینک نیز با بیای مردان به مبارزات خود ادامه می‌دهند زنان کارگر، زنان کرد، ترکمن و... دوش بدوش مردان برای نابودی سرمایه داری و بسته می‌زنند. علاوه بر شرکت فعالانه در مبارزه خویش با امپریالیسم و راجع، زنان زحمتکش ایران برای بدست آوردن حقوق عادلانه برابر با مردان نیز به مبارزه خود ادامه می‌دهند و بر علیه تمامی ستم‌هایی که رژیم جمهوری اسلامی به آنها تحمیل کرده است بی‌خوابه می‌زنند. اما زنان زحمتکش ما باید بدانند که تنها با نبرد دلاورانه آنها همدوش مردان زحمتکش بر

بقیه از صفحه ۳۲ **لیبرالها...**

بورژوازی قرار دهند.

در شرایط حاضر لیبرالهای فربیکا رنگران اوضاع هستند. کدام اوضاع؟! وضعی که حزب جمهوری با سیاستهای آشکارا ارتجاعی و عقب مانده خود، نتوان از اداره سرمایه داری وابسته و جلوگیری از رشد جنبش است. کمونیستها و انقلابیون صدیق از رشد انقلاب استقبال میکنند اما مرتجعین و از آنجمله لیبرالها از رشد انقلاب میهراسند. تاریخ مبارزه طبقاتی دوره اخیر ایران شاهد این مدعاست. کارگران ما هرگز فراموش نکرده اند که در دوره آخر حیات تنگنای رژیم شاه مزدور لیبرالها با نام نگاری برای "ا. علی حضرت" شان شاه را از خطر انقلاب آگاه میساختند و به او میگفتند دیکتاتور را تخفیف بده تا ما هم شریک قدرت شویم و با کمک همدیگر جنبش انقلابی توده ها را متوقف سازیم. آری هیچکس این تاریخ زنده را فراموش نمیکند! و امروز ما می بینیم که همان داستان تکرار میشود. امروز نیز لیبرالها به حزبها میگویند "انحما طلبی" را کنار بگذارید تا متحدا انقلاب را سرکوب کنیم. سحابی خاکن میگوید ما در پی سقوط دولت نیستیم چرا که این امر "هرگز با روحیه و طرز تفکر ما انطباق ندارد. ما در این دیدار و قدر و مقدار جزق گواهی و حق خواهی و روشنگری و چاره اندیشی نسبت به وضع آشفته خطرناک موجود وطن نظری نداریم. سحابی در واقع میگوید ما حق لیبرالها را میخواهیم تا با چاره اندیشی متحدا نه خطر انقلاب را دفع نمائیم. این است کینه صحت این لیبرال خاکن!

لیبرالهای خاکن سهم بیشتری از حزیبای خاکن می طلبند

لیبرالها که امروز در دستگاه دولتی در موضع مسلط قرار دارند از حزبها "حق" خود را می خواهند. لیبرالها بر آنند که در برابر کارمندان حکومت جمهوری اسلامی که محصول سازش خاکنین به خلق با امپریالیسم است، نقش قاطعی داشته اند. لیکن امروز از سهم لازم خود در قدرت سیاسی برخوردار نیستند. با زرگان این خیانتکار کهنه کار میگوید: "ما ضمن آنکه مخالف و معترض نسبت به خیلی خرابیها و خطاها و خلافها (ی حزبها) هستیم و آنها را نقاط ضعف و زیان و بلکه تنگ ... میدانیم ولی در اصل و اساس با انقلاب (منظور سازش است) (نظا میگوید خود را بجا دواستقرار آن شریک بوده ایم مخالف و دشمن نیستیم. آری با زرگان ها با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با سیستم سرمایه داری وابسته با امپریالیسم با استمگری علیه خلق مخالف نیستند. چرا که هستی لیبرالها (هما نگونه که حزبها) در گرو وجود همین سیستم مردمی قرار دارد. بازگانتها جزو طبقه بورژوازی بوده و بورژوازی نمیتواند با سرمایه داری وابسته و رژیم مدافع آن مخالف و دشمن باشد. آری با زرگان میگوید ما طرفدار

قانون اساسی ارتجاعی موجود هستیم و تضعیف و تردید در آن واژگون کننده اساس نظامان خواهد شد. "و چرا که لیبرالها همانند حزبها طرفدار این قانون اساسی نباشند. قانونی که مالکیت سرمایه داری را برسمیت می شناسد، قانونی که استثمای کارگران را حق سرمایه دار میداند، قانونی که هیچگونه اعتراضی علیه حضور امپریالیستها و سرمایه های چپا و لگزان ندارد، قانونی که جز فقر و ستم و استثمای ربرای کارگران و سایر توده ها حق دیگری قائل نیست. آری با زرگانها مدافع و پادشاه همین قانون اساسی و ضد مردمی هستند. پس اختلاف در کجاست؟ لیبرالها مخالف "انحما طلبی" حزبها می - باشند. چرا که این انحما طلبی، لیبرالها را در اعمال سیاست خود محدود میسازد. لیبرالها می گویند باید آزادی برای همه بورژوازی فراهم باشد. لیبرالها میگویند دنیا باید "انحما طلبی" تک حزبی" داشته باشد دیکتاتور کلی طبقه سرمایه دار را عمل کرده. بزدی این دلال سازش با امپریالیسم میگوید: "اشکال اساسی در ... اختلاف دویشت و نگارش از فلسفه سیاسی است. یک بینش به جا مع با آزادی بر اساس موازین اسلامی و قانون اساسی اعتقاد دارد، بینش دیگر معتقد به اداره کشور بر اساس حکومت تک حزبی است. "بزدی ادا می میدهد: "دولت سمبل و آلت فعل یک جریان سیاسی حاکم است تا آن تفکر سیاسی انحما طلبانه تغییر پیدا نکند و تا آن جریان اصلاح نشود، دولت مطرح نیست. این دولت مجری نظرات و گرایشات همان جریان سیاسی است که معتقد به حکومت حزب واحد است."

بزدی به حزبها میگوید باید بینشی اتخاذ کرد که "به جا مع با آزادی" معتقد است. یعنی جا معی که در آن همه بخشهای بورژوازی بتوانند در ماشین دولتی سهم مساوی داشته باشند یعنی جا معی که در آن لیبرالهای خاکن در کنار حزبهای خاکن در "اداره کشور" به یک میزان سهم داشته باشند. بزدی همانند همه لیبرالها آزادی برای کارگران و سایر توده ها نمیخواهند. اینان میگویند چرا از دیوتلوژیون فقط در خدمت حزبها باشد؟ چرا نمایندگان لیبرال در نطق قبل از دستور مجلس نباید از حقوقی برابر حقوق حزبها برخوردار باشند؟ چرا در نما جمعه فقط حزبها باید حرف بزنند و نه لیبرالها؟ چرا دولت رجائی وزیران خود را از میان لیبرالها انتخاب نمیکند؟ چرا در پیشبرد موقفاشی لیبرالها را بازی نمیدهند؟ می بینید که خواست های لیبرالها چیست! لیبرالها میخواهند همانند حزبهای مرتجع از حقوق برابر در ارگانهای دولتی برخوردار باشند. بنا بر این لیبرالها برای دمکراسی و آزادی کارگران و سایر توده ها نمیتوانند و نمیخواهند مبارزه کنند مگر لیبرالها در کنار حزبها با رها و با رهبا جنبش کردستان را سرکوب نکرده اند؟ مگر لیبرالها در کنار حزبها بدفعا با کمونیستها

را در زندان شکنجه نکرده و اعدام نموده اند؟ مگر با رها و با رها قوای سرکوب رژیم نظامی هرات توده ها را بخون کشیده اند و مگر لیبرالها و حزبها این سرکوبها را تأیید نکرده اند؟ آیا یکبار دیده اید که لیبرالها علیه سرکوب کارگران و کمونیستها لب به اعتراض بکشند؟ هرگز و هرگز! لیبرالهای مرتجع بنا بر ماهیت طبقاتی خود موافق سرکوب خلق اند و در این جنایات با روه دست حزبهای مرتجع میباشند. آری همه بخشهای هیات حاکمه دشمن انقلاب میباشند. آری مسئله اصلی لیبرالها گرفتن "حق خود" از حزبها میباشند.

لیبرالهای خیانتکار از انقلاب توده ها وحشت دارند

اما لیبرالها برای چه میخواهند موقعیت خود را از دستگاه دولتی تقویت کنند؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت عامل اساسی طرح این خواست وحشت از انقلاب توده ها است. لیبرالها می بینند که جنبش توده ها همچنان اوج میگیرد و حزبها لیاقت متوقف ساختن آن را ندارند. بنا بر این خود میگویند تا به شیوه خود بر انقلاب مها رزه و آنرا به انحراف بکشانند. آنها می دانند که در صورت وقوع انقلاب توده ها مرگ حسی کل بورژوازی ایران ناگزیر خواهد بود و بنا بر این تلاش میکنند تا توطئه های خود را انقلاب را سرکوب نمایند. آنها تلاش میکنند تا با برنامه های خاص خود به این هدف ضد انقلابی ناشل آیند. بزدی خاکن میگوید: "ما این مشکلات را میدانیم اما با بدلیل این مشکلات میتوان از طرح برنامه های اصولی و منطقی خودداری کرد؟ با آنکه با ندانم کارهای کفایتی ها بر دامنه مشکلات افزود تا بجای که خدای نکرده به یک فاجعه بزرگ و متلاشی شدن منجر گردد؟ "ا. ا. افافه میکند: "عدم نظم و سازماندهی در این مرحله از انقلاب موجب تشدید بحرانهای اقتصادی، تشدید تورم و ورگود و بیکاری و موجب بروز هرج و مرج و نا امنی میگردد." (تاکید از ما ست.)

می بینید لیبرالها همانند حزبها چگونه از او جگیری جنبش و انقلاب میهراسند لیبرالهای خاکن به حزبهای ضد انقلابی ایراد میگیرند که شما نمیتوانید بحران را رفع کنید و جنبش را بخوابانید. لیبرالهای خاکن میگویند اگر "برنامه های اصولی" جهت بازسازی سیستم

سرمایه داری وابسته و سرکوب انقلاب را داشته اندیم "فاجعه بزرگ" بوقوع می پیوندد. آری لیبرالهای خاکن همانند همه مرتجعین از انقلاب وحشت داشته و آنرا "فاجعه و هرج و مرج و نا امنی" میخواهند و بر اینست که انقلاب توده ها برای همه سرمایه داران و از جمله لیبرالها فاجعه مرگ آوری خواهد بود. اینجا است که ما هیئت دغلا را نه و مرتجعان لیبرالها آشکارا تر می - گردد. اینجا است که روشن تر میشود که لیبرالها

بقیه در صفحه ۲۹

انشاء الله گر به است!

برابر لیبیرالها دست بردارند و مشترکا مشکلات اساسی یعنی سرکوب خونین انقلاب و بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته را حل نمود. آری این است هدف خائسانه لیبیرالها. اما آنها به همراه حزبها و کل رژیم حاکم این هدف ضدانقلابی را باید با خود به گور ببرند. بحران سیستم سرمایه داری ناشی از ماهیت گسندیده آن است و مبارزه طبقاتی ریشه در تفاذهای آشتی ناپذیر دارد. مبارزه ای که جریان دارد هیچ مانعی نمیتواند از آن جلوگیری نماید. طبقه کارگر به همراهی همه توده های مستعبد شده این نظام اارتجاعی را بنودخواه ساخت و چمه — چوری دگرگانی خلق را برقرار خواهد نمود و سپس سوسیالیسم به پیش خواهد رفت.

بقیه از صفحه ۲۸ **لیبرالها...**

دشمن سرخست میا زره توده ها در راه دمکراسی و استقلال میباشند. آری لیبرالها از انقلاب کارگران و زحمتکشان میپراستند و همین خاطر با تمام قوا به مقابله با این انقلاب برخاسته اند. زرگان خائن میگوید: "عمیقاً نگران تداخل و نفوذ افکار بورژوازی و سرمایه داری در میان کارگران و سوسیالیست ها میباشم. ضرورت شناخت و معرفی و مبارزه با دشمنان... خصوصاً نیروهای چپ و ضد اسلامی "معیت میکند. اینجا است که چهره و ضد انقلابی لیبرالها آشکارتر میگردد. آنها از رشد انقلاب و از رشد نیروهای کمونیستی راستین در میان توده ها وحشت دارند و همین جهت پرچم دروغین آزادی طلبی را در دست گرفته اند و توده ها را بفریبندگی مبارزانشان را سرکوب کنند و کمونیستهای راستین را بخون بکشند. آری لیبرالها نیز مانند مزدخیزها تئوکرانها دشمنان انقلاب میباشند و طبقه کارگر را فراموش نخواهد کرد که لیبرالها هم دست حزبها و قاتل دهها کمونیست و فدائیان انقلاب میباشند.

در راه هدف ضد انقلابی خود، لیبرالها به حزبها میگویند یا بدوخت داشت. آنها به حزبها میگویند بدون وحدت کل بورژوازی نمیتوان از رشد انقلاب و مبارزه طبقاتی جلوگیری نمود. بزدی خائن میگوید: "نظراً این است که یک علت اصلی و اساسی برای بحران کنونی کشور وجود اردوآن سلطه تفکر تک حزبی است. تا این مشکل حل نشود قاتل دهها کمونیست است (یعنی سرکوب انقلاب و مبارزاتی سیستم) نخواهد بود"، "برای بوجود آمدن وحدت باید دست از انحصار طلبی برداشت و از هر گونه کوشش برای حذف دیگران خودداری کرد". حرف لیبرالها روشن است: حزبها باید از "انحصار طلبی" در

۱۰۰۰۰	الف -	۱۰۰۰۰	تجارت:
۱۰۰۰	ب -	۸۰۰	الف - م
۱۰۰۰۰	ج و د -	۸۰۰	الف -
۱۰۰۰۰	هوا داران زندانی در زندان	۸۰۰	و -
۱۰۰۰	سپاه -	۱۰۰۰۰	و - امیر
۵۰۰۰	پرتل نظامی هوادار	۵۰۰۰۰	و - بی مترجم
۴۰۰۰	هسته جنگجویان ۱۲	۱۰۰۰	هوستان گز رنگر
۲۰۰۰	درهله ای بیگلر	۲۰۰۰۰	زمان خا نه دار
۲۲	هدایا: با ۲۲ - مرغ ۲۲	۱۰۰۰	مادر -
۱۰۰۰	عمر شاه	۵۰۰	س - خا نه دار
۱۰۰۰	ک - پ	۲۰۰۰	الف - دبیر
۲۰۰۰	ج -	۲۰۰۰۰	داودکا رنگر سیوال
۵۰۰۰	ک - دنگ	۲۰۰۰۰	هسته
۱۰۰۰	م - دال هدیه ات رسید.	۵۰۰	م - برای کوله
۵۰۰	شهر:	۷۵۰۰	ک - با ناما
۵۰۰	د - س	۲۰۰۰	ج بهای برای بشکریه ها
۱۰۰۰	ه -	۲۰۰۰	م - هار
۱۰۰۰	سجور	۸۰۰۰	حور کا رنگر جارت ۲
۱۰۰۰	پرتل هوادار	۲۰۰۰۰	هسته کا رنگر بنون
۵۰۰۰	آرژا رنگر غدار	۲۵۰۰	د - آرد سرخ
۱۰۰۰	لیبریزین	۲۵۰۰	و - دوتا رستین
۴	م - ۱۲ لیبریزین	۱۵۰۰۰	الف - با ششکین کارگر
۱۰۰۰	د - ۱۵ لیبریزین	۱۵۰۰۰	هسته کارگری صنعت
۳۰۰	دینما در یک رفیق	۱۰۰۰	آرژا رنگر سیوال
۲۰۰	خبر دار آتوشوئی	۵۰۰۰۰	روح خا حوزو کارگری
۶۰۰۰	سلیمان هوادار	۶۰۰۰	س -
۱۲۲۰۰	اصلا -	۱۰۰۰۰	هسته کارگری شهید
۱۲۰۰۰	ک -	۲۰۰۰	محمد اشرفی
۲۰۰۰	د - سفر	۲۰۰۰	خا نواده - الف
۱۰۰۰	د - سفر	۲۰۰	کارکا رنگر کشتیر
۱۰۰۰	مهرتونی	۵۰۰	کا رنگر فاش
۲۷۰۰۰	دا و هوا دار	۵۰۰	نظامی اخرا جی
۲۰۰۰	بوشهر:	۱۰۰۰	دانش آموز بهاری
۲۰۰۰	ک -	۲۵۰۰	بخش زبان همدار
۱۵۰۰	الف - دال	۲۵۰۰	دانش آموز کنگره
۱۰۰۰	ب - گد کارگر	۵۰۰۰	م - ۱۴۰۰۰
۲۰۰۰	م - جنگنده	۵۰۰۰	کارنجه
۲۰۰۰	رفیق با هوا برای	۲۰۰	ف - ت ۲ لیبریزین
۱۵۰۰۰	جنگجویان رسید.	۱۵۰۰	رفیق ملایر ۱۵۰۰ مارک هدیه
۱۵۰۰۰	آرژا بیلا:	۲۰۰۰	ب - گد دا روشی
۹۱۰۰۰	گنگهای بدون گد:	۸۰۰۰۰	رفیق کا رنگد - ۸ گنگد
۵۰۰		۱۷۰۰۰	های چهار گانه
۵۰۰		۱۹۲۰۰	کوبین ۱۵ لیبریزین
۵۰۰		۱۰۰۰۰	الف - ده گد ده کوبین بنون
۲۰۰۰		۲۰۰۰۰	و -
۲۰۰۰		۱۰۰۰۰	هدایا: ج -
۲۰۰۰		۱۰۰۰۰	الف - کارگر کا رنگر
۲۰۰۰		۱۰۰۰۰	سیمان - رفیق ع - شعدای
۲۰۰۰		۱۰۰۰۰	جزوه و کشتا بزبنا کلامانی
۲۰۰۰		۱۰۰۰۰	و عربی رسید.
۲۰۰۰		۱۰۰۰۰	رفیق م - پرچا وند
۲۰۰۰		۱۰۰۰۰	ریال - هزار با پیا مشور -
۲۰۰۰		۱۰۰۰۰	انگیزکان با گل سرخ برای
۲۰۰۰		۱۰۰۰۰	رفیق محمود صدی رسید.
۲۰۰۰		۱۰۰۰۰	پیشرو برای شد.
۱۶۴۰۰		۱۰۰۰۰	تجارت:
۱۲۴۰۰		۱۰۰۰۰	م
۱۲۰۰۰		۱۰۰۰۰	ق
۱۲۰۰۰		۱۰۰۰۰	خ
۱۲۰۰۰		۱۰۰۰۰	ع - برای کوله
۱۲۰۰۰		۱۰۰۰۰	مورج
۵۰۰		۱۰۰۰۰	فار
۲۰۰۰۰		۱۰۰۰۰	مریم

بقیه از صفحه ۲ سر مقاله...

حزب نمی دهد) و نه لیبرالها، قدرت و توان آن را دارند که با تکیه بر ابزارها و پایه های توده ای موجود خود، دست به یک تعرض نظامی بر علیه جناح دیگر، که اکنون مهمترین ابزار همدستی قدرت دولتی را در قبضه دارد، دست زنند.

چنین مجموعه ای از عوامل و عناصر، هیئت حاکمه را در بن بست بیستی از حل تضادهای درونی آن، گرفتار ساخته است، که هیچگونه چشم انداز روشنی در حل فاطح آن برای جناحها، ترسیم نمی کند. بیهوده نیست که هریک از جناحها علیرغم پیچیدگی ها و دشواری ها که بر چهره یکدیگر میکشند، در پایان هر دو از درگیری، به تلاش های سترون خویش نومیدانه چشم میوزند، و "خدا" را به شهادت بی طلبند!

تغییر تدریجی توازن توازن در هیئت حاکمه به نفع حزب جمهوری، لیبرالها را به یک نیروی "اپوزیسیون" ارتجاعی در درون هیئت حاکم تبدیل کرد این تغییر توازن نیروها و شکل گیری تضاد در بالا در هیئت و تناسب جدید آن، به است شکل گیری تناسب خاصی و تسبی در قوای سیاسی و نیروها و احزاب در ایران گردیده است. تناسبی نوین هم در درون جبهه بورژوازی بطور کلی و هم در درون جنبش کارگری و انقلابی واقعیت این است که اپوزیسیون ارتجاعی بختی را هم اکنون و قبل از آنکه بعنوان یک آلترنا تیو مستقل، همچون گذشته عرض اندام کند در یک طیف تغییراتی بطور یلایطه با واسطه، در اتحاد با جناح لیبرالهای درون هیئت حاکمه، جبهه متحدی در برابر جناح حزب بوجود آورده است، و بی مدر را به "زعامت" و نمابندگی خود برگزیده است. یعنی مدر هم اکنون خواسته با نا خواسته به نقطه وحدتی در بخش وسیعی از اقشار بورژوازی که زنجیر آن از درون هیئت حاکم تا خارج از آن یعنی از بورژوازی لیبرال، تا بورژوازی بزرگ انحصاری کشیده میشود، تبدیل گشته است. این طیف به زعمات لیبرالها، با عوامفریبی تمام، به جستجوی متحدینی در درون جنبش کارگری و انقلابی گرایشاتی را به نفع خویش برانگیخته است و نیروهای سیاسی معینی را به چاکرانی خویش در درون جنبش کارگری و سرپل خود در درون جنبش انقلابی تبدیل کرده است، از رویزیونیست های ضد انقلابی سه جانی که به عنوان متحدین استوار و نوکران نقابدار این طیف گسترده بورژوازی لیبرال عمل میکنند، بگذاریم، سازمان مجاهدین، به عنوان یک نیروی بورژوا دمکرات، با انتخاب سیاست لیبرالی در درون جنبش انقلابی به سرپل نفوذی لیبرالها در درون جنبش دمکراتیک تبدیل شده اند.

در سوی دیگر، حزب جمهوری اسلامی، با تمام گرایشات درونی خویش رویزیونیست های توده ای و اکثریتی را در کنار خود دارد و هم اکنون آنها با تمام نیرو در جهت همراهی و یاری رساندن به این جریان ارتجاعی هستند.

این آرایش سیاسی نیروها در لحظه حاضر

که زنجیر و راهم نیروهای سیاسی را بنوعی تحت تاثیر خود قرار داده است، بدلیل خلطت خود، اهمیت سیاسی بین مهمی در جهت حرکت تضادها و سیر اوضاع سیاسی جامعه، یافته است. این بنفندی سیاسی، عملاً و علیرغم تمام تنوع عاقلی که در نیروهای سیاسی جامعه وجود دارد، باعث شده است که به آلترنا تیو، در برابر انقلاب و در مقابل بحران کنونی، خویش را نمایان سازد: آلترنا تیو لیبرالها، آلترنا تیو حزب جمهوری اسلامی، به مثابه دو آلترنا تیو ارتجاعی و ضد انقلابی، و آلترنا تیو انقلابی کمونیستی، که در مبارزه و نفوذی دو آلترنا تیو دیگر رشد و گسترش می یابد، در واقع هم اکنون نه دارنده های ارتجاعی، از قبیل بختیارها را می توان یک آلترنا تیو مستقل به حساب آورد. چرا که عملاً همونی جناح لیبرالهای درون هیئت حاکمه را پذیرفته اند، و نه سازمان مجاهدین خلق را پذیرفته اند. و نه سازمان مجاهدین خلق به مثابه یک نیروی بورژوا - دمکرات مترقی، بدلیل خلطت مشی و سیاست خود، در شرایط کنونی و جایگاهی که در میان سیاست سیاسی نیروها اشغال کرده است، آلترنا تیو مستقل را ارائه میدهد. واقعیت نشان میدهد، که رهبران سازمان مجاهدین عملاً توده ها را به مسلخ لیبرالها میکشاند و آلترنا تیو لیبرالی را در اوضاع کنونی تقویت می نمایند. مجاهدین با اتخاذ سیاست و خط مشی ای که در مقابل تضادهای دو جناح رژیم در پیش گرفته اند، عملاً از ارائه یک آلترنا تیو مستقل انقلابی بورژوا دمکراتیک و یا تقویت آلترنا تیو انقلابی و کمونیستی موجود، سر باز زده اند، و این سرنوشتی سیاسی است که هم اکنون در پیش گرفته اند.

رویزیونیست های خروشقی نیز تمام تلاششان، در مطرح ساختن تقویت و تکامل گرایش و آلترنا تیوی است که در حزب جمهوری اسلامی، و جناح خمینی تجسم یافته است. اینان نیز هم اکنون آلترنا تیو مطلوب خود را به گونه ای مستقل، بلکه در تکامل گرایشات درونی موجود در حزب جمهوری اسلامی و همدستان آن، مطابق تمایلات و اهداف ضد انقلابی و بورژواشی خود مورد هدف قرار داده اند.

در برابر این دو آلترنا تیو ارتجاعی، به تمام عناصر و طیف های نامگون درونی آن، آلترنا تیو انقلابی قرار گرفته است که با نفوذی دو جناح ضد انقلابی، و با تکیه بر انرژی انقلابی توده ها، علیرغم همه ضعف ها و کاستی های خود در این مرحله، به مثابه یک قطب، یک گرایش معین سیاسی، در آرایش نیروها، مطرح و موجود است و با زتاب خود در تشکلات مختلف، ل انقلابی و گرایشات مترقی و بالقوه نهفته در نیروهای بورژوا دمکرات، جامعه بازمی یابد. این آلترنا تیو انقلابی بیان کننده خط مشی ای است که پرولتاریا از مومع طبقاتی آنی و آتی خود را ارائه میدهد و نیروهای دمکرات اگر بخواهند در تحقق منافع و خواسته های دمکراتیک وفادار

باشند، با بد از این آلترنا تیو انقلابی و پرولتری پیروی و آنرا حمایت کنند. سیر تکامل گرایشات سیاسی در جامعه، به حول این سه آلترنا تیو، تکامل و تغییر میابد و سرانجام با زدودن تمام تضادها و طیفهای مابین موجود، به شکل آشکار و روشن، آن ها را مادیست می بخشند.

قطب ارتجاعی اول، یعنی حزب جمهوری اسلامی و متحدین رویزیونیست آن با درپیش گرفتن یک سیاست آشکار "باندسیا هی" در جامعه و با ناشیگری تمام، علیرغم اینکه اکنون به نیروی عمده سرکوب در قدرت سیاسی تبدیل شده است، بیش از پیش در نزد توده ها افشا گردیده و به سرانگشت افراشته در میان توده های مردم، در غلطیده است. حزب جمهوری در پروسه حرکت خود و هر چه بیشتر در سرانگشت افراشته و فرو میرود، به شیوه های خشن تر و عربان تری در سرکوب جنبش، و نه تنها جنبش که رنزع با جناح رقیب لیبرال خود، دست می یازد. حزب جمهوری اسلامی، یک حزب و رنکسته برای بورژوازی است که دیگر در نزد توده ها "چیزی" برای عرضه ندارد و کوس رسوائی سران منفور و در هر گوشه ای بعداً در آمده و جاشی برای عوامفریبی این حزب ارتجاعی در پیش توده ها باقی نمانده است. اما آلترنا تیو لیبرالها چنین نیست. آلترنا تیو لیبرالها، هم اکنون قدرت و توان خود را نه تنها از نیروی سرمایه، بلکه همچنین از نیروی توده توده های وسیع نسبت به لیبرال - ضد انقلابی میگیرند. توده های که علیرغم سیرا اعتلاشی مبارزه شان در دام جنبش توهمی گرفتار آمده اند، و این همان ویژگی فعلی اوضاع جنبش توده ها از لحاظ ذهنی است.

ویژگی اساسی اعتلا عینی جنبش در شرایط کنونی، در این است که توده ها توهما ت وسیع توده هاست به نیروهای سیاسی اپوزیسیون درون هیئت حاکمه، یعنی لیبرالها، و توهما ت متحدینش در خارج از حکومت می باشد. سیر تکامل تضادها و منازعات میان دو جناح، زمینه عینی این توهما ت را فراهم آورده است. اگر تا دیروز، عوامفریبی های "فدا مریالیستی" جناح حزب، مدت زمانی توده ها را در توهم نسبت به خلط "فدا مریالیستی" این جناح باقی میگذاشت، (و آزادی گروگانها را میتوان نقطه پایانی برای توهم به حساب آورد)، اکنون که کوس رسوائی حزب جمهوری و مبارزه به اصطلاح فدا مریالیستی آن در هر گوشه و کرانه ای به صدا در آمده است، و در پی آمد تغییر توازن نیروها در هیئت حاکمه به نفع حزب و به زیان لیبرالها، این لیبرالهای ضد انقلابی هستند که اکنون با عوامفریبی های "آزادخواهانه" - شان، در موضع مطلوب هیئت حاکمه، به نقطه توهمی در ذهن توده ها تبدیل شده اند. واقعیت این است که بورژوازی لیبرال در ایران، هم

میتینگ روز پنجشنبه لیبرالهای ضد انقلابی را محکوم می کنیم!

کارگران مبارز، هم میهنان انقلابی!

با ردیگر لیبرالهای خیانت پیشه، ایمن متحدان امیرالیم، ومدا فعین سرخت سرمایه تلاش میکنند با سوار شدن بر امواج جنس، توده، که حاکمیت ارتجاعی بورژوازی را هدف قرار داده است، مبارزات توده های ستمدیده ایران را به وسیله ای برای کسب مقاصد انقلابی خویش بدل سازند و چهره خود را پشت ما یک غوام قریبانه "آزادیخواهی" پنهان سازند!

اما توده های ستمدیده خلق، چهره واقعی آنها را شناخته و لیبرالها را نیز در کشتار و سرکوب کارگران زحمتکش و خلقهای ایران در حفظ و بازسازی سیستم زخم خورده سرمایه داری وابسته و سازش با امپریالیسم در تشدید فاکت و فقر و گران برای توده ها، با جناح حزب جمهوری اسلامی شریک دیده و بدترستی اختلافات و تضادهای دو جناح رژیم رانه بر سر منافع توده ها، بلکه ناشی از تلاش برای کسب سهم بیشتر در قدرت میدانند.

کارگران، زحمتکشان و توده های انقلابی!

با تحریم میتینگ ضد انقلابی لیبرالها، با گسترش مبارزات انقلابی خود علیه بورژوازی حاکم و همدستان روبرو نیست غاش آن، انقلاب را ادا نمیدهم!

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۵۹/۱۲/۵

کردن ما هیت رژیم حاکم و هدف اساسی انقلاب، اهمیت و جایگاه بسزائی میابد. بدون مبارز کردن ذهنیت کارگران و زحمتکشان با ایده های اساسی انقلابی، هیچ سخنی از قدرت و یابی و رشد آلترا نیا و انقلابی کمونیستی و رها شدن آن از سمومات لیبرالی و خرده بورژوازی نمی توان به میان آورد. وظیفه خطیر کمونیست ها، به مثابه پیشاهنگان آگاه و پرولتاریا، مخفیات خویش را در شرایط کنونی، این چنین بازمی یابد. تنها با افشای این نقشی است که می توان جنبش توده ای را در مسیر سرنگلاخی که در پیش دارد، به سلامت هدایت نمود و انقلاب را در مسیر پیروزی و زندان به جریان انداخت. زنده باد دوسو لیم! برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

انقلابی کمونیستی است، که شرط اصلی، هدایت صحیح جنبش خلق و تکامل انقلاب ایران، در مسیر مطلوب پرولتاریا است. آنچه که به این آلترا نیا تعینیت بخشیده و رشد و گسترش آنرا موجب میشوند حرکت پر سر و صدا، اما خالی از مضمون کمونیست های جدا از طبقه کارگر و توده های زحمتکش، بلکه از طریق شکل و آگاهایی بخشیدن به طبقه کارگر و رهبری در عرصه مبارزه دموکراتیک، بدون آنکه لحظه ای از وظایف سوسیالیستی اش غافل باشد، امکان پذیر است. توهمن توده ها، نسبت به لیبرالها، در شرایط کنونی جنبه دیگر تا کتیک کمونیستها را در هیت کار افشاگرانه وسیع بر علیه سمومات لیبرالی در درون جنبش خلق و جنبش کارگری روشن میسازد. خطت اساسی این کار افشاگرانه جز در این نیست که تصویر صحیحی از جایگاه واقعی بورژوازی لیبرال، در مناسبات اساسی طبقات و آرایش قوای سیاسی، در جامعه ایران، به مثابه بخشی از ارتجاع طبقه کارگر و طبقه مسدود شده، در طبقه کارگر و توده ها، بوجود آید. جایگاه که چه توسط لیبرالها، بعنوان ارتجاع ایدئولوژیک و چه بوسیله دموکرات های متزلزلی چون مجاهدین وسیع در میان توده ها اشاعه میابد. انقلاب ایران، در مسیر خود هدفی جز سرنگونی ماشین دولتی بورژوازی ندارد. اما آنچیزی را که لیبرالها و متحدین سیاسی دموکراتش در صدد انجام آتند، عبارت است از سرنگونی یک جناح از هیت حاکمه (هدفی که مجاهدین دنبال میکنند) و یا حذف آن از حکومت (هدف لیبرالها) تحقق چنین هدفی، به معنی دست بردن در هیت حاکمه، و یا برجا ماندن دستگاه دولتی بورژوازی حاکم و لاجرم تسلط بورژوازی به مثابه طبقه مسلط در جامعه است. و این چیزی جز رفز میسم نیست. اگر روبرو نیست های غرو چغلی با حمله به جناح لیبرالها و تطهیر جناح حزب، دستگاه دولتی بورژوازی را از خطر درهم شکستن توسط انقلاب، می رها نند، مجاهدین به تبعیت از لیبرالها، عملاً همین کار را، با تطهیر جناح لیبرالها، انجام میدهند. هر دو یکسان عمل میکنند و این عمل چیزی جز رفز میسم نیست. هر چند که یکی از موضع یک بورژوا دموکرات نا پیگیر و متزلزل، و دیگری از موضع یک دارودسته روبرو نیستی ضد انقلابی، عمل هر دو، به حفظ دستگاه دولت و پنهان ماندن آن از پیش چشم توده ها، و تبدیل هدف سرنگونی این دستگاه دولت، به هدف سرنگونی یا حذف یک جناح حکومت و یا حتی در بهترین حالت به جایگزینی عناصر و ترکیب جدیدی در حکومت برپا به همان دستگاه دولت، می انجامد و نه چیز دیگر.

درست بر همین اساس است که در تاکتیک کمونیست ها برجسته کردن هدف اساسی انقلاب و ضرورت سرنگونی بورژوازی و درهم شکستن ماشین دولتی کهنه، رابطه درونی اجزای مختلف حکومت و ما هیت واقعی تضادهای آنان، نقش رفز میسم و لیبرالسم ضد انقلابی در مخدوش

اکنون نه تنها در هیت ارتجاع طبقه کارگر، بلکه همچنین در هیت ارتجاع ایدئولوژیک نیز، در صحنه سیاسی ایران، ابفای نقش میکنند. و این نقش دوگانه همان ویژگی مهمی است که چهره خاصی به آلترا نیا لیبرالی در جامعه میبخشد. بورژوازی لیبرال، به مثابه قشری از طبقه بورژوازی در ایران، به مثابه طبقه مسلط و حاکم در ارتجاع درونی با افشار دیگر بورژوازی و بویژه، حزب جمهوری اسلامی جزئی از نیروی سرکوب کننده انقلاب، یعنی بورژوازی حاکم است که در کلیت خویش، در برابر انقلاب قرار داشته و مانع اصلی تکامل انقلاب و جامعه را تشکیل میدهد. و این همان نقشی است که آن را به مثابه ارتجاع طبقه کارگر در صحنه سیاسی ایران موجودیت بخشیده است و انقلاب ایران مستقیماً سرنگونی کل بورژوازی و بورژوازی لیبرال را به مثابه جزئی از آن در دستور خود قرار داده است. از سوی دیگر، بورژوازی لیبرال، به مثابه نیروی بالیبرالیسم میان بوسیده ارتجاعی، تلشی دارد که با ابویسمون نمایی، بطور وسیعی سمومات ایدئولوژیک و سیاسی ضد انقلابی خود را، به اشاعه و تظاهرات دموکراتیک توده ها، در میان مردم نفوذ و اشاعه دهد. و میکوشد، تا انرژی انقلابی توده ها را از جهت گیری به سمت سرنگونی کل نظام سیاسی موجود، به حذف یک جناح معین و به قدرت رساندن خود، منحرف نماید. و با چنین نقشی سازش میان انقلاب، و نظام سیاسی ایران بوجود آورد. در افشای این وظیفه، بورژوازی لیبرال بعنوان یک ارتجاع ایدئولوژیک ظهور میکند. بورژوازی لیبرال، به مثابه ارتجاع ایدئولوژیک میکوشد، بورژوازی لیبرال را به مثابه ارتجاع طبقه کارگر به مثابه جزئی از طبقه مسلط حاکم، از گزند تعرض توده ها در امان دارد، و بدین ترتیب به افشای نقش دوگانه خویش میپردازد. با چنین نقشی است که می توان به اهمیت خطرات آلترا نیا لیبرالی و در همین رابطه نقشی انحرافی آن نیرو های بورژوا دموکراتی (چون مجاهدین) که عملاً به سرپل انتقالی ایمن لیبرالسم ضد انقلابی به میان توده ها، تبدیل شده اند، پی برد. با چنین تموری از اوضاع عینی و ذهنی جنبش، اکنون میتوان، مهمترین جنبه های اساسی تاکتیک کمونیست ها را به مثابه محور و اساس آلترا نیا و انقلابی، و در شرایط حاضر توضیح داد.

سیرا اعتلای عینی جنبش توده ها به مثابه فاکتور اصلی تعیین تاکتیک کمونیست ها را به اتخاذ یک تاکتیک تعرضی با مخفیات کهنه متناسب با سطح تکامل و دامنه این اعتلاست، سوق میدهد. این تاکتیک میباید در همه عرصه ها آنچنان ظهور یابد که اعتلای انقلابی توده ها را در مسیر فرا رسیدن به یک انقلاب تمام عیار، هدایت نماید. آنچه که در مرکز این تاکتیک قرار میگیرد، همانا رشد و تقویت آلترا نیا و



تروریک کمونست در زندان!

روز ۱۷ بهمن ما در میتینگ با زمکمان جریکهای فدائی خلق (اقلیت) که بدست پاسداران جهل و سرما به یخون کشیده شد، یک کارگر کمونیست رفیق فدائی جهانگیر قلعه میاندوآب، دستگیر شد. تلاش خانواده رفیق بجای ترسیدن است. اینکه پس از ۷ روز معلوم شد که جناحین را از رژیم جمهوری اسلامی، وارد زندان ترور کرده اند، خبرهایی حاکی از این است که جسد رفیق را همراه با چند جسد دیگر در پارک ارم (خرم سابق) کشف کرده اند.

رفیق شهید جهانگیر قلعه میاندوآب از فعالین جنبش کارگری بود و در مبارزات خانه کارگری و در خلاق شرکت میگرد.

شهادت رفیق جهان، گواهی است بر پایداری کمونیستها در راه مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه رهایی طبقه کارگر تا آخرین قطره خون.

رفیق جهانگیر قلعه میاندوآب در کنار شهادت رفیق کمونیستی و انقلابی برای همیشه در قلب زحمتکشان ما زنده است. باد و آبر بادا مبارز با امپریالیسم.

گرامی باد یاد دکتر محمد مصدق

در سالگرد درگذشت او (۱۴ اسفند ۱۳۳۶)



یادداشت‌های سیاسی هفتگی

سرما به داری حاکم تلاش میکنم. و به وحدت بورژوازی اعتقاد دارم و سخنرانی ما نیز اگرچه مخالف با "انحمارطلمی های حزب" است اما در باره مسائل و مشکلات کشور "با معنایی دیگر در باره چگونگی به بند کشیدن و سرکوب جنبش توده ها و راه راه حل مناسبتی جهت ادا راه سرما به داری وابسته به امپریالیسم میباشد.

لیبرالهای خان و هدف آنان از برگزاری سخنرانی

همانطور که میدانیم جنبش اوچگیر نشده و اعتلائی که گران و توده ها همچنان موانع را پس میزنند و موج اوچجلو میاند. کارگران و توده های هر چه بیشتری بر اساس تجربه دوساله خود نیز فعالیت آگاهانه کمونیستها و انقلابیون درمی یابند که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی نیز مانند رژیم ارتجاعی پهلوی هرگز نمیتواند و نمیتواند کوچکترین نیازهای آنان را پاسخ گوید و جز سرکوب بیشتر و فقر و فلاکت گسترده تر! ارمغان دیگری ندارد و به همین دلیل زحمتکشان جامعه ما به مبارزات خود ادامه داده و در پی انقلاب میباشد. پرواضح است که بحران فزاینده سرما به داری وابسته و شدت گیری باز هم بیشتر تظاهرات درون هیات - حاکمه و گسختگی آن شرایط مناسبتی را جهت وسعت یافتن مبارزات توده ای بوجود میارود. در بسیاری از اعتلاهای انقلابی توده های هر چه بیشتری از حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی که اینک اهرمهای اساسی قدرت را در دست دارد کنده میشوند. اما در شرایط فقدان حزب کمونیست و آلترنا شونیرومند کمونیستی بخش مهمی از این توده های کنده شده، به طرف لیبرالهای چنانستکار و رفیریکار متمایل میگردد. این تمایل نه بخاطر اشتراک منافع توده ها با لیبرالهاست چرا که کارگران و توده های محروم به لحاظ طبقاتی در تظاهراتی ناپذیر با کل هیات حاکمه و از جمله لیبرالها قرار دارند. این تمایل اساسا ناشی از ضعف کمونیستها و فقدان آگاهی انقلابی در میان توده ها است و به همین خاطر لیبرالهای خائن با تمام قوا میکوشند تا با کشتن توده های نا آگاه به سوی خود، جنبش آنان را وجه المانع با بخش دیگر بقیه در صفحه ۲۸

لیبرالهای ضد انقلابی و تلاشی دیگر برای سرکوب انقلاب

هفته قبل تعرض آشکار لیبرالها علیه حزبها بود. در هفته گذشته چهار رتن! رنما بیندکان برجسته لیبرالهای خائن در تعرض علیه حزبهای خائن پنجشنبه ۷ اسفند را اعلام سخنرانی کردند و بدین ترتیب کوشیدند تا یکبار دیگر بر جنبش توده ها سوار شده و یکبار دیگر با سرکوب جنبش ای جدید رقیبان حزبشان وارد سازند. با اعلام این سخنرانی حزبها غافلگیر میشوند. اما کار اساسی جهت جلوگیری از سخنرانی نمی توانند انجام دهند آنها فقط از انحاء سخنرانی لیبرالها در دادگاهها منع بعمل میآورند. اما خمینی به حمایت از حزبها به لیبرالها هشدار میدهد خمینی که اوچگیری جنبش را می بیند و میکوشد تا بورژوازی، تحت رهبری حزب، علیه جنبش توده ها متحدی قی بماند، زیر فشار لیبرالها می پذیرد که سخنرانی صورت گیرد و خطاب به پاسداران و مامورین دولتی و در عین حال بطور غیر مستقیم به حزبها میگوید:

"کسانیکه بخواهند اختلال کنند در راه مری از ما مرده در سخنرانی ها شای که از طرف شخصیت میشود و چه در اجتماعات مطابق قانونی که با اجازه و زیر کشور اجتماعات حاصل میشود باید شما مواظب باشید." (دوشنبه ۷ اسفند).

اما خمینی در همان حال با لحن تهدید آمیز به لیبرالها میگوید:

"در گفتار شما، در نوشته های شما، اگر چه چنانچه خدای نخواسته یک تفرقه ای ایجاد شود یک سرکوب بخواهد از دشمنان خیال خودشان از رقیبهای خودشان بکنند و این موجب بشود که دلسردی برای ارتش حاصل بشود، دلسردی برای سپاه پاسداران، دلسردی برای پاسبانان و شهربانان حاصل بشود و یک قتلها شای واقع شود به واسطه همین دلسردی، شما ها شریک هستید در آن قتل." (همانجا).

بدین ترتیب خمینی به لیبرالها میگوید نباید به رقیبان خود بتا زید و نباید در صفوف "بالائی ها" تفرقه بیندازید. آری خمینی نگران است که در شرایط درگیریهای دو جناح "انحمار" بورژوازی از بین برود و کل رژیم حاکم در سرکوب انقلاب ناتوان تر گردد و به همین خاطر به لیبرالها میگوید که نباید "اعتدال" را بپذیرد بدنبال این کشمکش است که با لایحه لیبرالها به خمینی پاسخ میدهند که ما نیز برای نجات رژیم

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست